

بررسی و سئواری معدهائی :

برج و باروی ارگ شهر قدیم سلطانیه زمنان - ۱۳۶۴

محمد مهریار - احمد کبیری - فائق توحیدی

در این بین ، در شهرهای قدیمی که کمتر دستخوش حوادث و تغییرات عمده قرار گرفته‌اند ، شهر سلطانیه را میتوان یکی از نوادر بشمار آورد ، با این تفاوت که ابنیه این شهر در زیر آوار مدفون شده ، ولی محدوده آثار و ابنیه شهر قدیم قابل تشخیص است ، و میتوان با کاوشهای علمی باستانشناسی از کم و کیف عوامل موجود آن آگاه شد و با تحلیل پیوندهای عناصر شهری اطلاعات لازم را بدست آورد .

توسعه فعالیت‌های عمران شهری در اطراف گنبد سلطانیه و گسترش کالبدی شهر امروزی سلطانیه ، ضرورت مراقبت بیشتری در حفظ ناشناخته‌های مدفون شهر قدیم را تلقین مینماید .

شناسائی ابعاد و ارگ شهر قدیمی ، با هدف ایجاد زمینه‌های مناسب برای حفاظت از مانده‌های شهر قدیم ، از اساسی‌ترین اقدامات ضروری در جهت گسترش مطلوب شهر جدید بشمار می‌آید و در این گزارش ضمن بهره‌گیری از اشارات متون تاریخی ، چگونگی دست‌یابی به ابعاد و شکل و نقشه محدوده ارگ قدیمی شهر از طریق گمانه‌زنی و جمع‌بندی اطلاعات حاصل از نشانه‌های موجود ارائه شده‌است ، ولی بدواً اشاره بر پارهای از نکات ضروری بنظر میرسد .

پدیده چمن طبیعی را انگیزه انتخاب این محل برای ایجاد شهر سلطانیه دانسته‌اند . با شکل‌گیری شهر در دهه اول و دوم قرن هشتم هجری و گسترش ابنیه و جمعیت‌پذیری آن ، در مدت زمانی کمتر از نیم قرن پس از آغاز پیدایش ، طی حوادثی شهر متروک مانده و به سبب آفت‌نگی نظام اجتماعی ، برج و باروی ارگ مورد تخریب واقع شده و ابنیه با شکوه آن که بنای " گنبد سلطانیه " تنها نمونه باقیمانده

درباره شهر سلطانیه اخبار و اطلاعات پراکنده‌ای در کتب تاریخی و سیاحتنامه‌های متقدمین روایت شده است ، در گزارشها پژوهشگرانی که به معرفی پاره‌هایی از ارزشهای کالبدی ، هنری و معماری گنبد سلطانیه پرداخته‌اند ، نیز با گردآوری پاره‌هایی از اشارات مورخین ، به ارائه دورنماهایی از ویژگیهای شهر قدیمی اکتفا شده است . لکن دست‌یابی به ارزشهای کالبدی و شناسائی مشخصات شهر سلطانیه مستلزم فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه بررسی ، شناسائی ، کاوش ، حفظ و احیاء و معرفی ارزشهای علمی موجود در این شهر میباشد که احتمالاً " در صورت تشکیل بنیاد فرهنگی مناسبی که بطور مستمر به فعالیت‌های نامبرده همت گمارد ، میتوان به آشنائی با مشخصات تاریخی ، فرهنگی این شهر امیدوار بود .

ضرورت استفاده از تجربیات معماری ، شهرسازی مردم این سرزمین در شالوده‌ریزی و ساخت ، و سازهای امروز و آینده جامعه از یک سو ، و از سوی دیگر فقر آگاهی جامعه امروز از سابقه تاریخی شهرسازی خویش و همچنین گسیختگی رابطه اصیل دیروز ، امروز و فردایمان ضرورت بازشناسی ویژگیهای شهرهای قدیمی را دوچندان می‌نمایند .

با وجود فرهنگ و تمدنی درخشان در این سرزمین و بازمانده‌های شهرهایی چون ، نیشابور ، جرجان ، یزد ، کاشان تبریز ، اطلاعات و پیامهای مدون و جامعی از سابقه معماری و شهرسازی برای استفاده نسل حاضر دردست نیست و بهمین علت اهمیت و ضرورت شناسائی نمونه‌هایی از شهر و شهرسازی تاریخی بیش از پیش آشکار میگردد .

آنهاست تدریجا " روبویرانی گذاشت .

از این پس مردم فقیری که با وجود چمنزار و مواهب طبیعی به دمداری و کشاورزی روی آور شده و یا از روستاهای مجاور کوچ کرده بودند ، در فضای ارگ و پیرامون گنبد سلطانیه سکنی گزیدند بناهای روستائی با استفاده از مصالح و فضای بناهای معظمی که روبویرانی نهاده بود ، جانشین ابنیه و برج و باروی ارگ شهر گردیده بموازات آن سایر محله‌های شهر به تلهای ناهمواری بدل گردید که بقایای آن در پیرامون شهر امروزی دیده میشود .

شواهد موجود نشانگر آنستکه دگرگونی سیمای بناهای ارگو تبدیل آن به فضای روستائی موجود به یکباره اتفاق نیافتاده بلکه از بین رفتن هر یک از بناهای اصلی ارگ ، که بعضا " تادوره صفوی و پاره‌ای نیز تا دوره قاجاریه برپا بوده اند ، بناهای روستائی در جای آنها ساخته شده است .

با وجود سرمای توان فرسای زمستان این منطقه و برحسب معمول در سرزمینهای سردسیر ، ایجاد پناهگاه زمستانی احشام از ضروریات روستائیان مقیم شهر بوده که اغلب به شکل زاغه و آغل در ژرفای زمین و اغلب در زیر واحدهای مسکونی و گاه در زیر سطوح روباز خانه تعبیه میگرددیده است .

امروز نیز بجز معدود خانه‌هایی را که با ضوابط طرح جامع شهری ساخته اند و در آنها احداث آغل و نگهداری دام منع گردیده ، در سایر بناهای شهر که قبلا " پدید آمده اند کم و بیش گاو و گوسفند و بز در آغل‌های زیرزمینی نگهداری میشود . ضرورت حفر زمین برای ایجاد پناهگاه زمستانی دام موجب شده است که ساکنین بومی اطراف گنبد سلطانیه ، بویژه مالک هرخانه نسبت به چگونگی لایه‌های زمین و بطور کلی بقایای مدفون شهر قدیم ، تا عمق سه تا چهار متری از سطح خانه‌اش آشنائی نسبی پیدا کرده و به فراخور نیاز خویش از آن بهره‌برداری نماید . گاه مصالح نو یافته را استخراج نموده ، ضمن ایجاد فضای مناسب برای دام ، از سنگ و آجر بدست آمده برای بنای جدید استفاده

کرده اند ، در پاره‌ای موارد مصالح را مبادله و یا بفروش رسانیدند و گاه از پایه‌های بنا و یا باروی قدیمی برای پوشش فضای خالی شده سود جستند . وجود سنگ‌های تراشیده برج و بارو در زیر سرجرزهای نماهای داخلی و خارجی ابنیه موجود بویژه در زیر سرجرزهای دو طرف ورودی هر خانه حاکی از استخراج آنها ، از گذشته‌های دور تا کنون است . نظربه کثرت موارد استفاده ، میتوان وجود سنگ تراشیده سبزرنگ در زیر سرجرزها را ، جزو رسوم بنائی شهر امروزی بشمار آورد ، علاوه بر آن در یک مورد نیز بر بالای سردر ورودی خانه‌ای در شمال شرقی ارگ یک قطعه سنگ سبزرنگ با تراش و نقش هنرمندان‌های که احتمالا " استخراج و سپس در محل فعلی نصب گردیده ، دیده میشود .

بطور کلی تمرکز تراکم سطوح ساخته شده بر بلندیهایی برج و باروی ارگ به نسبت تراکم ساختمانی در سایر عرصه‌ها ، نشانگر آشنائی ساکنین بومی با امتداد برج و باروی وسیع و مستحکم آن میباشد که از لحاظ نفوذ رطوبت به کف بناهای مسکونی نیز مناسبتر از سایر نقاط ارگ است ، و بر خلاف آن اراضی پست مجاور آن در سه جبهه شرقی ، شمالی و غربی آن که بصورت گودیهائی در امتداد بارو بوده آثار احداث بنا کمتر دیده شده است . این گودیهایی ممتد که در جبهه شمالی ارگ عمیقترینظر میرسد باعتقاد مردم بومی بقایای خندق قدیمی شهر بوده و جسته گریخته زمزمه‌های مبهمی راجع به وجود پل و دروازه قدیمی نیز شنیده میشود که نسبت به موقعیت و مشخصات آن اختلاف سلیقه زیاد دیده میشود .

بنای با شکوه گنبد سلطانیه با شیوه ساختمانی بدیع و نماهای خارجی رفیع و همچنین تزئینات نفیس هر بخش از مقاطع داخلی خود مجموعه‌ای موزون از پیوند و ترکیب پیشرفته‌ترین هنرهای دوران تمدن اسلامی ایران را در دوره ایلخانی شامل میشود ، که نه تنها طی قرون متمادی ، تحسین مورخین و هنر شناسان خارجی را برانگیخته و الگوی بناهای با شکوهی در سرزمینهای

دور قرار گرفته ، طی نیم قرن اخیر نیز مورد توجه هنرشناسان و باستانشناسان و همچنین مسئولین میراث فرهنگی قرار گرفته و اقداماتی نسبت به مرمت ، احیاء و معرفی آن صورت پذیرفته است .

شایسته میدانند تاریخچه‌ای و لو مختصر از اطلاعات و مدارکی که در زمینه‌های مختلف علمی و هنری و تاریخی این بنا ، بویژه بررسیهای باستان‌شناسی و مطالعات مرمتی و تعمیرات مواضع مختلف آن که در دسترس میباشند گردآوری و در آرشیویکپارچه‌ای نگهداری گردد

هر چند که در این گزارش نیازی به ذکر رئوس اینگونه اقدامات احساس نمیشود ، لکن یادآوری پاره‌ای از فعالیتهائی که در شناسائی مشخصات محدوده برج و باروی ارگ قدیمی شهر و حریم گنبد سلطانیه بعمل آمده و یا موثر بوده است ، ضروری بنظر میرسد .

از اواخر دهه چهل طراحی مرمت و اجرای تعمیرات این بنا توسط سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران و مشاورت دانشکده معماری دانشگاه ملی ، مرکز باستانشناسی ایران و با مشارکت مشاورین ایتالیائی صورت پذیرفت و پیش از آن نیز اقدامات تعمیراتی توسط اداره کل باستان‌شناسی صورت گرفته بود ، و در خلال اجرای تعمیرات در حوزه‌های مختلف کمربندی از بتن و فولاد برگرد دایره بزرگ گنبد تعبیه شده ، سپس برای حفاظت از تغییر شکل و جلوگیری از انقباض و انبساط این کمربند در سرما شدید زمستان سلطانیه و کنترل درجه حرارت فضای داخلی گنبد ، طرح گرمایش بنای گنبد سلطانیه مورد بررسی قرار گرفت و بدنبال آن پس از طراحی سیستم گرمایشی ، در ضمن گمانه زنیهاییکه برای مکان یابی محل احداث موتورخانه تاسیسات حرارتی بعمل آمد ، بخشی از بارو و برج سنگی ارگ شهر قدیم در جنوب ساختمان موجود گنبد ، توسط هیات بررسی و کاوشهای باستان‌شناسی (مرکز باستان‌شناسی) کشف گردید .

" در قسمت جنوب تربت‌خانه در فاصله ۳۰ متری تربت‌خانه و ۴۵ متری دیوار اصلی گنبد ضمن کاوش ، دیوار عظیم سنگی کشف گردید که با سنگهای سبز رنگ حجاری شده ساخته شده است . این سنگها در اولین قسمت ۸ سانتیمتر جلوتر از سایر سنگها است و بقیه بطور قائم بر روی هم قرار گرفته است و بر روی سنگها علائمی دیده میشود ، بلندی دیوار ۳/۴۰ میباشد و ادامه دیوار بشکل نیم دایره بطرف غرب کشیده میشود ، که تا به امروز جمعا " ۲۴/۸۰ متر طول دیوار کشف گردیده و همچنین تعدادی کاشیهای ستاره‌ای شکل بدست آمده "

(بنقل از گزارش مورخ ۵۴/۱۰/۸ آقای دکتر سعید گنجوی ، رئیس هیات کاوشهای باستان‌شناسی سلطانیه)

همزمان با اجرای طرحهای مرمت و نگهداری بنای گنبد سلطانیه اقداماتی در جهت شناسائی ابعاد شهر قدیم در اطراف شهر سلطانیه صورت پذیرفت ، بطوریکه در گزارش مورخ ۱۳۵۰/۶/۱۶ هیات باستان‌شناسی سلطانیه راجع به حریم سلطانیه میخوانیم :

" با بررسی چنین نتیجه گرفته شد جمعیت فعلی سلطانیه پنجهزارنفر و تعداد منازل مسکونی هزارخانوار و وسعت آن ۱۲۰۰۰×۹۰۰ متر میباشد و با بررسیهاییکه بعمل آمده معلوم گردید چندخانه در اطراف گنبد سلطانیه از طرف سازمان ملی خریداری شده "

و در صفحه ۴ همین گزارش آمده است :

" محدوده اول ۱۲۰۰۰×۹۰۰ متر که فعلا " منازل مسکونی بر روی آن قرار گرفته . محدوده دوم که شامل شهر باستانی میشود عبارت است از ۳×۵ کیلومتر که اگر مقبره سلطان محمد خدا بنده را مرکز قرار داده بطرف شمال دو کیلومتر و بطرف جنوب سه کیلومتر و از شرق و غرب یک و نیم کیلومتر در نظر گرفته شود که تپه نور و تپه فتحعلیشاهی و مقبره سلطان

چلبی و سلطان حسن کاشی در داخل محدوده دوم قرارداد... پس از شناسائی ابعاد شهر قدیمی که آثار بناهای منهدم شده آن بصورت برجستگیهای مشخصی، در زمینهای پیرامون گنبد سلطانیه و روستای مجاور آن دیده میشود، نسبت به انتقال مردم ساکن در آن، به زمینهای مناسبی در خارج از حریم تعیین شده، طرحهایی تهیه و زمینه انجام این فعل و انفعالات تدارک دیده شد، که با وقوع انقلاب اسلامی عقیم مانده، بلافاصله در سال ۱۳۵۸ بنا بر درخواست اهالی سلطانیه، جلسهای با حضور نمایندگان میراث فرهنگی تحت سرپرستی آقای مهندس شیرازی و مشارکت نمایندگان مردم و مسئولین شهر سلطانیه، بمنظور اخذ تصمیمات لازم برای رفع دودلیها و ابقای شهر در پیرامون گنبد و همچنین چگونگی بررسی امکانات توسعه و فعالیتهای عمرانی جدید و بالاخره تثبیت موقعیت عمومی ساکنین شهر در خانههای خود تشکیل گردید.

با توجه به ضرورت حفظ حریم آثار باستانی و لزوم ایجاد شبکه رفاهی و در نظر گرفتن چگونگی توسعه شهر که ناگزیر از ساخت و سازها و فعالیتهای عمرانی جدید میباشد، شناسائی مشخصات آثار مدفون در سطح شهر مسکون و ابعاد واقعی ارگ قدیمی اولویت ویژهی یافت، و در طرحی که خطوط کلی و ضوابط عمومی ساختمان شهر توسط کارشناسان دفتر آثار تاریخی تهیه گردید، گودیهای ممتد در اطراف بقایای ارگ قدیمی (در سه جبهه شرقی، شمالی و غربی ارگ) بعنوان راستای شبکه اصلی معابر شهر ابقاء شده، در نظر گرفته شد که بهمراه سایر ضوابط و مشخصات طرح بهسازی شهر سلطانیه به مسئولین امر ارائه گردید، این طرح پس از طی مراحل قانونی از طریق شهرداری سلطانیه بموقع اجرا گذاشته شد و اینک شبکه خیابانهای اصلی یاد شده، بر امتداد خندق اطراف ارگ قدیمی منطبق میباشد.

به موازات پیشرفت کار ایجاد خیابانهای جدید و اسفالت

معابر شهر و بدنبال تهیه طرح ساماندهی محدوده حریم گنبد سلطانیه (زمینهای خریداری شده پیرامون گنبد) و ضمن ادامه تعمیرات مربوط به ساختمان اصلی گنبد، اقداماتی صورت پذیرفت که اهم کارهای مربوط به شناسائی مشخصات برج و باروی ارگ را میتوان بشرح زیر خلاصه نمود:

— تخریب و تسطیح خانهها و اماکنی که تدریجا "طی سالهای اخیر خریداری شده است.

— انتظام فضائی عرصه محدوده خریداری شده و تحصیر آن.

— ادامه خاکبرداری و پیگردی برج جنوبی گنبدخانه و باروی شرقی متصل به آن.

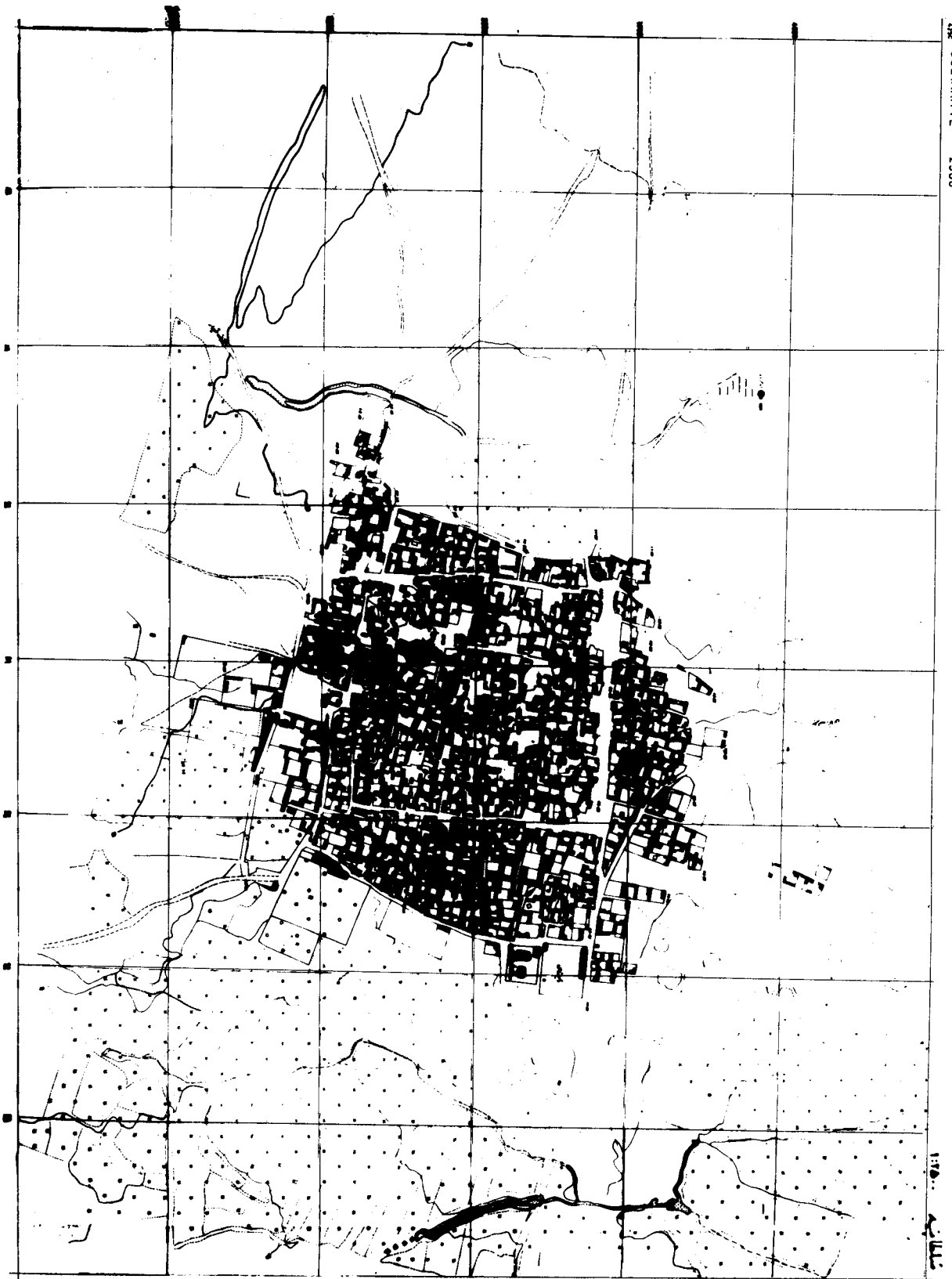
— تسطیح زمینهای جنوبی برج و باروی آزاد شده، در سطح همپراز ریشه برج و باروی جنوب گنبدخانه اصلی.

— مرمت برج و باروی جنوبی و ساماندهی سطح فوقانی باقیماندههای برج و بارو.

— مرمت پلکان دسترسی به مظهر قنات، واقع در مجاورت شمالی برج و باروی جنوبی.

— سرپوشیده کردن محل موتورخانه تاسیسات گرمایش بطوریکه مانع دید باروی جنوبی گنبدخانه نشود و استفاده از فضای آن بصورت انبار.

علاوه بر اقدامات فوق که در خلال اجرای طرح ساماندهی حریم گنبد سلطانیه توسط دفتر فنی "سازمان" در قزوین و زنجان صورت پذیرفت، کار خرید خانههای دیگری در جنوب غربی این محوطه در سال جاری جامه عمل پوشید و عرصه آنها به محدوده حریم گنبد اضافه شد، از پی خرید این خانهها بررسی وضع آثار موجود در زیر آوارخانهها و تعیین مشخصات برج و بارو و وسعت ارگ قدیمی و گسترش و رابطه آن با سطح شهر امروزی سلطانیه در بهمن ماه سال ۱۳۶۴ در برنامه کارهای تعاملی قرار گرفت. (نقشه ۱).



نقشه ۱- شهر سلطانیه

در کتب تاریخی و سیاحتنامه‌های متقدمین اخبار و اطلاعات پراکنده‌ای درباره شهر سلطانیه روایت شده است، که پاره‌ای از آنها معرف ابعاد کالبدی و ویژگیهای فرهنگی آن میباشد.

" سلطانیه از اقلیم چهارم است شهر اسلامی طول از جزایر خالدات فدو عرض از خط استوائ طارغون خان بن ابقای خان بن هولاکو خان مغول بنیاد فرمود پسرش اولجایتو سلطان تغمداله الله بغفرانه با تمام رسانید و بنام خود منسوب کرد طالع عمارتش برج اسد و دور با روش که ارغون بنیاد کرده بود دوازده هزار گام و آنکه اولجایتو سلطان میساخت و بسبب وفات او تمام ناکرده ماند سی هزار گام و درو قلعه است از سنگ تراشیده که خوابگاه اولجایتو سلطان است و دیگر عمارات در آنجاست و دور آن قلعه دو هزار گام بود هوایش بسردی مایل است و آبش از چاه و قنوات است و نیک‌هاضم و چاه آنجا از دو سه گزی است تا بده گز و ولایات سردسیر و گرمسیر در حوالیش بیک روزه راه است و هر چه مردم را بکار آید در آن ولایات موجود و بسیار است و علفزارهای بغایت خوب و فراوان دارد و شکارگاههای نیکو و اکنون چندان عمارات عالی که در آن شهر است . . . "

(نزه القلوب حمدالله مستوفی باهتمام گای لسترنج صفحه ۵۵)
" در عهد سلطنت الجایتو رشیدالدین فضل الله مانند دو پادشاه سابق دارای مرتبت و حیثیت تمام بود بلکه نزد سلطان جدید نیز غریو اکرام و اعتماد اختصاص یافت در همان اوقات در سلطانیه که پایتخت جدید دولت بود ناحیه‌ای را آباد ساخت که بنام او به رشیدیه معروف شد و آن بنا دارای مسجدی با شکوه و مدرسه و بیمارستان و سایر ابنیه خیریه و قریب به هزار خانه بود . "

(جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله بکوشش دکتر بهمین کریمی صفحه ۷)

. . . " این گنبد که در داخل با روی سلطانیه قرار داشته

بنائی است مثنی یعنی هشت گوش که طول هر ضلع آن به ۸۰ گز بالغ میشد و گنبدی که بر روی آن بوده ۱۲۰ گزارتفاع داشته است در اطراف بنای مزبور پنجره‌های آهنینی داشته است که یکی از آنها دارای ۱۳۰ ارش ارتفاع و ۱۱۵ ارش عرض بوده است مقبره اولجایتو سه در بسیار عالی منقور داشته که روی آنها را با ظرافت تمام با خطوط و نقوش زیبا مزین کرده‌اند، داخل و خارج گنبد از کاشیهای کبود بسیار شفاف که هنوز قسمتهائی از آنها باقی است مستور بوده و هیات آن از فاصله‌های بعید در مقابل نور آفتاب بدرخشانی تمام جلوه میکرده "

(جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله بکوشش دکتر بهمین کریمی صفحه ۶۰)

" حافظ ابرو در ذیل جامع التواریخ رشیدی در ذکر عمارت شهر سلطانیه و بنای قلعه آن از خانقاه سلطانیه اسم برده است که در اینجا قریب هزار خانه بوده و عمارتی عالی دو مناره بزرگ بر دو طرف ایوان آن عمارت مدرسه و دارالشفاء و خانقاه هر یک با موقوفات بسیار و تاکنون (زمان حافظ ابرو) بعضی از عمارت آن باقی است . "

(مسائل عصر ایلخانان تألیف منوچهر مرتضوی صفحه ۳۱۸)

" ذکر استعمار سلطانیه در بهار سنه اربع و سبعه مائه لمولفه شهرله بنسیمه و نعیمه صفه تحساکي جنه الرضوان تمام عمارت قنفرالانک را که پدر نیکوی پادشاه موسس فرموده بود و چون بمنزل موعود بی خیل و خول کوچ کرده ناتمام مانده و بعد از آن بتواتر اعصار و تقاطر و ابل و ظل ظلل آن نیز حلل خلل خواست پوشیده برلیغ موکد نفاذ یافت و آنرا سلطانیه لقب نهاد و وجوه عمارت و مومات و اجناس آلات بر متوجهات ممالک حوالت رفت علی التفصیل و ایلچیان بر سهوات تعجیل تحصیل را روان گشتند و بنایان حاذق و مهندسان چابک که بناء مهارت سنمار را بدست تخجیل عرضه شفا جرف هاد سازند بعمل اشتغال نمودند و از اصقاع ممالک اصناف صنایع و انواع محترفه با اهل

و سکن برای توطن و تمدن در آنجا با سم تارنوجی روان گشتند
 و قهرمانان کافی و قیمان واهی که بقیه ده‌ها و تتمه کفاه جهان
 بودند نصب رفت و بر ایشان معماران و سرکاران امین دُقیقه‌بین
 نکته‌گیر حرفه‌شناس مسارفتم عمل و استدراک هرخلل بگماشتند و
 هر بامداد که معمار کره^۶ زمین استعمار ممالک خاک را بر سردیوار
 افلاک قدم نهادی اهل حرف هر یک در عمل مخصوص شروع
 نمودندی و بر مثال فلک از حرکت نیاسودندی و بهنگامیکه کفه
 آفتاب زربار از عمود معیار معدل النهار متمایل گشته علمی
 التدریج بر سطح افق غرب نشستی ترازوی ادای اجرت بر
 آرزوی احراز مثبت برداشتندی و همه شاکر از سعی مشکور و عمل
 مبرور در دولت پادشاه دادگر منصور بمنازل خود رفتندی ر
 قلعه عذرا را که با فسحت او بچشم و صاف چون نقطه فاسده کد
 قاف بیمقدار نماید این اقتباس از زحمت نامه مجید

لمولفه

بر عذار روزگار آمد سوداش خال دین هده جناب عدن فادخلوها
 خالدین

و این تعلیق در صفت سلطانیه از انشاء بنده مولف در اینمقام
 مثبت شده و هوهذا قصیده لمولفه :

وضع سلطانیه گوئی که سپهریست برین
 یا بهشتیست مشکل شده بر روی زمین
 خلد کرد و نش‌چه خوانی توکه در ریب و علو
 خود قیاسی نکند عقل نه بر آن نه بر این
 فلک ار کنگره قلعه او را نکـرد
 کله زرکشش از قصر در افتد در حیـن
 باغبانیش اگر زانکه بباید رضوان
 روضه‌اش را کند از غمزه حوران پرچین
 شهری آراسته چون کارگه انگلیـون
 خاصه چون باغ شود از رخ گلها رنگین
 همه اطراف چمنها و سراپستانهاش

سمن و یاسمن و نرگس و سرو نسرین
 آب آن باده نابست ز روی اطـراب
 خاک او را صفت و خاصیت ماء معین
 سنگ بر دل نهد از غیرت حصنش هرمان
 خاک بر سر کند از طیره صحنش سقسین
 ببند از رتبت او چرخ مقرنس تشویر
 یابد از صورت او صرح ممرد تهجین
 آب زر را ببرد باد خطا بنشانند
 مصر را نیل کشد در رخ شام آردچین
 پنجمین جنت دنیاست حقیقت نی نی
 شعب و سفدش رهی و خوطه و بله استرهبین
 عقل کل بود همانا ش مهندس در اصل
 بود آلت ده استاد مگر روح امیـن
 از پی تسویت آلت طیان هـ روز
 خیط ابیض بکشد صبح زهی حبل متین
 تا که بنا برداندر سرایوانش بکـار
 جرم خورشید نموداست چوخشتی زرین
 جوسق خالص و رآمده دندانـه سور
 شعری شامی و جوزا و سماک و پرویـن
 عرض ساحات و راهم مساحت چون کرد
 طول معموره آفاق نهادش تخمیـن
 گرتـه در ضمن جهان تعبیه بودی خلقش
 مدت سته ایام نگشتی تعییـن
 بر اقالیم جهان یافت شرف فنغر آلانک
 تا که شد تختکه پادشه روی زمیـن
 بحر خورشید لقا کسری فغفور غلام
 شاه جمشید توان خسرو دارا آئیـن
 شاه اسلام خدا بنده محمد که خدا
 تیغ او ساخت بحق مظهر آیات مبیدین

در خم پرچم او پیکر فتح است عیان
 همچو در ظلمت شب لمعه انور یقین
 زخمه کوس جهانگیر شه ملک گشای
 گوش گردون جفا کوش در آردبه طنین
 عدل او بستگی از کار جهان بردونماند
 جز زره ور کرده و بند قبا اندرچیسن
 تا برو بدزره ابرش سلطان خاشاک
 زلف جاروب کند در سرره حورالعین
 حاصل ملک جهان بخشد و منت ننهد
 درکم از مدت چندان که توگوئی چندین
 از وزیرانش که دستور مصالح جویند
 عرصه ملک جهان یافت هزاران تزئین
 از رشیدش همه رشدست جهانرا شامل
 تاج او برسرملکست بحق سایه دین
 این مپندار که گرک از بره بر باید موئی
 تا که چوپانش بود برامیرکزین
 جنگسانکش چو بتقریر گراید گـردد

از ایلفوؤ پلکهاش خجل در شمیسن
 میراینجوش حسین است که از رایش حکم
 ابلق توسن افلاک کشیداست بزین
 دیر نه زود کتلچی اسن قتلغ او
 داغ خرگوش نهد بر کفل شیر عریسن
 بشکرد نسر فلک میرعلی قوشچی او
 چونکه تطییر کند سنقر و چرخ و شاهین
 میر تغماق که او خسرو ایناقانست
 تا ابد بادچنین بردل سلطان شیرین
 بنده میگوید و ارواح ملایک در عرش
 میسر ایندعارا بار اادت آمیسن
 تا بود چرخ معلق بستون قـدردت
 تا بود کعبه معظم رزه ملت و دین
 شهر سلطانیه در سایه چتر سلطان
 باد همچون فلک و کعبه معمر آمیسن
 سال برهفتصد و ده از که هجرت این شعر
 گفته شد روز انیران زمه فروردین

۱- انگلیون = جامه هفت رنگ

۲- سقسین = نام شهرست

۳- طیان = بنا

۴- خیط = نخ

۵- جوسق = کاخ - قصر

۶- سور = حصار - دیوار

۷- لمعه = پرتو - نور

۸- جنگسانک = امیر - وزیر - والی - حاکم

۹- میرانجو = ضابط املاک اختصاصی سلطان

۱۰- کتلچی = آماده کننده اسب برای سلطان

۱۱- بشگرد = صیاد

۱۲- نسر = عقاب

۱۳- سنقر = مرغ شکاری از جنس چرخ = چرخ که بسیار زننده

است که پادشاهان همیشه با آن شکار کنند

۱۴- چرخ = چرخ - صقر = پرنده شکاری

۱۵- میر تغماق = امیر الجایتو و ابوسعید

۱۶- ایناقان = جمع ایناق = ندیم و صاحب سلطان

۱۷- انیران = روز سی ام ماه

(سفرنامه کلاویخو ترجمه مسعود رجب نیا صفحه ۱۶۷)

" این شهر از دور به سبب داشتن چند منزل ، برج و ستون بلند ، زیبا به چشم می آید ، لکن از درون خرابه ایست که حتی دیوارهای آن نیز تقریباً " به طور کامل فرسوده شده است . سلطانیه گویا در قدیم یکی از شهرهای مهم و با شکوه مملکت با درازائی حدود بیش از نیم مایل بوده باشد ، زیرا درست نیم مایل مانده به شهر ، طرف راست جاده ای که به همدان منتهی میشود هنوز یک برج و دروازه سنگی که باید متعلق به این شهر باشد وجود دارد . سلطانیه به دست سلطان محمد خدابنده ساخته و پایتخت شده است . وجه تسمیه شهر نیز از آن جاست که پادشاهان قدیم خویش را شاه نمی خواندند ، بلکه مانند ترکها به خود سلطان اطلاق می کردند بخشی از شهر وسیله تیمورلنگ و بخش دیگر بدست یکی از حکام همان جا ، به سبب شورش اهالی شدیداً " منهدم و خراب شده است .

از بناهای دیدنی اینجا که باید نام برده شود ، اقامتگاه شاه است که مانند دژ مستحکمی با سنگهای مکعب محکم دیوارکشی و برجهای چهارگوش شکلی که هنوز چند تا از آن ها وجود دارد ، در محل تقاطع اضلاع بنا دیده میشود .

زیباترین عمارت یا بنا مشایخ است که در آن سلطان محمد خدابنده آرمیده است . این مسجد زیبا به طرز جالب ساخته شده و دارای سه در است که ارتفاع آن ها باید با در بنای مارکوس مقدس در ونیز برابر باشد ، اما برخلاف آنچه که دیگران نوشته اند درهای مزبور از برنز مذاب ریخته نشده ، بلکه با آهن و فولاد عمیق زده ساخته و نقره کوبی شده است .

بزرگترین این درها متوجه میدان شهر است که باز نمی شود می گویند بسیاری از افراد کوشش در باز کردن آن داشته اند ولی موفق نشده اند ، اما اگر جمله " به عشق علی (ع) بگشا " را به زبان آورند ، آنوقت حتی کودکی ضعیف میتواند به آسانی این در را باز کند . گنبد مسجد را نوشته های سرگرد

" هر کاری که تاج الدین علی شاه میکرد پسندیده نظر مبارک می آمد . مثلاً " به شهر سلطانیه بازاری کم خرج بسیار دخل از سنگ و آجر پخته انشاء کرد . به کمتر از آن وجوه که خواجه سعدالدین و نواب او از گل و خشت و رخام و مهره ساختند بودند و هر عمارت که او بنا کرد بر جمله عمارات بغداد و تبریز و روم و شام در علو و رفعت خوش از فلک سبق میبرد

. روز آدینه نهم صفر سنه اثنی عشر در بعضی از بازار شهر سلطانیه آتش افتاد و بسوخت با مال و ضیاع و قماش فراوان اما با (همت) وزیر بی نظیر خواجه تاج الدین علی شاه به یک هفته خرابیها مرمت یافت "

(تاریخ ایلیخانان تألیف کاشانی باهتمام مهین همبلی صفحه ۱۲۲ و ۱۳۷)

(در سنه احدی و ثمانین عزیمت سلطانیه کرد و حال آن بود که ساره عادل (۱۵۵) در سلطانیه لشکری جمع کرده بود و بنیاد تسلطی نهاده و به تسلط و تجبر بدان دیار غالب شده . شاه شجاع خواست که او را مالش دهد . با لشکر فارس و عراق و لرستان عزم سلطانیه کرد تا به در سلطانیه در هیچ موضع قرار نگرفت . سارو عادل با لشکری بی کران مقابل شد و حربی اتفاق افتاد که وصف آن نمی توان کرد لشکر شاه شجاع تمام متفرق شدند او پیاده به ضربه شمشیر دشمن را میراند . ملک باروچی که یکی از بهاران لشکر بود او را بشناخت اسب خود را بکشید تا شاه شجاع سوار شد . چون لشکر خود را برجای ندید و دشمنان مظفر شده و به غارت مشغول خواست که باز گردد . "

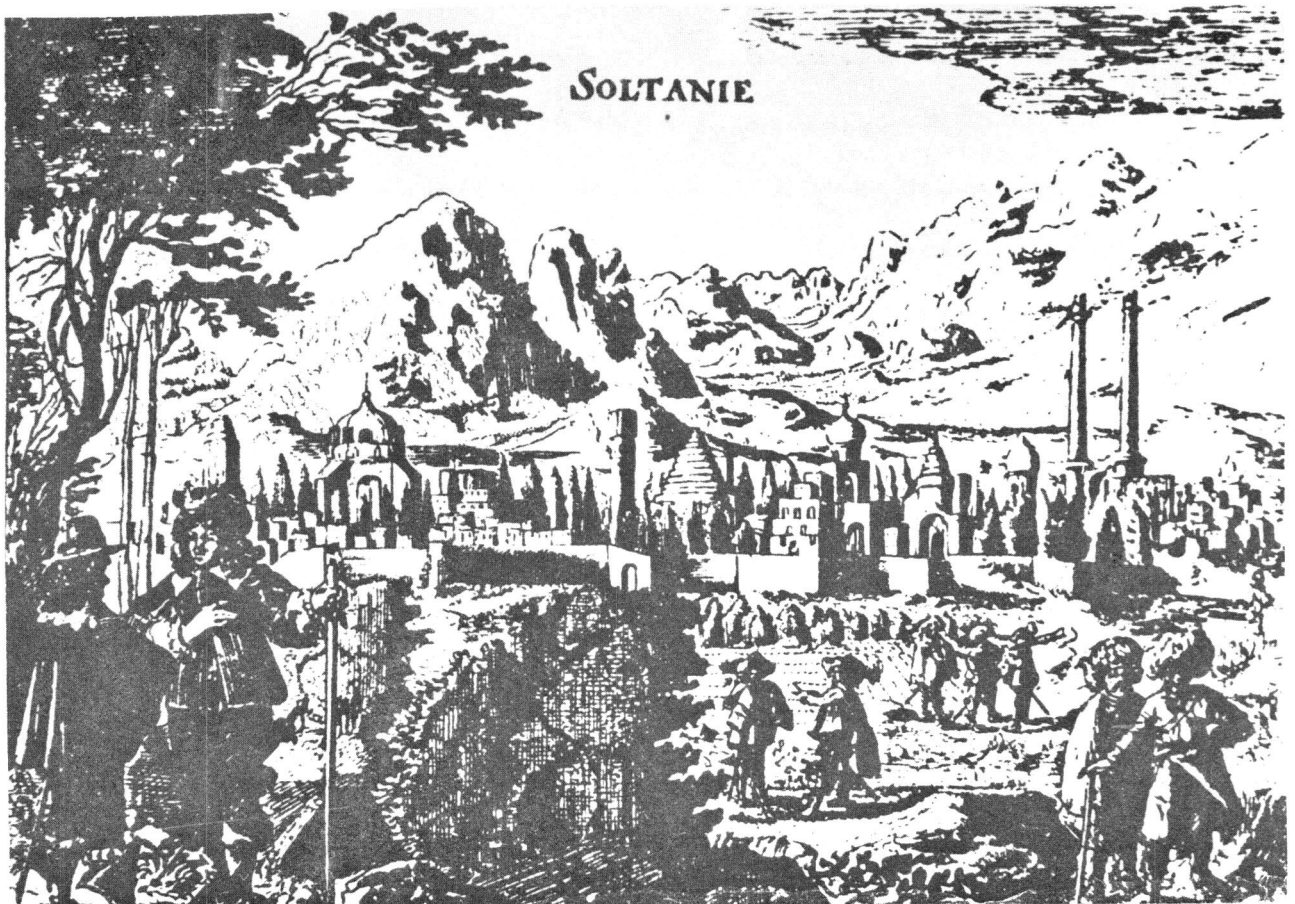
(تاریخ آل مظفر تألیف محمود کتبی باهتمام عبدالحسین نوائی صفحه ۱۰۷)

" شهر سلطانیه در دشتی واقع و هیچ حصاری ندارد در میان آن دژی بزرگ است که از سنگ ساخته اند و برجها محکم دارد . برجها و دیوارهای آن با کاشیهای آبی آرایش شده و زیباست و در هر یک از این برجها یک عراده توپ قرار دارد . "

در قسمت عقب مسجد به طرف محراب مقبره سلطان محمد خدابنده دیده می‌شود که دور تا دور آن رانده احاطه کرده است. این نرده‌ها اثری هنری و استادانه است زیرا مفصل یا درزی بین میله‌های نرده که از فولاد خالص هندی و قطر آن حدود یک بازوی آدمی و به همدیگر متصل شده است دیده نمی‌شود این میله‌ها را صیقل زده و بر روی آن نقره کوبی کرده‌اند. گلدسته مسجد هشت گوش است و از دور آن راهروئی می‌گذرد. روی این گلدسته هشت منار کوچک مانند ستون دیده میشود که انسان می‌تواند از پلکان مارپیچی به آن جا صعود کند جلوی مسجد حوض چهارگوش بزرگی وجود داشت که دور آن را با دیوارکی از کف زمین بالا آورده بودند. آب این حوض از کوه کیدر که به آنجا هدایت کرده بودند تامین می‌شد. پشت مسجد باغی بود که در آن درختان بزرگ و کوچک را به طرز بسیار

اشکالی با کاشیکاری زیبا به رنگ سفید و آبی پوشانده بود. ارتفاع از کف مسجد تا سقف گنبد زیاد و سطوح سقف در نقطه وسط به هم رسیده و گنبد را درست کرده بودند. یک نرده آهنین قسمت بالای مسجد را از سایر بخش‌ها جدا کرد و محراب را تشکیل داده بود. در این محراب تعداد زیادی کتب قدیمی به زبان عربی قرار داشت که در ازای برخی از آن‌ها پنج ربع ساعد و پهنایشان تقریباً "برابر با یک ساعد بود. حروف، یک انگشت درازا داشتند و سطور آن بوسیله آب و طلا و مرکب سیاه به صورتی بسیار استادانه نوشته شده بود. من به چند برگ‌از این کتابها دست یافتم و آن‌ها را به کتابخانه دربار شاهزاده نشین هلشتاین برای مراقبت و نگهداری سپرده‌ام. این صفحات سوره‌ای از قرآن مجید است که با داستانی از چند شیطان آغاز میشود.

تصویر ۱- سلطانیه - طرح از اولتاریوس



منظم کنار هم کاشته بودند و خانه زیبایی درون آن دیده می شد. " (تصویر- ۱)

(سفرنامه ولتاریوس ترجمه احمد بهپور صفحه ۱۴۷-۱۴۸-۱۴۹)

" در زاویه شمالغربی بخشی از یک برج بزرگو و بارویه ارتفاع چهل فوت برجا مانده که از سنگهای تراشیده شده مکعب شکلی ساخته شده و بنحو بسیار خوبی به یکدیگر جفت شده اند . پهنای بارو دوازده فوت میباشد . در بالا هنوز چند پایه ستون باقیمانده که متعلق به جان پناههای تیرکشهاست . دو کتیبه عربی هنوز سطح دیوار و برج را متمایز مینمایند ولی من نتوانستم کسی برای ترجمه آنها پیدا کنم ، ملای محل ، کسیکه میبایست بتواند آن را ترجمه و تفسیر کند ، اخیراً " فوت شده بود . اما یکنفر بومی که معنی کتیبه را بیاد داشت ، بمن گفت که فقط گویای اینستکه آن مسجد در پانصد و هفتاد و پنج سال پیش ساخته شده است .

تمامی تناسبات و تزئینات این ساختمان عظیم در زمره با شکوهترین سلیقههای آسیائی است ، کاشیهای آبی ، سبزو طلائی و آنچه را که میپوشانیدند ، به سرعت نابود میشوند ، اما هنوز باقیماندههای آنها برای تصویر زیبایی اصل آنچه که بوده کافی است .

هنوز در چند بخش شهر خرابههای دیگر مساجد با شکوه آشکار است و بنظر میرسد که همه آنها به همان درجه وسعت بوده اند و ما فقط میتوانیم شاهد حسرت بر عظمت گذشته آن باشیم . در حال حاضر سیصد خانوار در این محل سکونت دارند . حتی در زمانیکه هولشتاین در ایران سفیر کبیر بود ، در سال ۱۶۳۷ (میلادی) این شهر رنگ باخته شش هزار نفر جمعیت داشت چگونه در خلال کمی بیش از یک قرن ونیم بارو و خانههای قدیمی و باغهای دلگشائی که دشت را پوشانیده بودند تحلیل رفته اند و در بعضی نقاط خاکریزهای تیره ای از زمین دیده میشود جائیکه من تصور میکنم حمام عمومی در آنجا قرار داشته "

(تصویر- ۲)

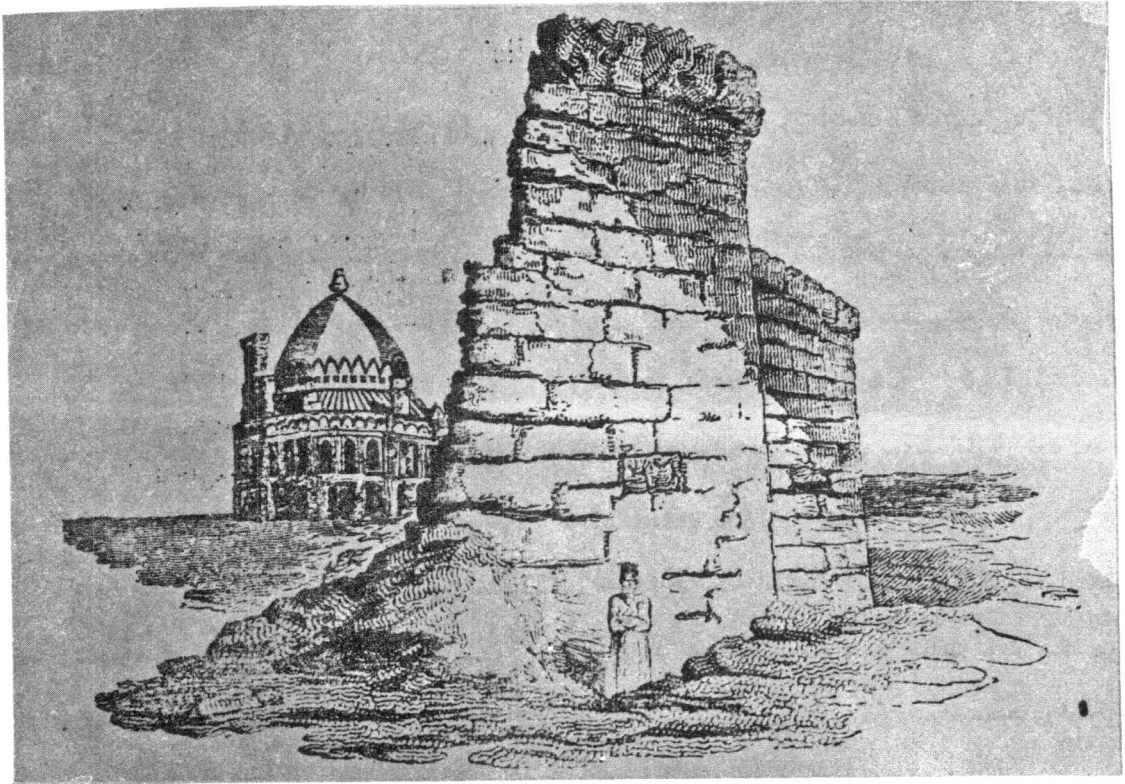
(کرپرتراجلد ۱ صفحه ۲۷۹-۲۸۰)

بعد از تیمور شهر رو بانحطاط گذاشت و در اواخر قرون شانزدهم اهمیت سابق خود را از دست داده بود در قرن هفدهم جمعا " قریب شش هزار نفر جمعیت داشت در قرن ۱۹ که در آن ایام فتحعلیشاه قصر تابستانی وارکی در اینجا ساخته و فکر تجدید عمارت شهر را با اسم سلطان آباد در خاطر خود پرورش میداد (جمعیت قریب سیصد خانوار بود بعد از جنگ ایران و روس ۱۸۲۶-۱۸۲۸ میلادی)

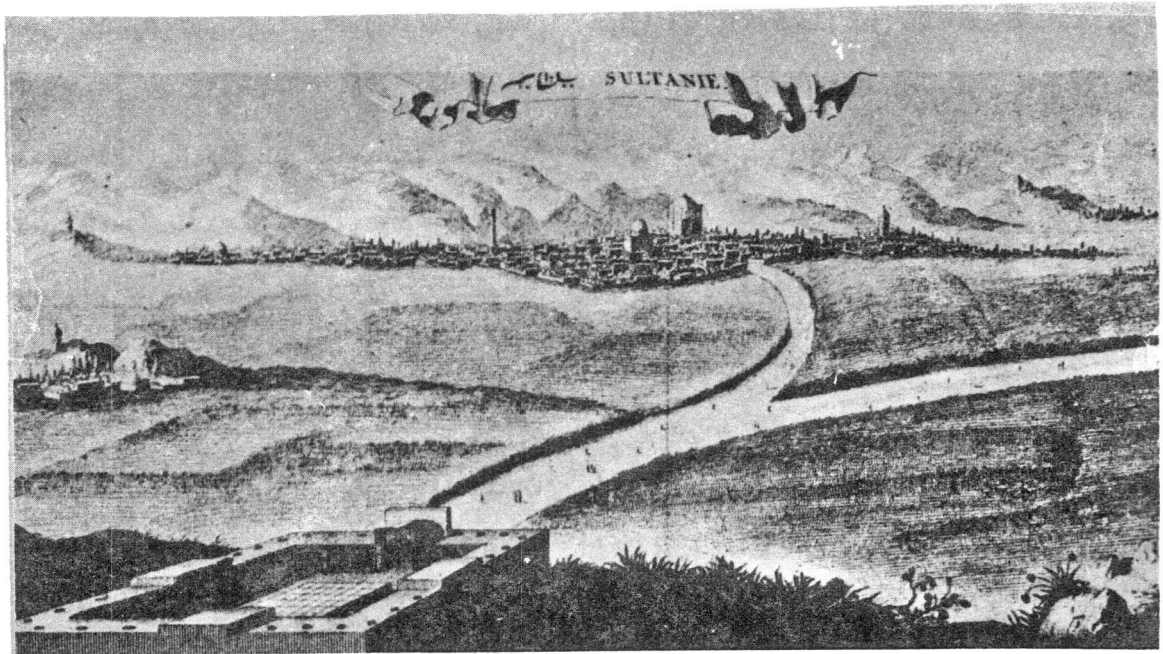
نقشه فتحعلیشاه متروک ماند در این زمان خرابه ها ن قرن چهاردهم یعنی دو مسجد وسیع جالب توجه است دو مسجد بزرگ که از زلزله اوایل قرن نوزدهم صدمه های فراوان دیده قبر سلطان اولجایتو که بیشتر با اسم مسلمانی خود یعنی خداینده معروف میباشد واقع شده است .

(جغرافیای تاریخی ایران تالیف استاد و . بارتولد ترجمه حمزه سردادور صفحه ۲۶۴)

" مورخین نوشته اند که اولجایتو با این کار یکی از آرزوهای پدرش ارغون را به مرحله عمل میگذاشت که نقشه شهر جدید را کشیده و دستور داده بود که مصالح ساختمانی در آنجا گردآورده شود ولی قبل از آنکه ساختمان آغاز شود فوت کرده بود ، بزودی ارگی که هرچانبش ۵۰۰ گز بود و دیواری با شانزده برج سنگی آن را محافظت میکرد ، با تمام رسیدن چندین مسجد ساخته شد که مهمترین آنها ، که به خرج اولجایتو بنا شد ، ممر و چینی تزئین شده بود . یک بیمارستان و مدرسه و اقامتگاه سلطنتی مفصل بنا شد که کاخ عمده آن کوشک مرتفعی بود که اطراف آن در فاصله معینی دوازده غره کوچکتر وجود داشت و همه این ساختمانها در محوطه بزرگی که از مرمرفرش شده بود ، قرار داشت . درباریان هر کدام در شهر جدید عمارتی برای خود ساختند و دو وزیر پادشاه یعنی رشیدالدین و تاج الدین علیشاه



تصویر ۲- سلطانیم ردیف سنگهای برج و بارو در کروکی آقای کرپرتز



تصویر ۳- دورنمای شهر سلطانیه - طرح از شاردن - اقتباس از کتاب معماری اسلامی دونالد ویلبر

در ساختن قصور و ساختمانهای عمومی و حتی محلات شهر جدید با یکدیگر رقابت میکردند . "

" تا سال ۱۳۱۳ تقریباً " عملیات ساختمان سلطانیه با تمام رسیده بود و جشن با شکوهی با حضور ریاست اولجایتو به مناسبت همین امر ترتیب داده شد . انتقال از شهر قدیمی تبریز به محلی که بی شباهت به مراغه نبود ، یکی از اقدامات شجاعانه به شمار میآید و کوشش در ایجاد یک پایتخت عملی عظیم و درخور ستایش است . عیب اساسی سلطانیه این بود که در تقاطع راههای مستقر تجارتي قرار نداشت . ظاهراً " اولجایتو از این مطلب آگاه بود و به طرق مختلف سعی کرد که آن شهر به صورت یک مرکز تجارتي در آید . ولی چند سال بعد از تعیین آن به عنوان پایتخت ، به سرعت رو با انحطاط رفت و پس از صد سال محل پایتخت را خرابه‌های زیاد فرا گرفت و تا آخر قرن هفدهم بجز انبوه خاک و خرابه چیزی از آن باقی نمانده بود و فقط آرامگاه مجلل برفراز دشت همواره نمودار بود . " (تصویر ۳-)

(معماری اسلامی ایران دونالد ویلیبر ترجمه عبدالله فریار صفحه ۲۵-۲۷)

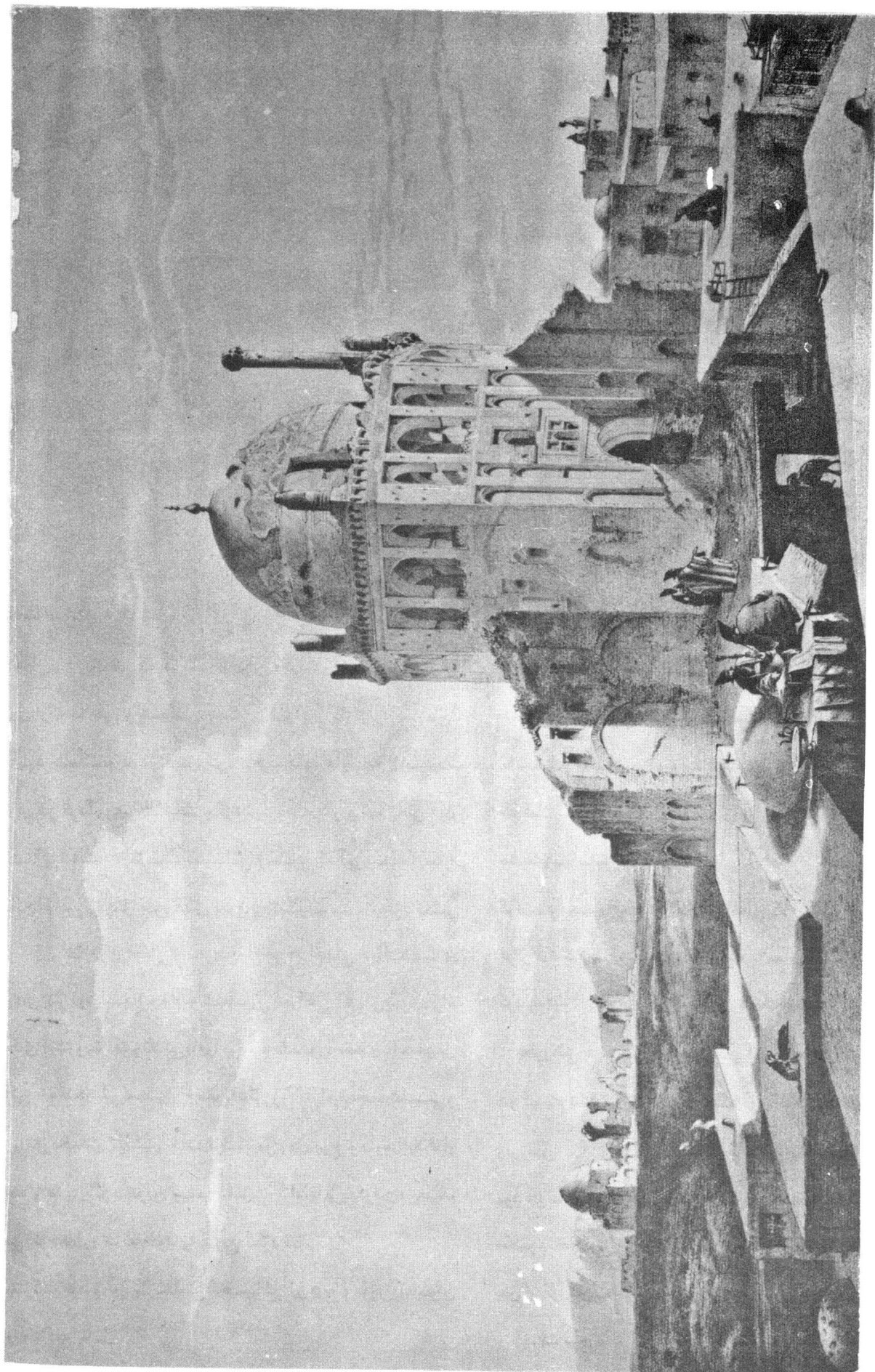
ذکر عمارت شهر سلطانیه و بنای قلعه آن

یک روز سلطان اولجایتو نشسته بود و امرا و ارکان دولت حاضر بودند مثل امیر قتلغشاه و امیر چوپان و امیر فولادچنگسان (فولادچینگسانک ، چینگسانگ) و امیر حسین و امیرسونج و امیر ایسن قتلغ و دیگر امرای بزرگ و اوزرهای نامدار ، در صف پادشاهان و آثاری که از ایشان یادگار مانده است سخن گفت و فرمود که حق سبحانه و تعالی آدمی را از جمله مخلوقات بفضیلت و لقد کرمنای بنی آدم مخصوص گردانیده است و باز در میان ایشان بعضی را مزیت حکم ارزانی داشته و بدرجه ظل الله رسانیده و امر ایشان بدست دیگر کسان بر نیاید ، بتخصیص پادشاهانی که بداد و عدل و انصاف زندگانی کرده اند . بعد از آن فرمود که یکروز پیش پدر خود پادشاه ارغون که از پادشاهان گیتی بداد و عدل

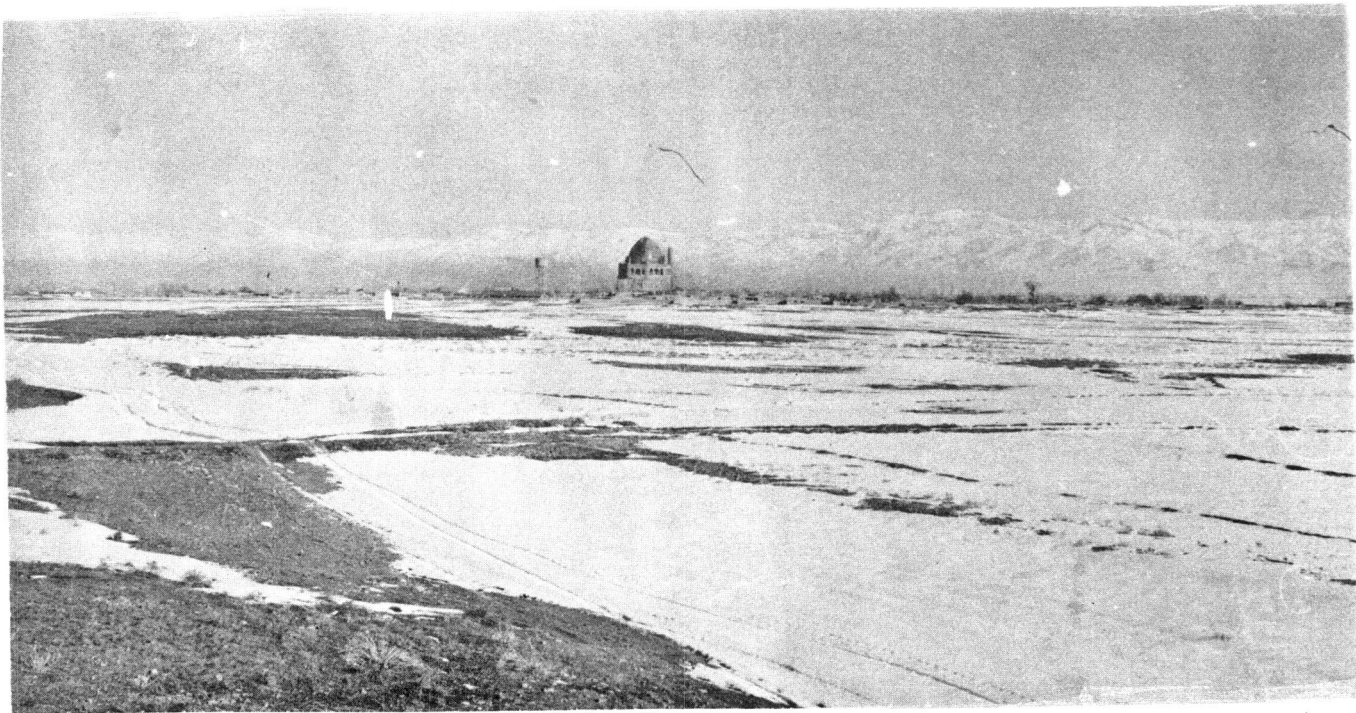
و دانش ممتاز بود حاضر بودم او را داعیه عمارت سلطانیه بر خاطر خطور کرده بود فرمود همچنان که من پادشاه جهانم می خواهم شهری بنا کنم که آن شاه بلاد بود ، جماعتی که حاضر بودند بسی مواضع نام بردند و هر یک از آنچه از غیب و هنر دانستند باز نمودند آخر الامر موضع قنقراولانک (قنقراولونگ) اختیار کردند که یا یلاقی بغایت منتزه است و قرای بسیار در حوالی آن و مرغزارهای خوب و هوای خوش و سردسیر و گرم سیر نزدیک و علف خوار بسیار ، فرمان فرمود تا طرح شهر بر کشیدند و بنای قلعه آن از سنگ تراشیده اشارت فرمود . فاما چون بنیاد عمارت کرد زمانه فرصت نداد که باتمام رسد اکنون می خواهم که آنچه پدر من بنیاد کرده بود اگر حق سبحانه توفیق بخشد باتمام رسانم چه فرزند شایسته آنست که پیروی مادرو پدر کند و نام او ارزنده دارد و بیشتر از آن که سلطنت عالم بمن رسد مراد خاطر میآید که اگر خدای تعالی توفیق ارزانی دارد این عمارت که این پادشاه بزرگ بنیاد کرد و باتمام نرسید باتمام برسانم اکنون چون حق سبحانه و تعالی قوت و اختیار آن داد می خواهم که آنچه بر خاطر خطیر این پادشاه گذشته بود باتمام رسانم و این شهر و قلعه نه از برای آن میسازم که اگر نعوذ بالله سختی پیش آید این موضوع مرا مامنی باشد یا از آن مرا مالی حاصل شود ، باعث اصلی برین عمارت آنست که پادشاه ارغون بنیاد کرده بود و میخواست که تمام کند روزگار فرصت نداد در دل من میآید که اگر توانم تمام کنم و دیگر آنکه من بدین امر اعتماد بر قوت و قدرت خود ندارم من نیز یک بنده عاجزم خدا ی عزوجل می خواهد که در این موضوع آبادانی پیدا شود و در آن حکمتی باشد که فکر هر کسی بسرحد آن نرسد این داعیه در خاطر من انگيخته است بسبب اعتقاد آن پادشاه در اندک زمانی شهری عالی معمور شد و قلعه آن را دیوار از سنگ تراشیده کرده اند و بر سر دیوار آن چهار سوار پهلوی یکدیگر توانند دراند و اصل قلعه مربع نهاده اند طول و عرض مساوی هر دیواری بگزر

شرع پانصد گز چنانچه دو هزار گز دور آن باشد و یک دروازه و
 شانزده برج دارد بغیر دروازه و در اندرون قلعه هرکس از امرا
 موضعی عمارت کرده بودند و سلطان اولجایتو از برای مدفن
 خود در اندرون قلعه عمارتی ساخته است و آنرا ابواب البرنام
 نهاده و گنبدی مثن بزرگ عالی که قطر آن شصت گز استدر
 غایت تکلف و ارتفاع آن صدو بیست گز چنانچه در اقصی بلاد
 عالم مثل آن عمارتی عالی نشان نمیدهند ، پنجره های آهن
 کوب بسیار کرده از آن جمله یک پنجره سی ارش طول در پانزده
 ارش عرض دارد و متصل آن گنبد چند عمارت عالی ساخته
 است مسجدی بتکلف و دارالضیافه و دارالسیاده و موقوفات بسیار
 بر آن وقف کرده و سرای بجهه خاصه خود در اندرون قلعه
 ساخت چنانچه صحن سرا را صددرصد نهاده اند و صغه عالی بر
 مثال ایوان کسری و دوازده سراچه در حوالی آن متصل سرا از
 هر یک پنجره دری بصحن سرای بزرگ گشوده و صحن آنرا از سنگ
 مرمر فرش انداخته و دیوانخانه بزرگ که دو هزار آدمی در آن
 گنجد و آن را کریاسی نام کرده و غیر آن را که ذکر کرده شد
 پادشاه و امرا عمارات بسیار در اندرون قلعه کرده بودند و خندق
 آنرا در غایت مفاکی رسانیده و دری بزرگ از آن مقطع کوفت
 کاری بسیار کرده بجهت قلعه و در شهر مساجد بسیار ساخته اند
 اما مسجد جمعه که سلطان ساخت بتکلفی هر چه تمام تر سنگهای
 مرمر و کاشیکاری بسیار و دارالشفائی دیگر با اطباء و ادویسه و
 مجموع مایحتاج و دگر مدرسه عالی بر نمونه مستنصر به بغداد
 در آن شهر بساخت و امر او وزراء و اکابر و اشراف هر یک بنام
 خود در آن شهر عمارات عالی کرده اند بتخصیص خواجسه
 رشیدالدین محله ساخته است چنانچه در آنجا قریب هزارخانه
 بوده و عمارتی عالی و دو مناره بزرگ بر دو طرف ایوان آن و
 در آن عمارت مدرسه دارالشفاء و خانقاه هر یک با موقوفات بسیار
 و تاکنون بعضی از آن عمارات باقی است که آن خواجه صاحب
 همت کرده بوده است و الله اعلم بالصواب .

(ذیل جامع التواریخ رشیدی حافظ ابرو بکوشش خانباامیانی
 صفحه ۶۷-۶۸-۶۹)
 " در روضه الصفا پس از اشاره به مفاهیم مضمون شرح و صاف
 مینویسد :
 " و در اندک زمانی شهری در غایت معموری ساخته و پرداخته
 آمد که عرض دیوار قلعه که از سنگ تراشیده مرتب شده بود چنان
 بود که بر سر آن چهار سوار پهلوی هم اسب میراندند و اصل
 قلعه را مربع وضع کرده اند چنانچه طول هر دیواری پانصد گز
 بود و یک دروازه و شانزده برج داشت و در اندرون قلعه هر کس
 از امرا برای خود عمارتی کرد و اولجایتو سلطان جهت مضجع
 خویش گنبدی با تمام رسانید و مسجد دارالضیافه و دارالشفاء
 نیز احداث فرمود و املاک فراوان و مستغلات مرغوب بر آن وقف
 کرد تقبل الله منه و همچنین جهت خاصه خود سرائی ساخته
 بزرگ و ایوان او را بر مثال ایوان کسری مرتفع گردانید و
 دیوانخانه بزرگ که گنجایش دو هزار کس داشت از قوت بفعل
 آورد و آنرا کریاس نام نهاد و خندق قلعه را به پشت کاو و ماهی
 رسانید و فرمان داد تا دارالشفائی با جمیع مایحتاج ترتیب
 دادند و اکابر و اشراف و اعیان ملک نیز در آن شهر عماراتی
 عالی بنیاد نهادند بتخصیص خواجه رشید الحق والدیـن
 فضل الله طبیب که عمارتی رفیع مشتمل مدرسه و دارالشفاء مرتب
 ساخت و طلبالمرضائه بوقف بسیار مدرسان و طلبه و
 اطباء را خشنود گردانید و باشارت سلطانی آن شهر بسطانیه
 موسوم گشت ."
 (روضه الصفا تالیف میرخواند جلد پنجم در ذکر عمارت سلطانی)
 از سیاحان و پژوهشگرانی که از شهر سلطانیه بازدید نموده و
 مداراک ارزنده های از خود بجای گذاشته اند میتوان از فلاندن
 نام برد (تصویر-۴)



تصویر ۴- دورنمای شهر سلطانیه - طرح از شاردن



تصویر ۵- دور نمای شهر سلطانیه

بیاد آوردن جای دسترسی به آثار ر ، ایجاد تسهیلات در بازبینی آن و همراهی در پیگردی آثار مدفون در خانه شخصی خودشان میباشد ، همچنین باید توجه داشت که باستثنای راستای بارو و مشخصات برج جنوبی گنبدخانه اصلی که قبلاً "مورد شناسائی و کاوش قرار گرفته بود ، شناسائی مشخصات سایر نقاط حصار ارگ با همکاری صمیمانه ایشان میسر گردیده است . از قرار اطلاع نقاطی که از این طریق مورد مطالعه قرار گرفته قبلاً " نیز توسط هیات باستان شناسی سلطانیه بازبینی گردیده بود ، لکن گزارشی از آن در دست نیست .

بطور کلی دسترسی به مدارک و آثار وجودی برج و باروی ارگ از دو دسته تشکیل شده اند ، دسته اول شامل نقاطی است که در زیرزمین ، آغل و انبارخانه ها و بعضی نقاط شهر قابل بازدید بوده و دسته دوم را اماکنی تشکیل میدهند که دسترسی به آنها مستلزم خاکبرداری و پیگردی میباشد که گزارش مربوط به آنها پس از گزارش نقاط دسته اول ارائه شده است . (نقشه ۲)

۱-۳- برج و باروی جنوب تربت خانه گنبد سلطانیه .

۳- مشاهدات

همیاری دوستانه یکیک شهر وندان مقیم بر پیرامون برج و باروی ارگ قدیمی و همچنین همکاری مهرآمیز کارگران "سازمان" در گنبد سلطانیه که در فصل سرد بررسیهای سال ۱۳۶۴ تسهیلات موثری در گردآوری اطلاعات و گردش انجام کار و شناسائی آثار فراهم آورده اند ، شایسته قدردانی است و یادآوری سهم ایشان در انجام بررسیهای این فصل ضروری بنظر میرسد ، بویژه نقش موثر آقای کلانتری معمار " سازمان " در هماهنگی فعالیتهای پیگردی در ارتباط با مردم و همچنین همراهی آقایان : بهرام محمدی (درویش کربلائی بایرام) ، محمد نور محمدی ، اسمعیل بابائی ، محمد علی صمدی ، اصغریادگاری ، آقا شیخ محمد علی و تیمور نور محمدی مالکین خانه هاییکه بر روی برج و باروی رگ قرار داشته و بدون کوچکترین چشم داشتی ، انجام پیگردی در ملک وحتى ساختمان خانه خود را دریغ نکردند .

مشارکت مردم در بازشناسی بخشهایی از برج و بارو را میتوان

بطور خلاصه شامل :



تصویر ۶-۷- کندوکاو بمنظور مکان یابی محل موتورخانه تاسیسات گرمایش گنبد و کانهالهای هوای گرم در سال ۱۳۵۸ در خارج از باروی بخش جنوبی تربت خانه صورت پذیرفته است

موقع پی‌کنی و شالوده سازی این بخش از بنای ارگ بطور همزمان می‌باشد و تنها درجای اتصال بارو به غرب برج، سطح زیرین ازاره بارو ۸/۵ سانتیمتر از ازاره برج پائین تر است. (تصویر ۹-)

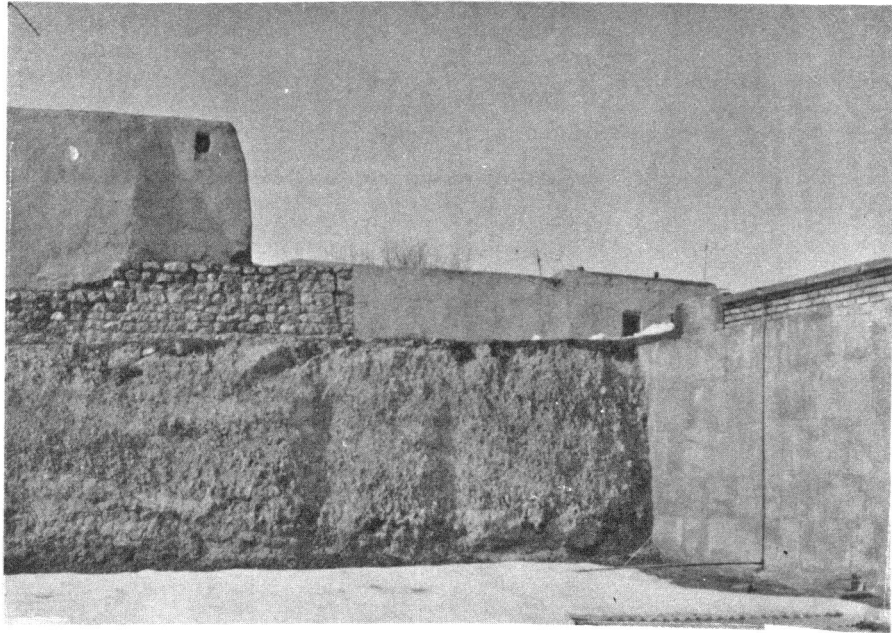
سطح فوقانی برج جنوبی تربت خانه به شکل نیم دایره است که مرکز آن و قطری که از این مرکز به موازات راستای شرقی غربی باروی جنوبی است به میزان ۲/۹۰ متر از این بارو فاصله دارد. طرفین قوس نیم دایره برج با دو دیوار که از یکسو با امتداد

بخشی از برج و باروی ارگ که در جنوب تربت خانه و گنبد سلطانیه نمایان شده و در سال ۱۳۵۸ نمای جنوبی آن تا ازاره و کف خارجی ارگ مورد خاکبرداری قرار گرفته بود، در سالهای اخیر مورد حفاظت قرار گرفته و ناهمواریهای سطح فوقانی (موجود) آن باردیفهائی از آجرنما رگ چین و هموارگردیده و بر جانب نمای جنوبی بارو در پوشی به پهنای ۶۵ سانتیمتر از بتن با سطح شیب دار و در نظر گرفتن آبچکان ساخته شده که از نفوذ آبهای سطحی به پشت سنگهای نمای برج و بارو و بخشهای مرمت شده آن جلوگیری نماید.

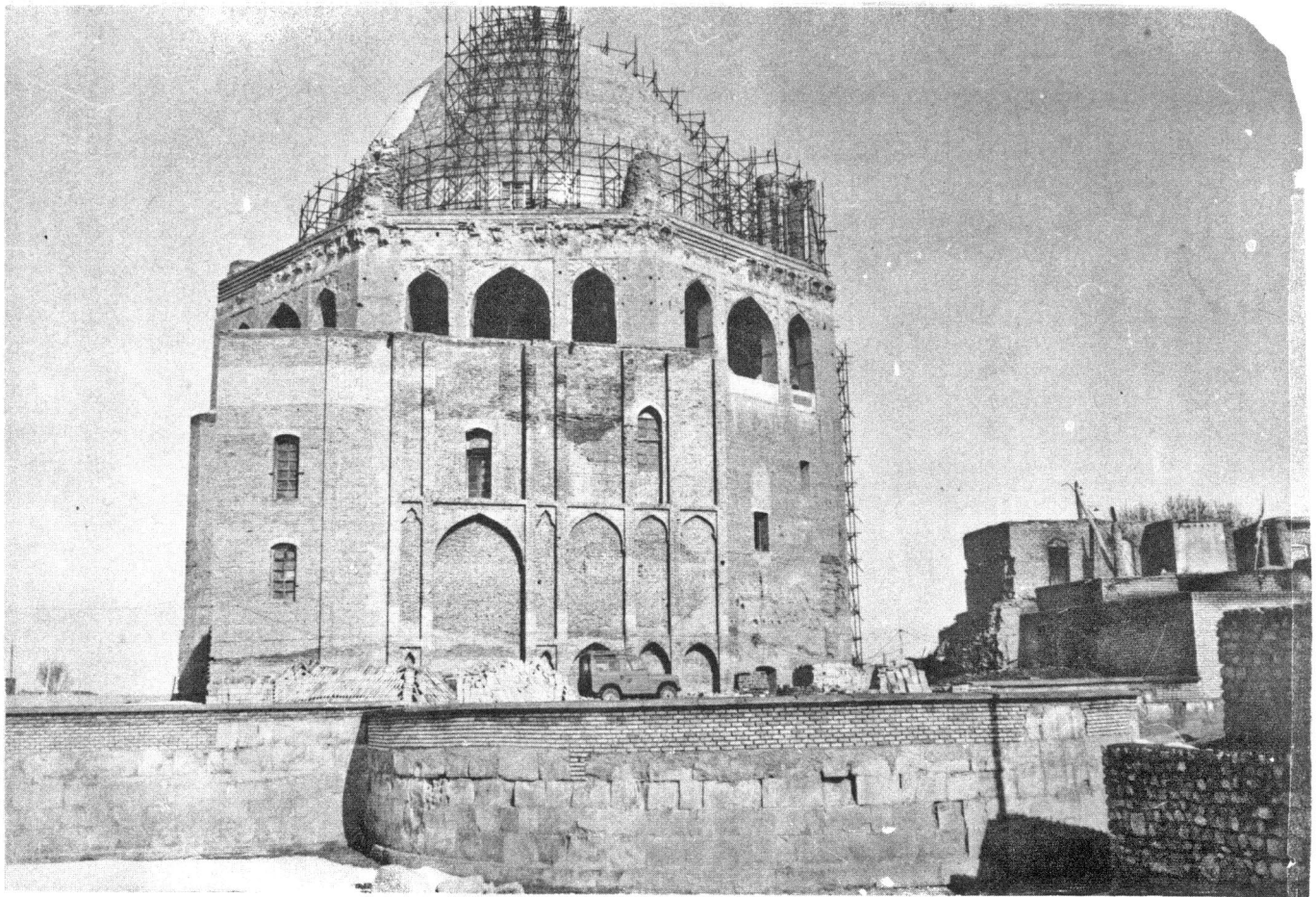
لازم به ذکر است که در سال ۱۳۵۸ فقط نیمی از برج جنوبی تربت خانه و باروی متصل به آن (در سمت غرب برج) نمایان بود و نیمه شرقی و با روی متصل به آن در زیر خانه‌هایی بود که هنوز مورد تخریب و خاکبرداری قرار نگرفته بودند، و پس از تهیه طرح ساماندهی اطراف گنبد سلطانیه و اجرای تدریجی آن تا سال ۱۳۶۴ بخشهای یاد شده مورد خاکبرداری، پیگردی و مرمت قرار گرفته است و در موقع بررسی برج دایره‌ای شکل و دو باروی شرقی و غربی متصل به آن قابل مشاهده گردیده و همچنین کف خارجی ارگ با وجود دلیل سنگهای دو تیشه ازاره نمای جنوبی قابل تشخیص بوده و مورد خاکبرداری و شن‌ریزی قرار گرفته است. (تصاویر ۷ و ۶)

در منتهی‌الیه غربی بخش کاوش شده، مقاطع خاک در جهت عمود بر بارو نمایشگر ریزش آوار سطوح فوقانی و ملاتهای باقیمانده از خرابی بناهای ارگ است. از قرار اطلاع در حین خاکبرداری از این لایه‌ها، چند سنگ سبز رنگ مربوط به نمای برج و بارو پدیدار شده که بطور موقت بالای سطح موجود بارو و درجای سنگهای افتاده نهاده شده و سپس با وجود آنها عملیات مرمتی یاد شده صورت پذیرفته است. (تصویر ۸)

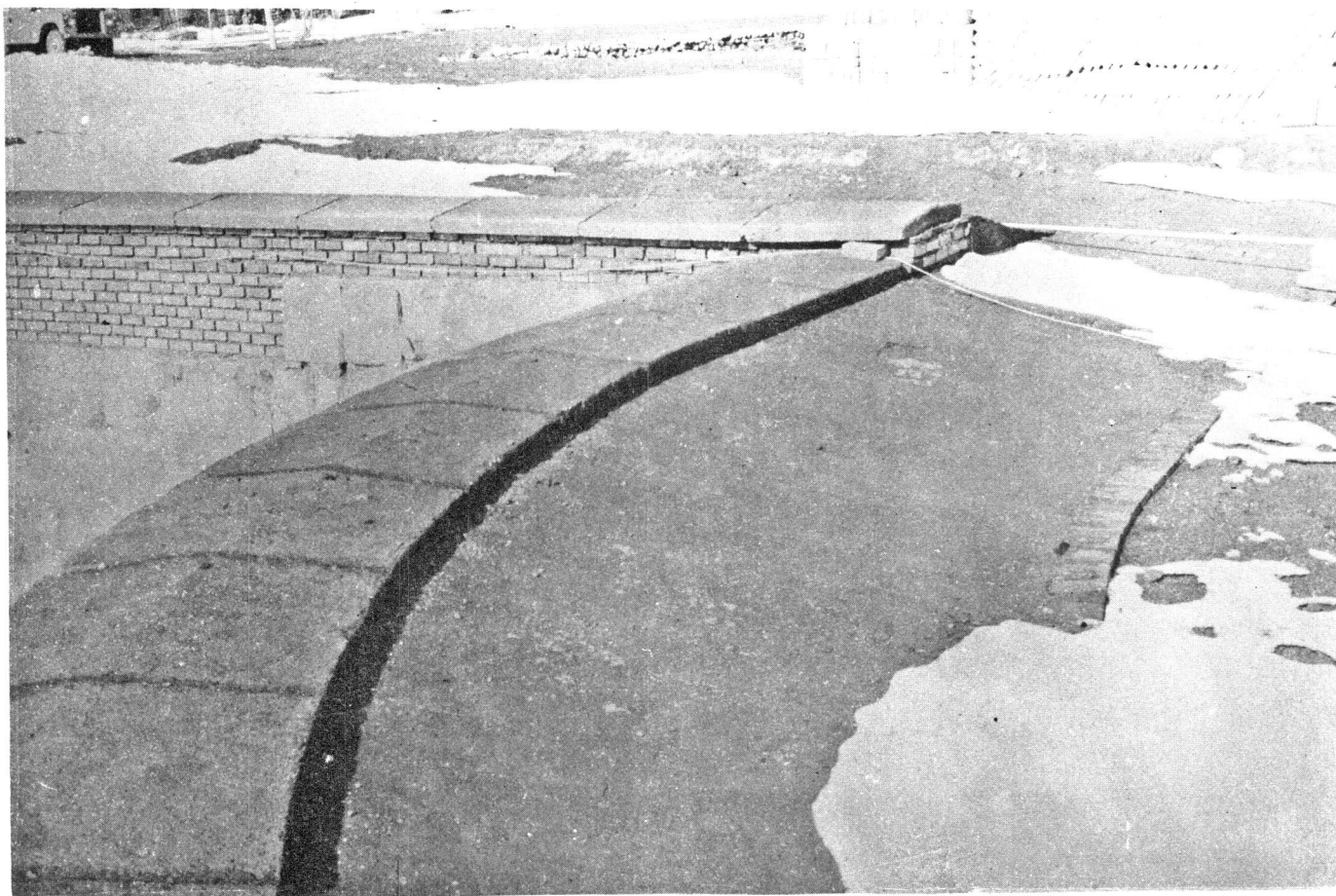
سطح زیرین برج و بارو در تمامی طول بخشهای کاوش شده ۵۵ متر از بوده و نشانگر خاکبرداری و تسطیح یکنواخت زمین در



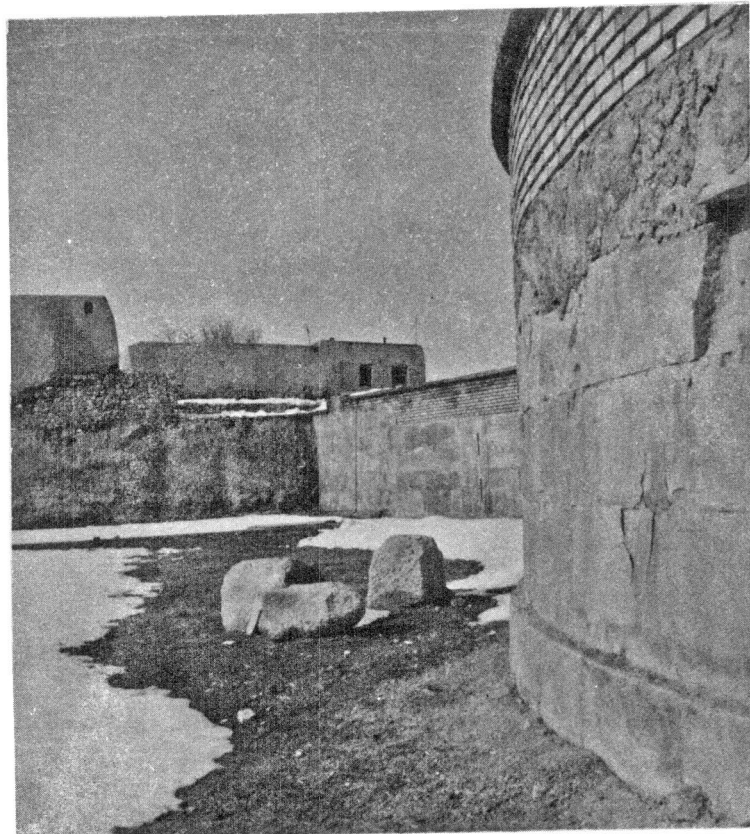
تصویر ۹- وضعیت ازاره‌های برج و باروی جنوب تربت‌خانه



تصویر ۸- برش‌آوار درجه‌به جنوبی ارگ



تصویر ۱- چگونگی مرمت برج جنوب تربت خانه



تصویر ۱۱- وضعیت برج و باروی سنگی جنوب تربت خانه

بارو زاویه‌ای برابر ۹۰ درجه تشکیل داده و از سوی دیگر بر انتهای قوس نیم دایره مماس شده‌اند ، سطح مدور برج را با یکنواختی هماهنگی به بارو متصل مینمایند . (تصویر- ۱۰)

بلندی سطح فوقانی برج (در وضع موجود) برابر ۳/۰۵ متر از سطح ازاره است و قطر عرضی برج برابر ۱۷/۵ متر و پیش آمده ترین نقطه برج از امتداد بارو برابر ۱۱/۶۵ متر میباشد .

طول با روی سمت غرب برج ۲۰/۶۴ متر و ارتفاع (وضع موجود) آن از سطح ازاره چهار ردیف سنگ و با ارتفاع ۲/۴۸ متر است .

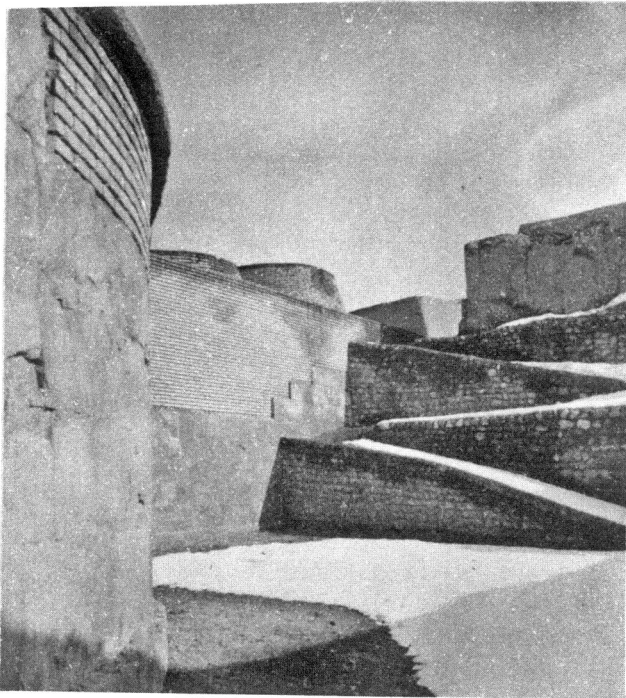
طول باروی سمت شرقی برج تا ۱۶/۲۸ متر نمایان است و ارتفاع آن در بلندترین نقطه که در منتهی‌الیه بخش شرقی قرار گرفته برابر ۴/۳۷ متر و دارای ۹ ردیف سنگ میباشد .

در حوزه جنوبی تربت خانه سنگهای نمای برج و بارو ردیفهای افقی بکار گرفته شده است .

ارتفاع هر ردیف نسبت به ردیفهای مجاور (بالا و پائین) متفاوت بوده ولی در تمامی طول هر ردیف افقی یکسان است . (تصویر ۱۱)

سطح نمای بارو و برج جنوبی به سطح شاغولی نزدیک است ولی اندک اختلافی (۳/۵ سانتیمتر در هر متر) بین سطوح فوقانی و تحتانی قابل اندازه گیری است ، با احتساب این نکته شکل برجها مخروطی ناقص ولی نزدیک به استوانه میباشد که سطح قاعده آن اندکی بیشتر از سطح فوقانی است و در صورت دستیابی به میزان ارتفاع برج سطح فوقانی آن قابل محاسبه خواهد بود .

بقایای بارو در منتهی‌الیه شرقی بخش قابل مشاهده دارای ارتفاعی معادل ۴/۰۲ متر از سطح ازاره نمای خارجی است و سطح کف گنبدخانه نیز از سطح ازاره خارجی برابر ارتفاعی معادل دو متر است ، نظرباینکه بین سطح فضای روباز ارگ و معابر اصلی آن با کف گنبدخانه اختلاف ارتفاعی متصور نیست

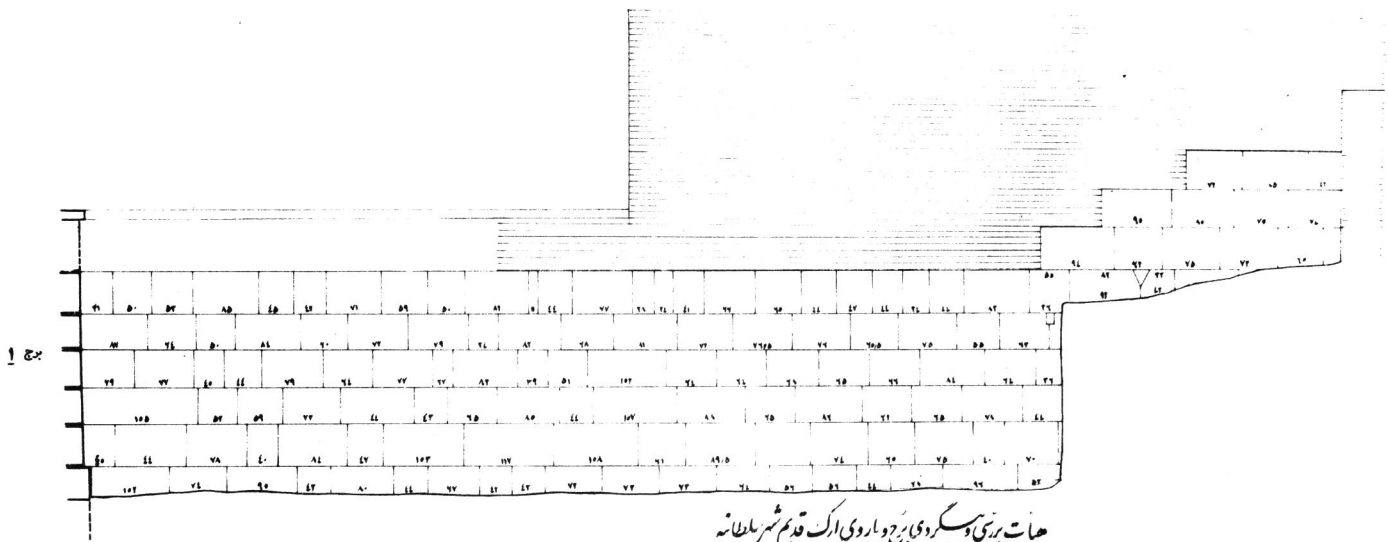


تصویر ۱۲- ارتفاع بقایای بارو در منتهی‌الیه بخش شرقی حوزه جنوبی تربت خانه

احتمال همسطح بودن فضای ارگ با سطح فوقانی برج و باروی محیطی ارگ منتهی بنظر میرسد . (تصویر- ۱۲)

در داخل برج جنوبی تربت خانه ، راه‌پله‌ای که احتمالاً به مظهر قنات دسترسی پیدا میکرده ، وضعیت کف سطح ارگ را روشن مینماید . سطح بالاترین پله موجود آن در حدود یک متر و نیم از سطح وضع موجود برج جنوبی پائینتر است و نظر به دو طرفه بودن این پلکان احتمال وجود سطح بالاتری از سطح پله فوقانی آن برابر فضای ارگ بعید بنظر میرسد ، از این رو برای شناسائی سطح معابر فضای ارگ یکی از مدارک قابل استفاده بشمار می‌آید که در صورت تهیه نقشه عمومی محوطه ارگ میتوان رابطه آنرا با سایر نقاط روشن نمود ، این پلکان در سال ۱۳۵۸ بر موقع جستجو برای محل عبور کانال هوای گرم از موتورخانه به سطح زیر کف گنبدخانه پدیدار شده و طی این مدت مورد مرمت قرار گرفته است .

اختلاف سطح پله فوقانی آن با ارتفاع وضع موجود شرقی باروی



حیات بری و سیکردی برج و باروی ارگ قدیم شیراز
مانده های باروی جنوبی ارگ قدیمی
شرق برج ۱
جنوب تربت خانه کهنه سلطانیه

نقشه ۳- نقشه بارو دربخش شرقی برج جنوب تربت خانه

بزرگترین طول متجاوز از ۱۵۷ سانتیمتر و در یک مورد ۲۲۲ سانتی متر اندازه گیری شده ، با این حال میانگین درازای سنگها را میتوان معادل ۸۰ تا ۹۰ سانتیمتر تخمین زد .

بجز سطح تراز هر ردیف از سنگها ، در نمای موجود و در شکل مستطیل سنگها ، نظم خاصی مشاهده نمی شود ، گاه طول بیشتر از ارتفاع و گاه کمتر از آن میباشد ، از لحاظ ارتفاعی نیز نظمی مشاهده نمی شود ردیف سنگهای بلندتر گاه در پایین و گاه در سطوح بالاتر بکار گرفته شده است .

سطح نمای سنگها دارای تراشی کامل (دو تیشه) است و درزهای بین آنها که در سطوح افقی و شاغولی جفت یکدیگر میباشد کمتر جلب نظر میکند . درزهای افقی در فاصله بین دو برج و یا بر سطح برج امتداد داشته و در سطح افقی بریک تراز است ولی درز سنگها در سطح قائم بین دو ردیف افقی محدود بوده و به ردیفهای مجاور امتداد نیافته است ، هر چند که به ندرت شکل مستطیل سنگی با سنگ مجاور ترکیب شده ، لکن این امر عمومیت ندارد و میتوان گفت که نمای هر سنگ مستطیل

موجود نیز گواهی بوجود حصار بر اطراف فضای ارگ ، در نماهای داخلی آن بشمار میرود . (نقشم ۳)

هر چند که با مدارک موجود ، بلندی برج و بارو معلوم نشده لکن شواهدی که تخمین ارتفاع آنرا به یقین نزدیک نماید ، در جای خود مورد بحث قرار خواهد گرفت .

هر چند که سطح فوقانی برج و باروی جنوبی تربت خانه مورد مرمت قرار گرفته لکن از قرار اطلاع از پهنای برج و بارو مدرکی بدست نیامده و در هنگام ساماندهی سطح فوقانی موجود بارو ضخامت سنگهای فوقانی دیده شده است .

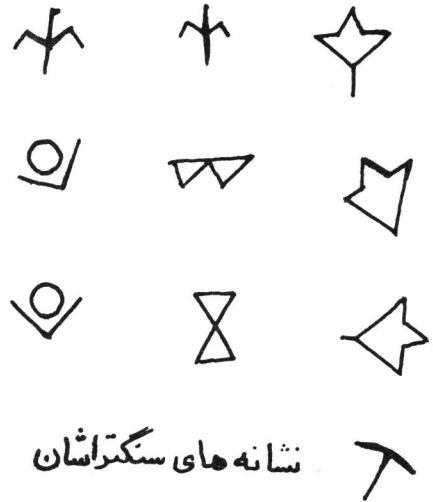
سنگهای سبز رنگ نمای برج و بارو در جنوب تربت خانهدر ردیفهای افقی کار شده است ، ارتفاع هر ردیف متفاوت بوده و بین ۴۶ سانتیمتر تا ۵۷ سانتیمتر میباشد ، بطور کلی وجه اختلاف ، بلندی ردیفهای افقی از چند سانتیمتر تجاوز نمیکند ، اما اختلاف طول سنگها تا حدی زیاد است که درازای بعضی چندین برابر طول دیگری است . کوچکترین اندازه در حدود بیست سانتیمتر و در دو مورد کمتر از آن است ولی



کاملی است که حتی در محل اتصال برج بابر و قفل و بستی بین سنگهای ردیفهای متفاوت آندو بچشم نمی خورد .

در بررسی بعضی از سنگها علامتهائی ، قابل مقایسه با نشانه های سنگتراشان دوره های ساسانی و پارتی بچشم میخورد

(تصویر-۱۳)



تصویر ۱۳- نشانه های سنگتراشان برنمای جنوبی باروی سلطانیه

جنس سنگها بسیار نرم و آسیب پذیر است و تاکنون درخصوص معادن این نوع سنگها نامهای ویر ، ارجین و داشکسن شنیده شده و کسب اطلاعات بیشتر مستلزم بازدید و بررسی بیشتر میباشد .

۲-۲- برج گوشه جنوب غربی ارگ

در زیر خانه هائی که در سال جاری خریداری شده و در لابلای دیوار جنوبی آنها چند سنگ از برج گوشه جنوب غربی دیده میشود که امتداد آنها بخشی از قوس دایره سطح موجود برج را القاء مینماید . با توجه به وجود راستای خندق جبهه غربی در اتلاق نام برج گوشه جنوب غربی تردیدی باقی نبود ، لکن وجود امتداد بارو در خانه آقای نور محمدی در راستای شمالی این برج و همچنین وجود برج گوشه شمال شرقی در زیرزمین خانه آقای صمدی در موقعیت آن یقین قطعی حاصل گردید .

(تصویر ۱۴ و ۱۵)

تصویر ۱۴- موقعیت برج گوشه جنوب شرقی در زیر دیوارهای موجود

تصویر ۱۵- بخشی از جبهه غربی باروی ارگ در زیرزمین خانه آقای محمد نور محمدی



تنها اشکال باقیمانده تعیین راستای دقیق باروی جبهه غربی بر روی نقشه بود که برای رفع این اشکال نقاطی بر راستای این جبهه جهت تعیین موقعیت دقیق قوس قابل مشاهده برج گوشه جنوب غربی و همچنین پاسخکوئی به سایر مجهولات و از جمله فاصله آن تا برج شمالی و همچنین تعیین راستای دقیق باروچند نقطه برای حفر گمانه‌های آزمایشی در نظر گرفته شد .

۳-۳- مشاهدات در جبهه شمالی ارگ

علاوه بر برج گوشه شمال غربی که در زیرزمین قدیمی منزل نوساز آقای اسمعیل بابائی دیده شده بود در گوشه شمال شرقی بخشی از قوس سطح دایره‌های شکل برج در زیرزمین که برای نگهداری دام تعبیه شده بود ، در ملک آقای محمدعلی صمدی دیده شد و برنامه‌ای برای تعیین راستای باروی شرقی همانند با روی غربی برای پیگردی آثار سایر نقاط این جبهه در نظر گرفته شد . (تصاویر ۱۶-۱۷)

۳-۴- مشاهدات در جبهه جنوبی ارگ

در زیرزمین خانه آقای شیخ محمد علی که هم سطح حیاط خانه بوده و با اختلاف از ارتفاع دو تا سه پله به جهت نوع استفاده از آن زیرزمین تلقی میشود ، بخشی از یک دیوار سنگی سه پهنای ۳ متر و طولی معادل شش متر بین فضای دو انبار مجاور هم دیده شد .

این دیوار که راستای آن شرقی غربی است در نمای شمالی و همچنین در نمای جنوبی آن سنگ تراشیده بکار رفته است .

راستای این دیوار به نسبت راستای باروی جنوب تربت خانه به میزان بیش از چهارده متر خارج از باروی جنوبی است .

وجود سنگ نما در دو طرف دیوار و عدم هماهنگی راستای آن حاکی از اهمیت ویژه‌ای است که نیازمند بررسی بیشتر و گمانه‌زنی میباشد ، ولی بعلت عدم رضایت مالک خانه ، انجام پیگردی به فرصتی که امکان کاوش فراهم آید موکول گردید .

در انتهای انبار یونجه خانه‌ایکه در نبش ورودی به راسته

عبوری منتهی به بازار است نمای باروئی مشاهده شد که راستای آن به میزان ۱۰ متر از راستای باروی خانه شیخ محمدعلی فاصله دارد ، طول این بخش از بارو عرض تمامی انبار یونجه را که بالغ بر شش متر آن قابل مشاهده بود شامل میگردد . (نقشه ۲) وجود دو راستای نزدیک به یکدیگر و فاصله‌های متفاوت از راستای باروی جنوبی (تربت خانه) این حوزه را که در میان جبهه جنوبی قرار دارد مضاعف مینمایاند . اما بررسیهای نظری هیات در فاصله بین این دو نقطه و اطراف آن اطلاعات بیشتر را شامل نگردید و نظر به فرصت محدود بررسی زمستان سال ۶۴ شناسائی این محل به آینده موکول گردید .

۴- پیگردی‌های باروی ارگ

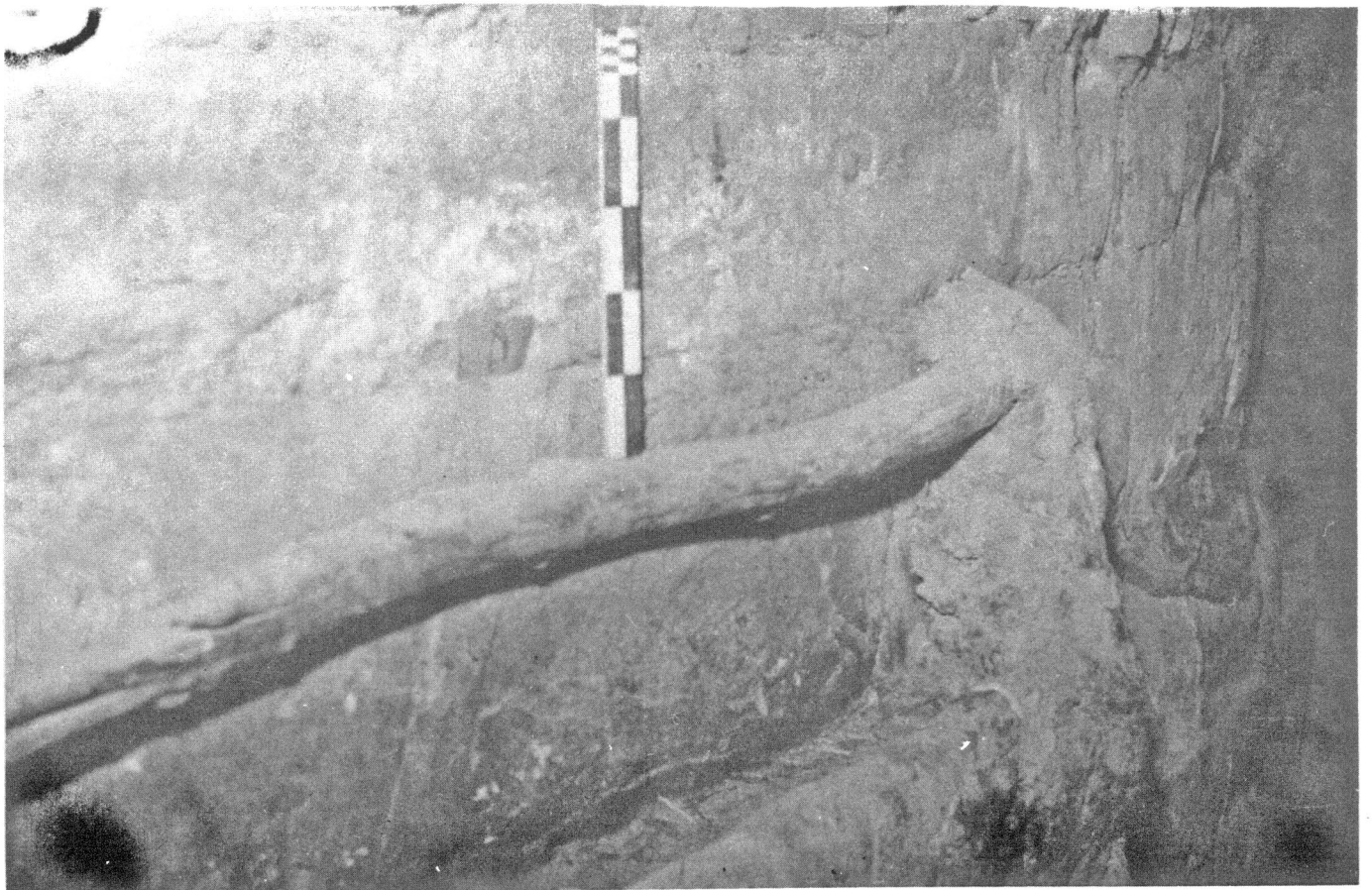
شناسائی محدوده ارگ قدیمی براساس آگاهی از شواهد موجود و تنظیم تدریجی برنامه مرحله‌ای کار و تصمیم‌گیری پس از اخذ نتیجه از پیگردی یک مرحله و انتخاب برنامه مرحله بعد ، ادامه یافت تا آغاز پیگردی ، بخشهای کوچکی از انحناى سطح برجها در لابلاى دیوارهای سطوح تحتانی و زیرزمین بناهای موجود ، در گوشه‌های : شمالشرقی ، شمالغربی و جنوب غربی دیده شده بود ، با توجه به راستاهای پیوسته خندق پیرامون ارگ (در سه جبهه شرقی ، شمالی و غربی) و برحسب قراین موجود میتوان گوشه بودن برجهای نامبرده را قریب به یقین دانست .

هر چند که با وجود اندازه‌های برج جنوبی تربت خانه (برج یک) و بررسی قاعده ترسیم آن ، ترسیم برجهای گوشه (بر فرض یکنواخت بودن اندازه برجها) قابل بررسی است ، لکن پیاده کردن بخش کوچکی از قوس دایره بر روی جای درست آن در نقشه‌های ۲۵۰۰ : ۱ قدیمی که خطوط آن با وضعیت موجود بناهای جدید تغییر یافته ، با تردید همراه بوده ولی با انعکاس قوس‌های کوچک برجها ، محدوده تقریبی ارگ بر روی نقشه تعیین گردید که خود زمینه‌ای برای تکمیل نقشه محدوده

بشمار می‌آید . (نقشه ۴)



تصویر ۱۶- بخشی از برج گوشه شمال غربی در زیرزمین خانه آقای اسماعیل بابائے.

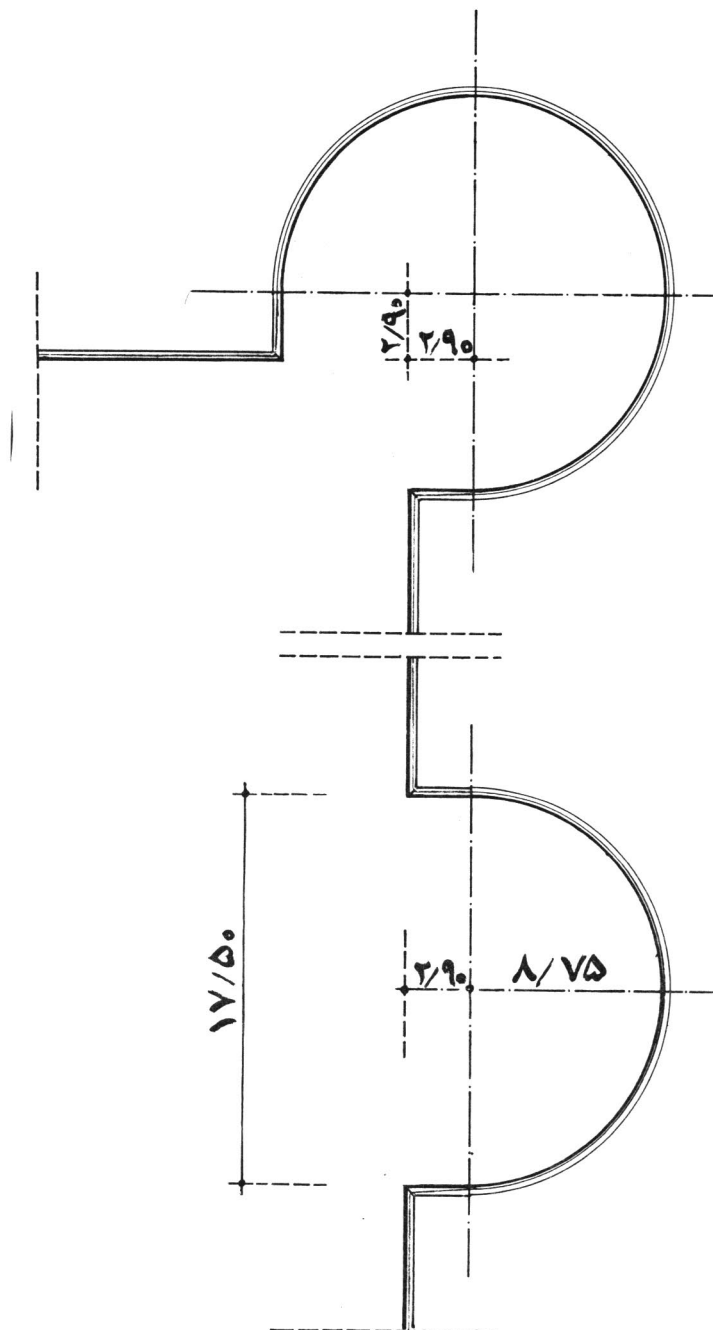


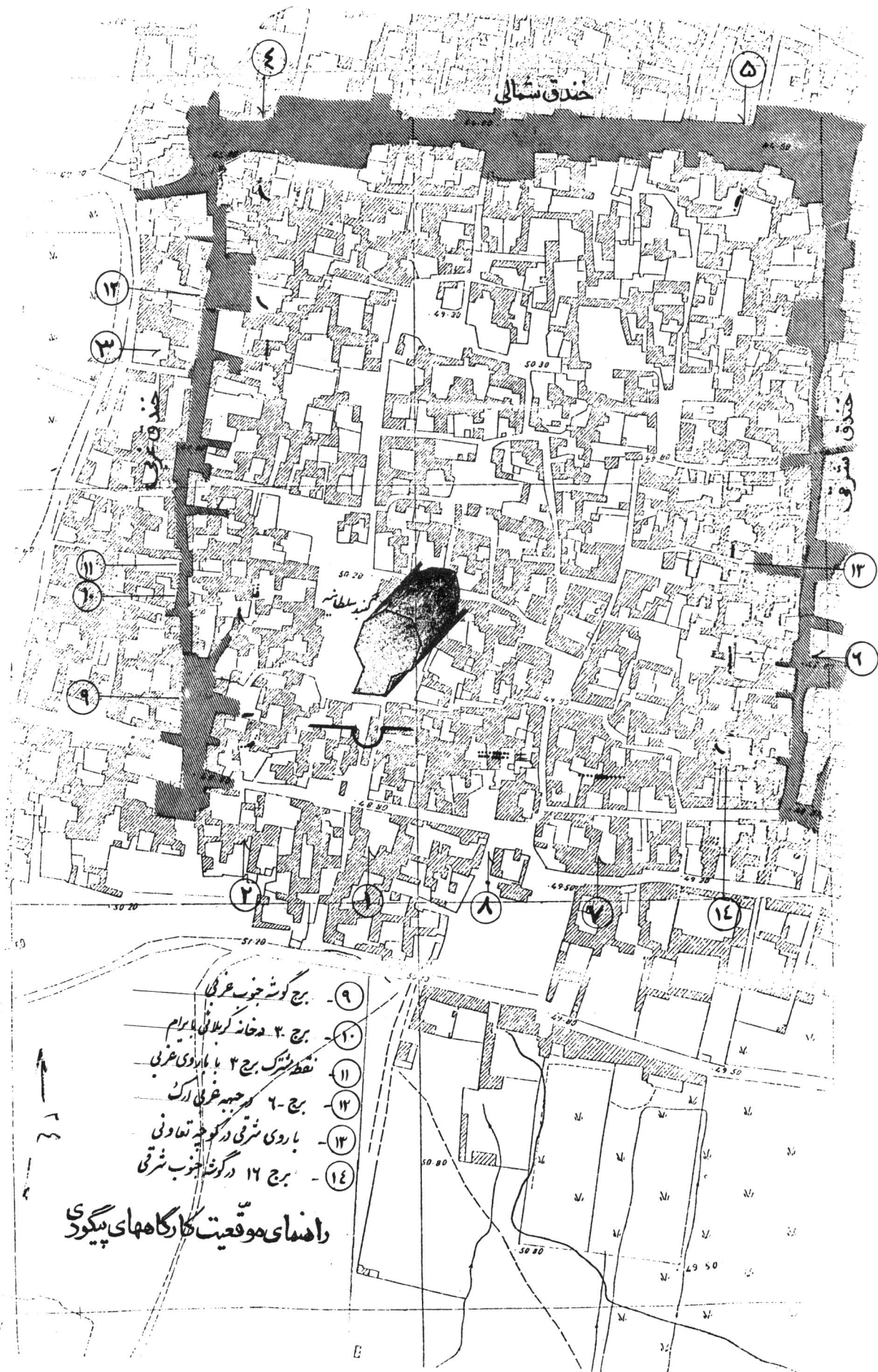
تصویر ۱۷- بخشی از برج گوشه شمال شرقی در زیرزمین خانه آقای محمد علی صمدی

دردست بودن اندازه و راستای بخش بزرگی از طول باروی جنوب تربت خانه راهنمای ترسیم راستای باروی جنوبی بر روی نقشه است ، لکن وجود اختلاف در راستای بخشی کوچکی از با در خانه شیخ محمدعلی و همچنین وجود راستای متفاوت دیگری در انبار یونجه که خارج از راستای باروی جنوبی (ولی احتمالا " هر سه راستا با هم موازی هستند) در تعیین شکل مربع (یا مستطیل نزدیک به مربع) کاملی برای محدوده ارگ و همچنین وجود امتداد مستقیم بارو در سایر اضلاع مربع را با تردید همراه نمود از سوی دیگر فاصله برج یک را از برج گوشه جنوب غربی (برج - ۲) بعلت کوچک بودن سطح انحنای قابل مشاهده (برج - ۲) نمیتوان بدون در دست داشتن آگاهیهای بیشتری بدرستی پیدا کرد ، از این رو پیدا کردن اطلاعات بیشتر در کنترل و ترسیم درست برج و باروهای پیامون ارگ ضروری بوده و با توجه به اینکه تمامی سطح برج و بارودرزیر سطوح ساخته شده بناهای مسکونی پنهان گردیده ، کوششی بعمل آمد ، که حتی المقدور از پیگردی در فضای ساخته شده دوری گزیده و خسارت کمتری وارد شود ، که با استقبال مالکین و ساکنین خانهها از این بررسی و همکاری ایشان ، انتخاب نقاط موردنظر را برای پیگردی آسان نمود . با توجه به نقشه شماره ۲ علاوه بر هفت حوزه قابل مشاهده مجموعا " هفت نقطه دیگر برای پیگردی انتخاب گردید . (نقشه ۵)

۱-۴- پیگردی برج - ۲

در نمای جنوبی برج - ۲ (گوشه جنوب غربی) چند سنگ در لابلای دیوارهای خانهها دیده میشود ، برای دست یابی به ابعاد این برج و مقایسه اندازههای آن با برج - ۱ (جنوب تربت خانه) و پیدا کردن نقطه‌ای از باروی غربی محل پیگردی ، در شمال برج - ۲ انتخاب و خاکبرداری شد . بخشی از انحنای قوس سطوح باقیمانده برج نمایان گردید ، مشخصات بنائیی و تراش سنگها و ترکیب عمومی ، وضعیت اندازه و اندازه‌های



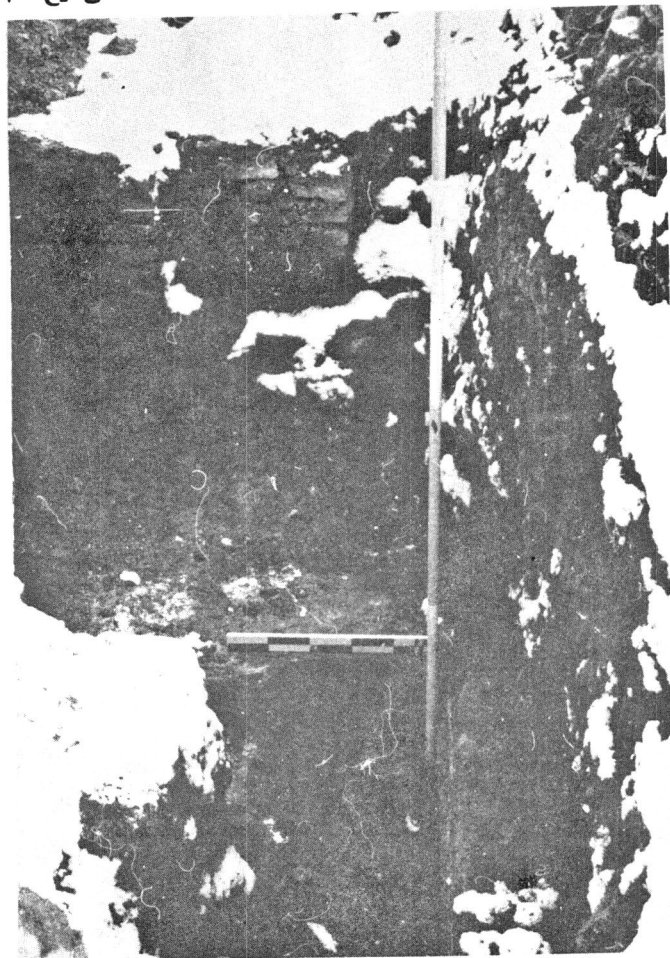


نقشه ۵- نقاطی از برج و باروی که مورد بی‌کاردی قرار گرفته‌اند



تصویر ۱۸ الف - کارگاه پیگردی شماره ۲ - بخشی از برج ۳ - درخانده بهرام محمدی

تصویر ۱۸ ب - کارگاه پیگردی شماره ۳ - نمای شمالی برج ۳ -



این برج مشابه و هم سنگ با برج ۱ - میباشد ، اما دستیابی ، نقطه‌ای از باروی غربی مستلزم ادامه کاوش درزیر مغازه‌های واحد مسکونی مجاور بوده و بهمین دلیل کار پیگردی متوقف گردید .

هر چند که با ترسیم اطلاعات جدید بر روی نقشه ترسیم درست راستای باروی غربی میسر نشده لکن نسبت به مکان یا آن پیش فرضهای قبلی محدودتر گردید و از پی آن انتخاب نقاط بعد پیگردی آسان شد .

۴-۲ پیگردی برج ۳ -

با تخمین قریب به یقین ، فاصله بین برج یک و برج دو ، راستای باروی جنوبی خانه درویش ، (کربلائی بایرام) محاسب تقریبی اولین برج شمالی برج گوشه جنوبی در نظر گرفته شد ، آگاهی ایشان از وجود سنگهای سبز رنگ در درگاه و پاگرد پله زیرزمین شرقی خانه خود این محل برای خاکبرداری در نظر گرفته شد و پس از اندک خاکبرداری سطح سنگی که نمای خارجی آن دارای انحناى مشابه برجهای دیگر بود نمایان گردید ، پس از دیدن گوشه‌های دو سنگ دیگر مجاور آن بعلت محدودیت سطح کاوش ادامه پیگردی میسر نگردید . (تصویر - ۱۸)

از قرار اطلاع مالک خانه درضمن کندن چاه ، و خاکبرداری برای احداث زیرزمین در جبهه غربی خانه خود به یک منقل رنجی نفیس بسیار بزرگ و چند قطعه سفال و کاشی برخورد کرده ، و معتقد به وجود دروازه ارگ در این حوزه است (تصویر - ۱۹)

۴-۱ پیگردی با روی غربی در شمال برج ۳ -

با احتساب اندازه‌های برج در سایر نقاط و با توجه به وضعیت تاریکه درخانه درویش دیده شده بود . نقطه‌ای در خم کوچه ن بست شرقی این خانه انتخاب گردید و در سطحی به ابعاد یک متر در یک متر خاکبرداری بعمل آمد ، در عمق یک متری از سطح کوچه در میان این سطح محل تلاقی سطح خارجی نمای

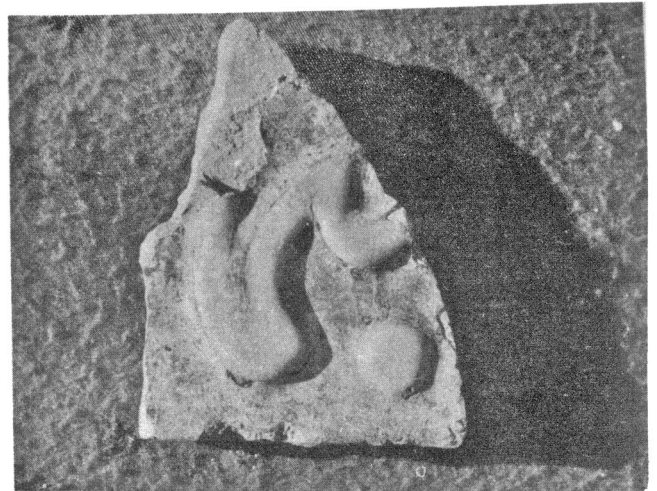
خالی از بنا بود برای پیگردی و حفر گمانه آزمایشی و بررسی
 برج و بارو در نظر گرفته شد ، در میان این محوطه ، ابتدا
 محدوده‌ای به پهنای یک متر و درازای چهارمتر (در راستای
 شرقی - غربی) مورد خاکبرداری قرار گرفت . در عمق یک متری
 از سطح اراضی مجاور ، بخشی از مانده‌های یک برج نمایان
 گردید و در غرب برج در سطحی بالاتر از آثار برج ، ردیفی
 از سنگهای دوباره استفاده شده حصار ارگ در راستای شمالی
 جنوبی دیده شد . (تصاویر - ۲۱ تا ۲۲)

با محدودیتهائی که تا این موقع در کندو کاو و سایر نقاط در
 درون خانه و کوچه بن بست وجود داشت و کسب اطلاعات بیشتر
 از بقایای مدفون آثار موکول به فرصت مناسب شده بود ، و اینک
 دسترسی به آن آسان بنظر میرسید ، پس از بهبود وضع هوا و
 قطع بارش برف ، سطح کارگاه در حد ممکن گسترش یافت و
 محدوده‌ای به پهنای چهارمتر و طول سیزده متر (در راستای
 شرقی - غربی) برای ادامه کاوش در نظر گرفته شد . با احتمال
 اینکه در صورت لزوم و بر حسب مقدمات توسعه یابد ، لکن
 پس از خاکبرداری از سطح فوقانی برج ، در محدوده جدید در
 حالیکه وضعیت انحنای سطح برج ، نمایشگر وجود باروی جنوبی
 پیوست آن ، در نزدیکی محل کاوش بود ، بعلت احتمال بروز
 خطر در واحد مسکونی خشتی و فرسوده جنوبی و مجاور ایمن

شمالی برج - ۳ با با روی غربی نمایان گردید و بلحاظ
 محدودیت سطح کارگاه ادامه کاوش متوقف گردید . (تصویر - ۲)
 باتوجه به وجود نقطه ۳ در بخش مشاهدات (که در زیرزمین
 خانه محمدنور محمدی واقع شده بود) مشاهده بارو در شمال
 برج - ۳ (نقطه ۱۱ کروکی) دارای اهمیت شایان توجهی در
 ترسیم راستای باروی غربی میباشد .

علاوه بر این با انعکاس وضعیت نقطه ۱۱ بر روی نقشه فاصله
 نقطه ۹ در شمال برج گوشه جنوب غربی (برج - ۲) تا شمال
 برج - ۳ در این حوزه برابر ۶۴ متر تخمین زده میشود که خود
 در ترسیم قرینه برجهای دیگر باروی غربی در خورتوجه میباشد .
 ۴-۴ پیگردی برج - ۶ در جبهه غربی ارگ

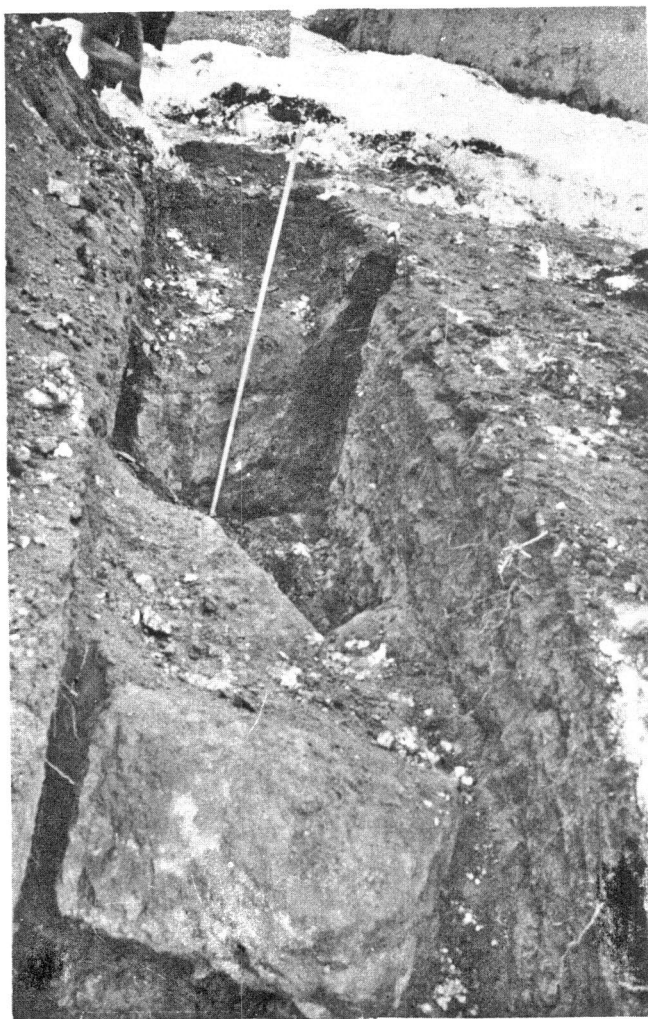
در جبهه شرقی خیابان موجود (خندق غربی) فضای وسیعی که



تصویر ۱۹ - بخشی از کتیبه کاشی
 مربوط به برج - ۳



تصویر ۲۰ - آغاز خاکبرداری
 در مجاورت برج - ۶



تصویر ۲۲- نمای غربی بقایای برج- ۶

برداری دقیق آنها پس از کاوش میباید .

تاکنون بخشهایی از مانده‌های چهار برج در جبهه غربی دیده شده که شامل دو برج در جنوب این جبهه (با فاصله ۵ متر از یکدیگر) و دو برج در شمال آن (با فاصله ۴ متر از یکدیگر) میباید . فاصله بین برج دوم جنوبی و دومین برج شمالی معادل ۱۹۱ متر است که وجود دو برج دیگر و سه فاصله شصت و چهارمتری را در میان جبهه غربی تلقین مینماید . بهمین لحاظ مانده‌های برجی که در این کارگاه نمایان شده (برج دوم شمالی) با احتساب دو برج دیگر ششمین برج از برج جنوبی تربت‌خانه است که در جهت حرکت عقربه‌های ساعت شماره گذاری شده‌اند . در صورت قبول مفروضات فوق جبهه غربی جمعا " دارای شش برج است که از لحاظ اندازه جنس سنگ ، شیوه بنائی و سایر

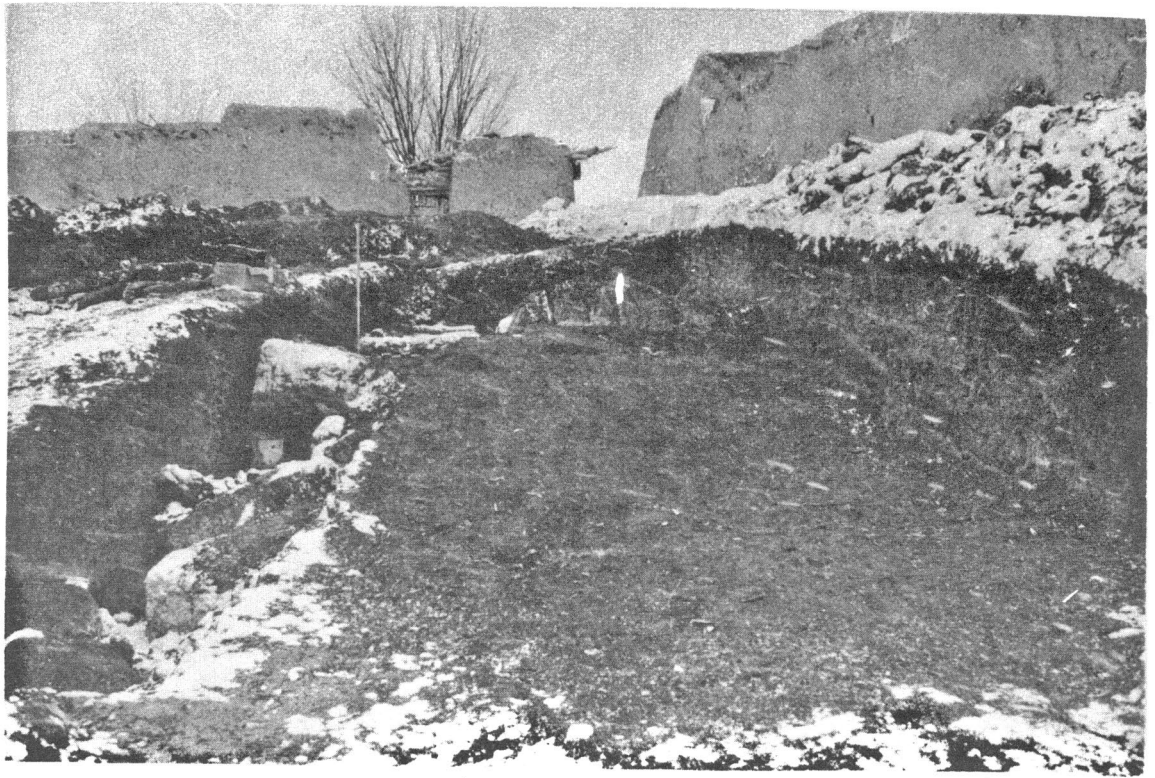


تصویر ۲۱- آغاز خاکبرداری در مجاورت برج- ۶ در جبهه غربی ارگ

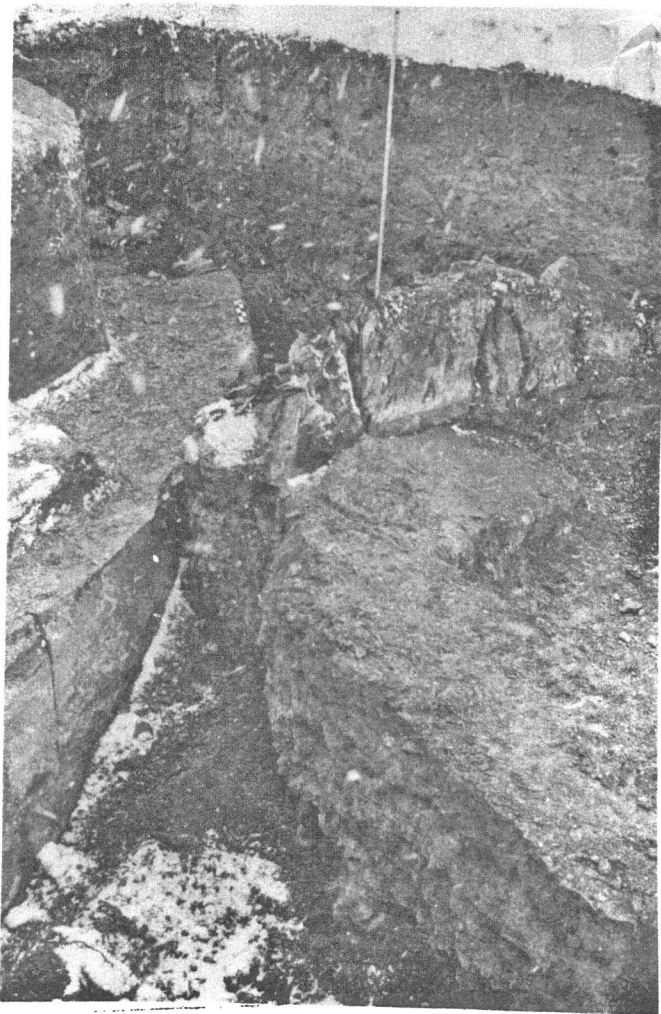
حوزه ، توسعه کارگاه و دستیابی به فصل مشترک بین برج و بارو میسر نگردید . لکن مدارک معماری ، باستانشناسی ارزشمندی در این محل در دسترس قرار گرفت که گزارش مختصر آن ضروری بنظر میرسد . تصاویر ۲۳ و ۲۴

۱-۴-۴- بررسی موقعیت برج- ۶ در جبهه غربی ارگ

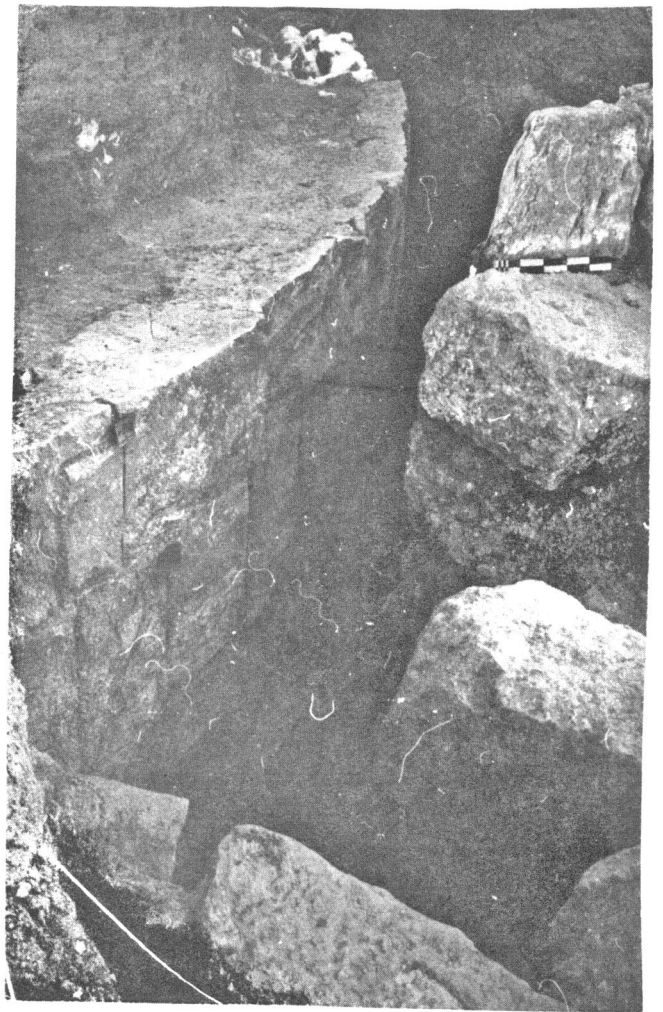
با پیاده کردن مشخصات برج بر روی نقشه ۲۵۰۰ : ۱ (واحتساب موقعیت برج شمال غربی فاصله محور تا محور این دو برج برابر ۶۴ متر برآورد گردید . با در نظر گرفتن فاصله محوری — برج جنوب غربی (برج- ۲) تا برج شمالی آن (برج- ۳) که معادل ۶۵ متر قابل تخمین بود ، اختلاف اندکی بین این دو برآورد بیچشم میخورد ، ولی ابراز هر گونه نظری نسبت به اختلاف دو رقم پیشنهادی و اندازه واقعی و دقیق فواصل برجها ، مستلزم نقشه



حاور برج ۶

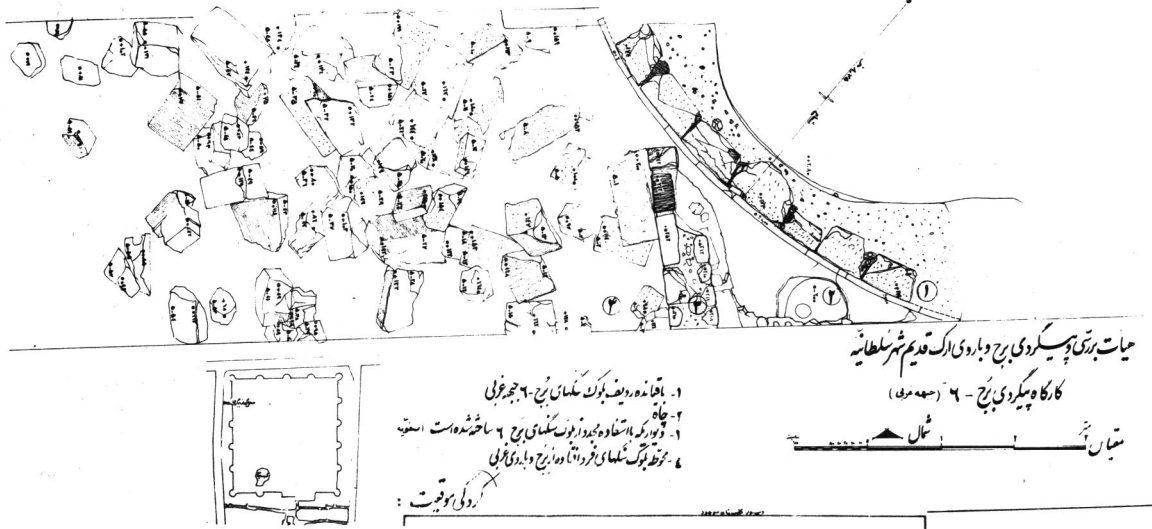


تصویر ۲۵- بخشی از سطح فوقانی مانده‌های برج ۶



تصویر ۲۴- نمای برج ۶ و دیوار (دوره صفویه که با استفاده

مجدد از سنگهای این برج احداث گردیده



در بخش جنوبی برج و در زیر آن ، چاه و کانال قنات مانندی که به زیر برج راه پیدا کرده نمایان شد که لایه های گل ناشی از آب شستگی و سستی خاک دورو بر آن حاکی از جریان آب در زیر برج میباشد ، و همچنین سستی ملاط شالوده برج که قلوه سنگهائی در آن غوطه ور شده اند ، ناشی از جریان آب میباشد .

شالوده قلوه سنگی برج به ارتفاع نیم متر در سطوح زیرین برج ادامه پیدا میکند ولی دسترسی و شناسائی وسعت پی سازی برای پی بردن به پهنای دیواره برج مقدور نگردید .

در غرب برج سنگهائی فرو افتاده آن از پای برج تا انتهای غربی کارگاه سطح خاک قرمز رنگ زمین را پوشانیده اند و چون برنامه های برای جایجا کردن سنگها پیش بینی نشده بود . در این بررسی چگونگی سطح زمین و رابطه برج با خندق مجاور آن روشن نگردید .

۵۶ قطعه سنگ در کارگاه سه فواصل مختلف از برج فرو افتاده که در ۳۳ قطعه آنها کم و بیش آثار تراش دو تیشه (تراش نمای سنگهائی حصار ارگ) در یک سطح آنها دیده میشود پاره های از آنها سالم و بیشتر آنها شکسته و فرسوده اند . (نقشه ۶)

در نمای برج ۶ نیز فرسایش زیادی در نمای سنگها به چشم میخورد و با اینکه ساختمان برج ۶ و نوع سنگ ، شیوه تراشو ابعاد سنگها و همچنین بنائی آن مشابه سایر برجهای است که تاکنون دیده شده ، لکن میزان فرسایش این برج به مراتب بیش از آنها میباشد ، که احتمالاً " نشانه های از مدت زمان بر پائی

مشخصات ، مشابه برج جنوبی تربت خانه (برج ۱) میباشد . فاصله محور تا محور هر برج معادل ۶۴ متر و فاصله نمای باروی شمالی ۳۲۰ متر و بزرگترین اندازه نمای باروی جبهه غربی ، از پشت تا پشت برج گوشه جنوب غربی (برج ۲) و برج گوشه شمال غربی (برج ۷) معادل ۳۳۸ متر تخمین زده میشود ، با افزودن عرض خندق شمالی و در نظر گرفتن فضائی هم عرض آن در بخش جنوبی جبهه غربی ، تاسیسات مربوط به بنای ارگ دارای وسعتی است که درازای جبهه غربی آن به بیش از ۲۰ متر بالغ میگردد که بخشی از آن عرض خیابان شمالی ارگ (خندق شمالی) را تشکیل میدهد .

۲-۴-۴- وضعیت سنگهائی برج ۶

بخشی از سطح فوقانی مانده های برج ۶ که در شرق کارگاه ۴ نمایان شده ردیفی از سطح ۶ سنگ است که طول قوس مجموعه آنها بالغ بر ۵/۴۰ متر است و مربوط به دایره ای به شعاع ۸/۷۵ متر است که اندازه آن برابر برج جنوبی تربت خانه (برج ۱) میباشد . (تصویر - ۲۵)

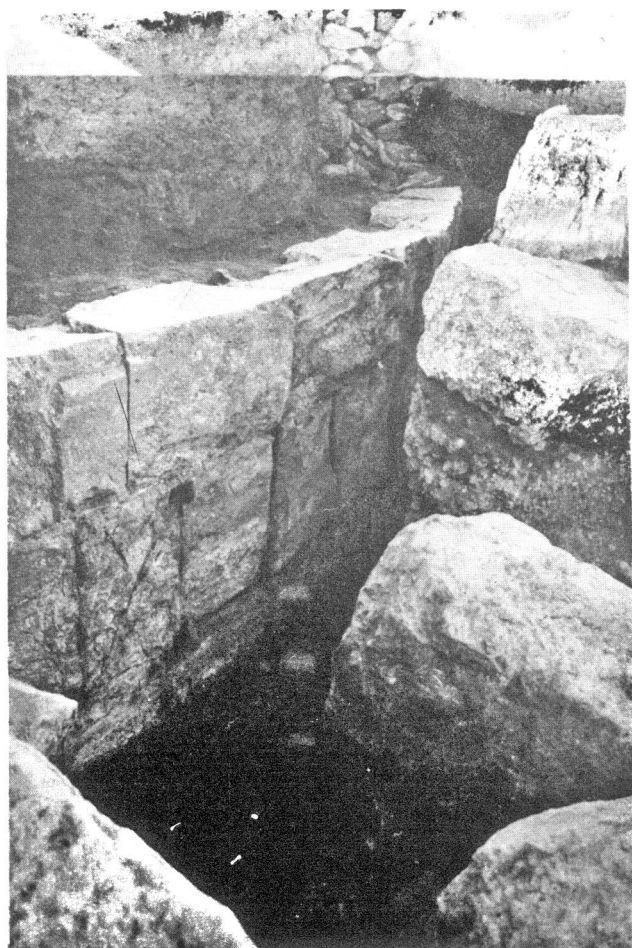
سنگهائی مانده از این برج در ۵ ردیف (با احتساب ازاره) و بر روی هم به بلندی ۲/۰۵ متر از سطح شالوده است ، پیش آمدگی ردیف زیرین سنگهائی نمایان اندازه ۷ سانتیمتر از سطوح نمای برج ، ردیف سنگهائی ازاره را از نما جدا کرده و بلندی مانده های برج از پله ازاره برابر ۱/۷۲ متر اندازه گیری شده

است . (تصویر - ۲۶)

تصویر ۲۷- سنگهای فرو افتاده از برج - ۶



تصویر ۲۶- نمای مانده‌های برج - ۶



تصویر ۲۸- وضعیت سنگهای افتاده و برجای برج - ۶

این برج بیش از سایر برجهاست و بعبارت دیگر چون دیرتر از سایر برجها ویران شده ، بیشتر در معرض حوادث طبیعی ، بارش برف و سرما و گرما قرار داشته است . (تصاویر ۲۷ و ۲۸)

۳-۴- بلندی برج و باروی ارک قدیمی

ناکنون بلندترین سطح ، ازمانده‌های برج و باروی ارک، دربخش شرقی باروی جنوبی تربت‌خانه با $۴/۳۷$ متر ارتفاع در ۹ ردیف سنگ دیده شده است .

در کارگاه ۴ نیز علاوه بر بلندی مانده‌های برج در جای خود به میزان $۲/۰۵$ متر در پنج ردیف سنگ نما ، تعداد حداقل ۳۳ قطعه سنگ از ۵۶ قطعه سنگ فرو افتاده . از برج ۶- متعلق به نمای آن میباشد که مساحت آنها ، بر روی هم $۱۳/۷۳$ مترمربع محاسبه شده است . با در نظر گرفتن چهارمتر ، پهنای کارگاه ۴ ، ارتفاعی برابر $۳/۴۳$ برای مساحت مجموع ۳۳ قطعه سنگ بدست می‌آید که با افزودن بلندی موجود برج در جای خود برابر $۲/۰۵$ متر ، حداقل ارتفاع آن در وضعیت موجود برابر $۵/۱۵$ متر است .

لازم به یادآوری است که علاوه بر ضرورت معاینه دقیقتر ۵۶ قطعه سنگ و دیدن تمامی سطوح آنها (با جابجا کردن آنها) احتمال وجود سنگهای دیگری در زیر سطح سنگهای فرو افتاده دیده میشود .

باتوجه به وجود دیواری که در سطوح فوقانی این کارگاه دیده شده (نقشه شماره ۶) و با استفاده مجدد از سنگهای نمای برج ، پس از ویرانی آن ساخته شده ، احتمال استخراج تعداد زیادی از سنگهای برج و حمل آن به نقاط دیگر ، در دوره ویرانی حتی قبل از آن وجود دارد ، از این رو ارتفاع واقعی برج ، از میزان محاسبه شده $۵/۱۵$ متر ، قابل پیشنهاد میباشد .

توجه به بخش پیشینه تاریخی ، ترجمه گزارش آقای کربرتر ، بنام «...» اولین بررسی حاکمی از رومی برابر ...
... تغییر رنگی در همین منبع که

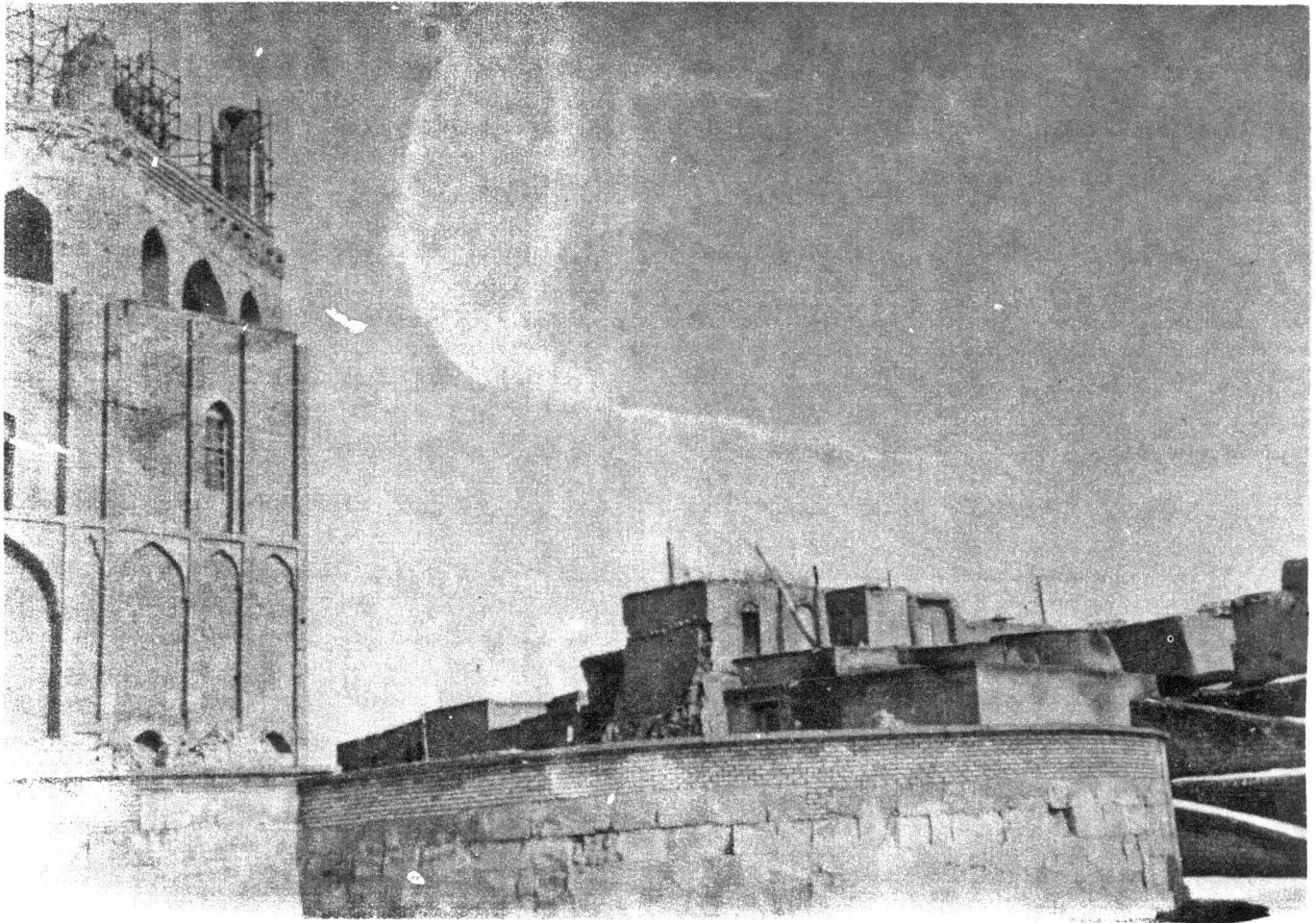
بدون مقیاس بوده و از زاویه دید ایشان ترسیم گردیده . در مقایسه با مدارکی که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته اند - اطلاعات حاصله از کروکی و رقم چهل فوت برای ارتفاع برج - مغایر یکدیگر بنظر میرسد (تصویر- ۲)

هر چند که بعضی از خطوط این رسم خوانا نیست لکن با توجه بیشتر به جزئیات آن ، خطوط مفهوم پیدا میکند . در پائین تصویر شخصی بعنوان مقیاس در گودال پای برج ایستاده که بخشی از پاهایش دیده نمی‌شود ، خاکهای کنده شده از گودال در سمت چپ تصویر بر روی هم انباشته شده ، که بنظر میرسد گودال توسط نویسنده و نقاش تصویر برای اندازه گیری دقیق ارتفاع برج حفر شده باشد ، بنابراین پای شخصی که در تصویر دیده میشود در سطح ازاره پله مانند برج قرار دارد و به احتمال دیگر در سطح زیر ازاره و شالوده سنگهای نمای برج استوار بوده است . با این تفسیر حداقل هفده ردیف افقی از سنگهای نمای برج قابل تشخیص میباشد ، با توجه باینکه ارتفاع سنگهای فوقانی بر پیشانی برج را میتوان معادل دو ارتفاع و دو ردیف از سنگهای نمای برج در نظر گرفت ، نسبت ارتفاع برج به ارتفاع هر ردیف سنگ معادل ۱۸ ردیف خواهد بود .

لازم به ذکر است که ارتفاع ردیف سنگهای افقی که تاکنون مشاهده شده اند حداکثر برابر ۶۲ سانتی‌متر و حداقل برابر ۴۶ سانتی‌متر اندازه‌گیری گردیده‌اند ، که میانگینی برابر ۵۰ سانتی‌متر ، برای ردیفهای افقی سنگهای نما میتوان در نظر گرفت . با این احتساب ارتفاع برج از سطح شالوده و یا از سطح ازاره در این تصویر برابر ۹ متر بدست می‌آید . در صورتیکه هر فوت برابر $۳۰/۴۸$ سانتی‌متر باشد رقم چهل فوت و یا $۱۲/۱۹$ متر که در متن مورد اشاره قرار گرفته ، در صحت گزارش تردید ایجاد نمینماید .

نهاد دیگری برای تخمین ارتفاع برج و باروی ارک با توجه به وضعیت بنای تربت‌خانه قابل بررسی میباشد .

راستای سطح نمای باروی جنوبی با راستای نمای جنوبی



تصویر ۲۹- چشم انداز فضای بین نمای بارو و نمای جنوبی تربت خانه

از ارتفاع نمای جنوبی تربت خانه بوجود نیامده باشد، لاسهال انعکاس تناسب ارتفاع بارو از سطح داخلی ارک را میبایست در نمای جنوبی تربت خانه جستجو نمود.

در نمای جنوبی تربت خانه دو ردیف افقی طاق نماهای کم عمق ارتفاع این نما را به دو بخش تحتانی و فوقانی تقسیم کرد است که در تقسیمات فضاهاى داخلی تربت خانه انعکاسی داشته و فقط در فضای داخلی جنوب شرقی گنبدخانه طاق نماهائی که ارتفاع مشابهی با نمای جنوبی تربت خانه دارا میباشد، ابر تقسیمات ادامه یافته و در ورودی زیبای شرقی گنبدخانه تجلی پید میکند.

در صورتیکه مفروضات فوق مورد قبول واقع گردد بررسی ارتفاع بارو به نسبت سطح فوقانی تیزه طاق نماهای ردیف اول نمای

تربت خانه (در جنوب گنبدخانه بزرگ) موازی و در فاصله‌ای کمتر از بیست متری آن است، با در نظر گرفتن پهنای بارو (که مدارک مربوط به آن مشاهده و بررسی نشده است) فاصله کوتاهی بین نمای داخلی بارو و نمای جنوبی تربت خانه باقی میماند، هر چند که از نمای داخلی بارو مدرکی بدست نیامده است، لکن وجود رابطه‌ای مستقیم در چشم انداز فضای بین نمای بارو و نمای جنوبی تربت خانه ضروری بنظر میرسد. (تصویر-۲۹)

که با احتمال زیاد رعایت تعادلی بین خطوط تقسیم کننده سطح ممتد بارو و ارتفاع یکنواخت نمای داخلی آن با نمای جنوبی تربت خانه، از لحاظ تناسبات خطوط قائم و سطوح افقی اجتناب ناپذیر می نماید، در صورتیکه تعادل بین این دو نمای روبرو و متوازی از طریق رعایت تقارن نمای داخلی بارو و بخشی

تربت خانه و ارتفاع تیزه طاق ورودی شرقی و همچنین در نظر
داشتن سطح کف طاق نماهای ردیف دوم قابل پیشنهاد میباشد.
لازم به ذکر است که هر چند رابطه بین سطح ازاره نمای
خارجی باروی جنوبی تربت خانه به نسبت تیزه طاق نمای
مورد بحث مورد اندازه گیری دقیق واقع نشده ، لکن ارتفاع
برج در کروکی آقای کرپرتر با توجه به میانگین اندازه ارتفاع
ردیفهای افقی سنگهای بارو با پیشنهاد فوق قابل مقایسه است.
۴-۴-۴- سایر مدارک باستانشناسی کارگاه ۴

سطح زمین در پیرامون کارگاه ۴ دارای شیب ملایمی به سمت
غرب (خندق غربی) است و موقعیت این کارگاه در دامنه شیب
و نزدیک به بلندترین سطوح بخش شرقی انتخاب گردیده و در
بخش شرقی آن پس از خاکبرداری ، آثار مانده های برج
نمایان شده است . عمق خاکبرداری در پای برج به حدود سه
متر و در سمت غربی کارگاه بالغ بر یک متر و نیم است ،
هماهنگی لایه های موجود با وضعیت سنگهای فرو افتاده از برج
نشانه آنستکه در دوره متاخر دخل و تصرفی در این بخش از
جبهه غربی صورت نگرفته است . سه دوره مشخص متاخر و
دوره صفویه و دوره ایلخانی لایه های موجود را در مقاطع خاک
تشکیل میدهند که هر یک از آنها دارای تقسیمات فرعی متعددی
میباشند . بجز لایه سطحی که حاوی آثار دوران متاخر و ریشه
گیاه و سایر مانده های این دوره است ، در دو لایه دیگر بقایای
آثار معماری دیده میشود .

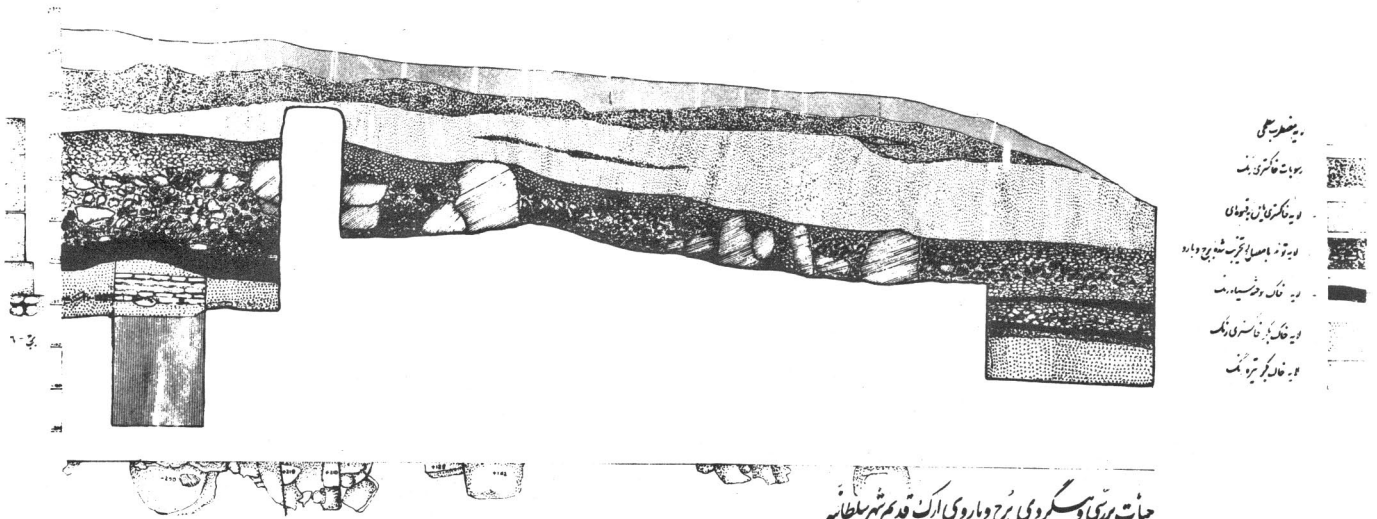
الف -- لایه فوقانی : مجموعه ای از لایه های متعدد خاکستر ،
یک لایه اصلی تشکیل داده اند که از آن سفالینه های یکدست
مربوط به دوره صفویه مورد شناسائی قرار گرفته است ، ردیف
سنگهای سبز رنگ که (در امتداد شمالی جنوبی) بقایای شالوده
بنائی را تشکیل میدهند از بقایای آثار معماری این دوره است .
این بنا با احتمال زیاد پس از انهدام برج ۶ ، با استفاده
مجدد از سنگهای تراشیده برج و بارو در شالوده شکل گرفته است.

ب - لایه تحتانی : در این لایه قطعات گچ خاک ، پاره سنگ
قلوه سنگ ، سنگهای تراشیده و فرو افتاده برج و حتی فضا های
خالی در بین قلوه سنگها دیده میشود که مجموعه آنها القاگر
نوع تخریب برج میباشد و در سطح زیرین آن لایه سوختگی
ضحیمی که تا انتهای غربی کارگاه امتداد یافته بچشم میخورد که
همراه با قطعات استخوان ، سفال ، خاکستر نرم میباشد .

در زیر لایه سوختگی در جنوب برج ۶ حفره ای از بقایای چاه
تا عمق دو متری از سطح شالوده برج مورد خاکبرداری قرار
گرفت ، در عمق یک متری آن قطعات انواع مختلف کاشی و سفال
دوره ایلخانی بدست آمده است . (نقشه ۷)

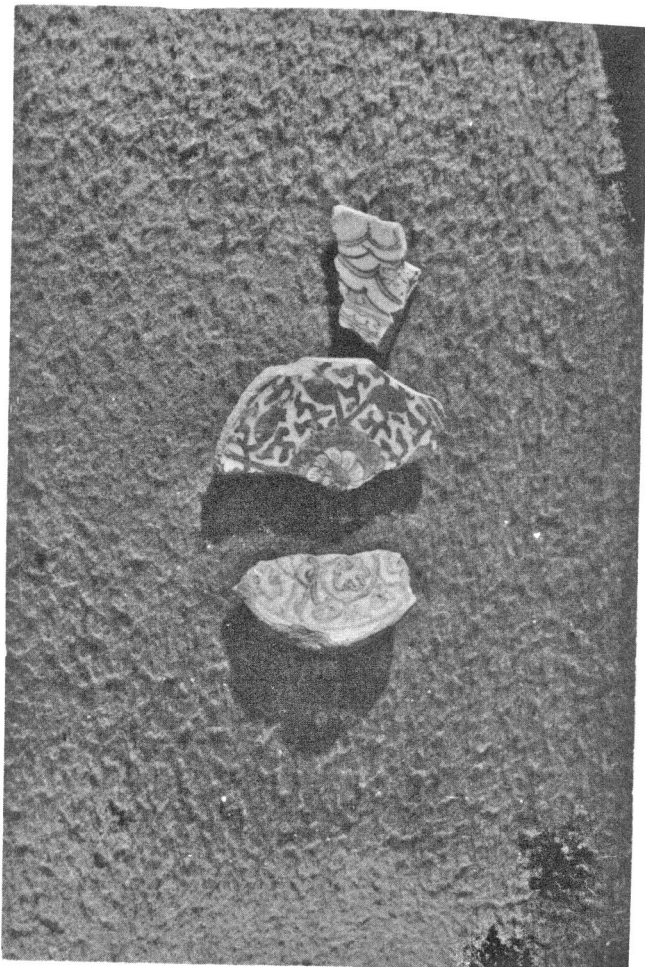
نکته در خور توجه وجود قطعات کاشی معرق ، و کاشیهای
ستاره ای شکل ، شش ضلعی ، مثلث و در رنگهای آبی ،
لاجوردی طلائی و چند رنگ و همچنین قطعاتی از کتیبه کاشی
در این چاه است که یادآور گفته حمداله مستوفی درباره تزئینات
کاشی در برج و با روی سلطانیه میباشد ، هر چه که نتیجه گیری
از وجود کاشیها در حفره جنوبی برج ۶ ، در ارتباط با بنای
برج سنگی مستلزم بررسی و جمع آوری مدارک مستندی در وجود
این رابطه است ، لکن احتمال استفاده از تزئینات کاشی در نمای
داخلی برج و باروی ارگ قابل پیگیری میباشد .

همراه با سایر آثار درون چاه قطعاتی از ظروف سفالی بندزنی
شده بدست آمد که در بین سفالهای ظریف و بدل چینی ،
قطعاتی از یک سفال که از لحاظ جنس ، نوع لعاب و نیمه
کاره بودن لعاب در سطح خارجی آن ، نامرغوب و بی ارزش
می نمود مورد توجه قرار گرفت ، که با صرف مدتی از وقت و بکار
گرفتن فلز ، چسب ، مته ، کمان ، سفالی نامرغوب توسط هنرمند
مقیم سلطانیه در قرن هشتم هجری مورد مرمت قرار گرفته است .
چون مدارک بدست آمده از درون چاه و در زیر لایه سوختگی
قرار داشته ، آثار تلاش هنرمند فقیر را میتوان به زمانی قبل از
تخریب و ویرانی برج ۶ نسبت داد . (تصاویر ۳۰ تا ۳۴)



حیات بری و پیگردی برج و باروی ارگ قدیم شهر سلطانیه
برش لایه های خاک در کارگاه پیگردی برج - ۶

نقشه ۷- نقشه برج طولی کارگاه ۴- در مجاورت برج ۶- در جبهه غربی ارگ



تصویر ۳- سفال سفیدآبی (صفوی)

بطور کلی بررسی نظراتی که طی خاکبرداری و مشاهده مدارک معماری و سایر مانده های آثار گذشتگان تلقین شده ، بعلاّت محدودیت زمانی و کمبود مدارک ، فرصت بروز پیدا نمی نماید. لکن یادداشت پیش فرضهائی که از مشاهدات مشخصات کالبدی آثار ، در ضمیر نقش بسته قابل اشاره بنظر میرسد .

— فضای کارگاه از زمان ایجاد شالوده بنای همزمان دوره صفویه تا کنون مورد کندو کاو قرار نگرفته و آثار شکل گیری بنادر آن مشاهده نشده است .

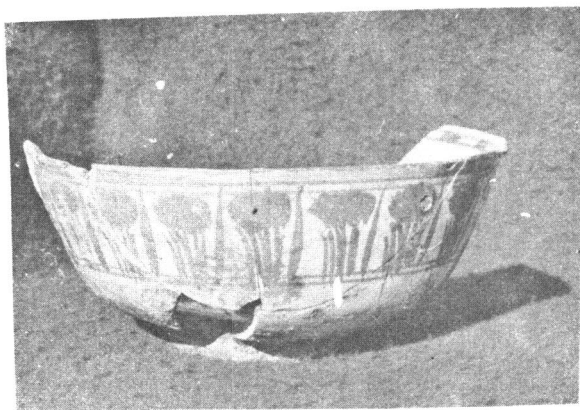
— شالوده بنای مربوط به دوره صفویه بر روی سنگهای فرو افتاده برج برپا شده است .

— در زمان شکل گیری شالوده بنای همزمان با دوره صفویه ، برج ۶ برپا نبوده است .

— در شالوده بنای دوره صفویه از سنگهای تراشیده برج ۶ و یا باروی پیوسته آن استفاده شده است .

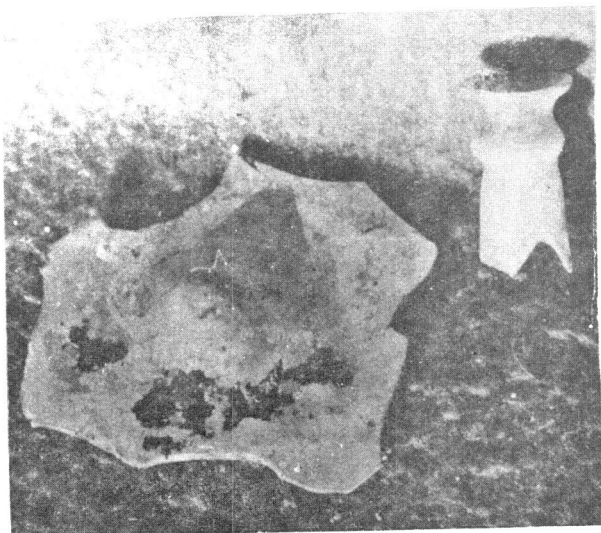
— باتوجه به یکدست بودن سفالهای متعلق به دوره ایلخانی در زیر لایه دوره صفوه ، برج ۶ در قرن هشتم هجری و — رن

گردیده است .

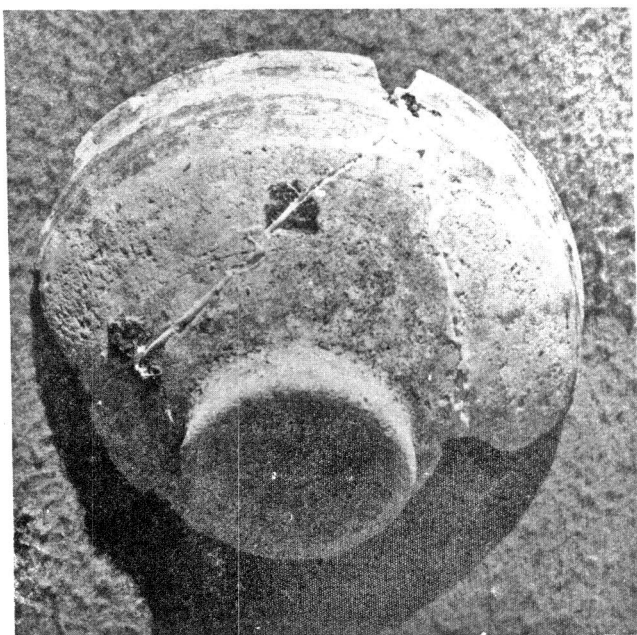


تصویر ۳۱- سفال سفیدآبی (صفوی)

تصویر ۳۲- مانده‌های ظرف شیشه‌ای



تصویر ۳۳- سفال ساده لعابدار بندزده



وجود لایه سوختگی به ضخامت ۳۰ سانتیمتر نشانگر آتش سوزی بزرگی قبل از تخریب برج-۶ میباشد .

علت فرسایش نمای سنگهای برج-۶، برپا بودن آن در مدت طولانی ذکر شده که با توجه به چگونگی ریزش آوار و زمان تخریب مدت فوق‌الذکر به قبل از پایان قرن هشتم هجری محدود میگردد و با احتمال زیاد برج پس از آتش‌سوزی مورد تخریب قرار گرفته است .

با وجود قطعات کاشی معرق و کتیبه‌های کاشی در این کارگاه و در مجاورت فضای خارجی برج-۶ احتمال استفاده از آنها در تزئینات نمای داخلی برج و باروی ارگ داده میشود (تصاویر ۳۵ تا ۴۴) .

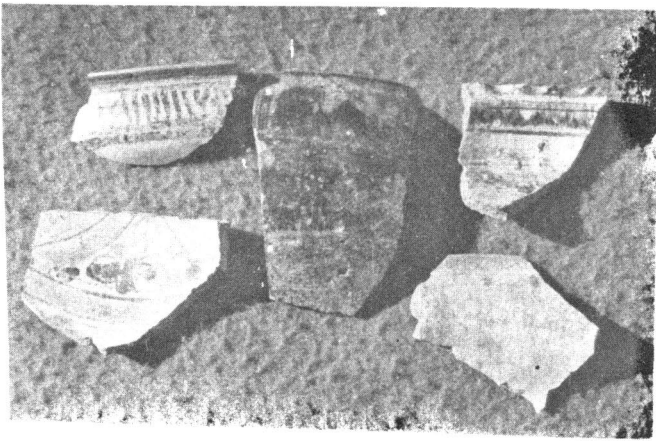
قبل از وقوع آتش سوزی بزرگ و تخریب برج-۶ فضای خارجی آن مورد استفاده و احتمالاً " سکونت هنرمندی فقیرویا مشتریان فقیر او بوده است .

۴-۵- پیگردی باروی شرقی و بررسی باروی شمالی ارگ با آگاهی‌هایی که از پیگردی برجها و راستای باروی جبهه غربی ارگ بدست آمده و همچنین با توجه به سایر اطلاعاتی که تاکنون ضمن مشاهده نزدیک آثار بررسی گردیده است، ترسیم دقیقتری از جبهه‌های شمالی و شرقی ارگ بر زمینه نقشه‌هوائی ۱:۲۵۰۰ امکان پذیر می‌نماید، بویژه عدم دسترسی به جایی که بتوان از طریق پیگردی وضعیت بخشهای میانی بارو و برجهای جبهه شمالی را مکان‌یابی نمود، استفاده از نتیجه پیگردیهای جبهه غربی و بررسی مجدد امکانات ترسیم مشخصات برج و باروی جبهه شمالی را ضروری مینماید .

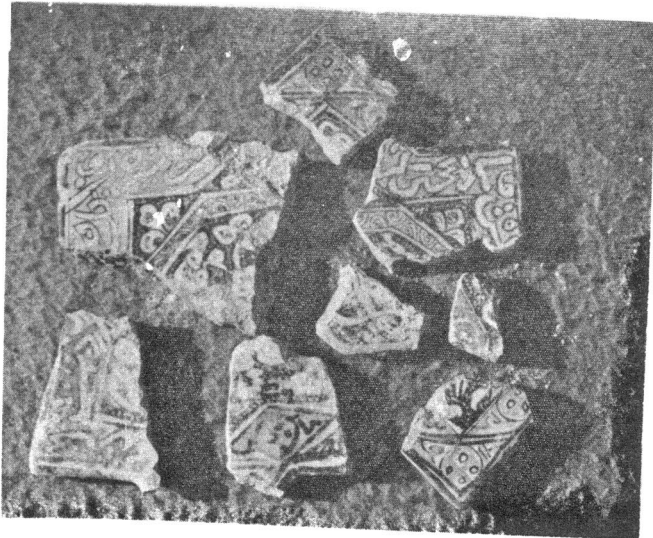
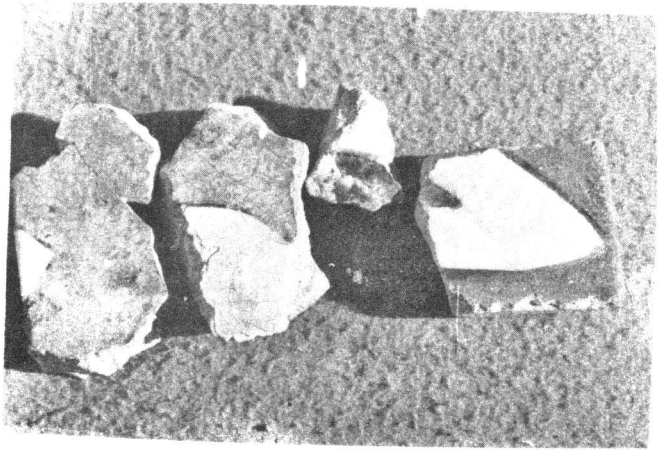
۴-۵-۱- مکان‌یابی برجها و راستای باروی شمالی

با ترسیم برج گوشه شمالی غربی (برج-۷) بر اساس شواهد و پیگردیهای جبهه غربی ارگ بر زمینه نقشه هوائی و همچنین با توجه به همسانی شیوه اتصال دوباروی مجاور برج گوشه یک‌نقطه

تصویر ۳۴- قطعات سفال لعابدار



تصویر ۳۷- قطعات کاشی نقش برجسته کتیبه‌دار



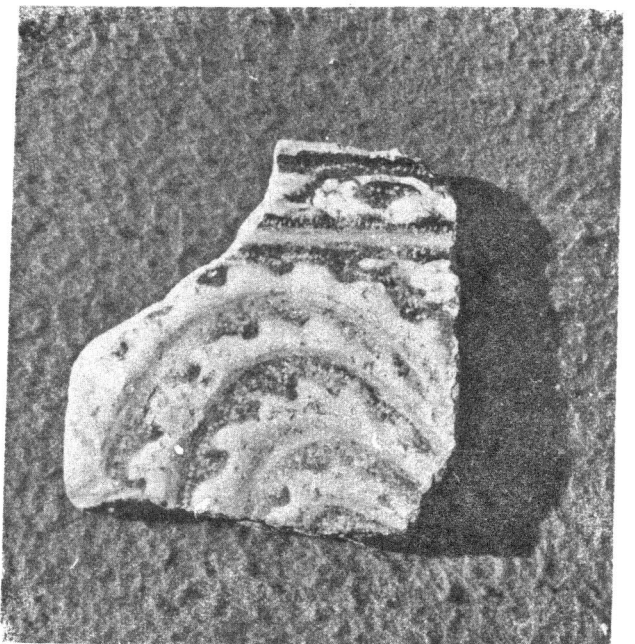
تصویر ۳۵- قطعات کاشی هشت گوشه

که رستم برآراست از بامداد
نمی بغدادش سازنخیر کرد
فردوسی جلد ۱ صفحه ۳۸۵

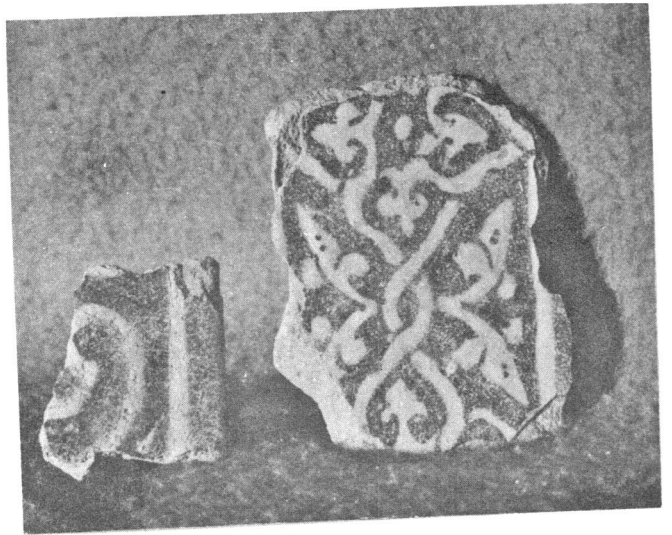
تصویر ۳۶- کاشی ستاره هشت گوشه

اگر ندادی برآرد ز کنج
بخاک افکند نار سیده ترنج
فردوسی جلد ۱ صفحه ۳۸۴

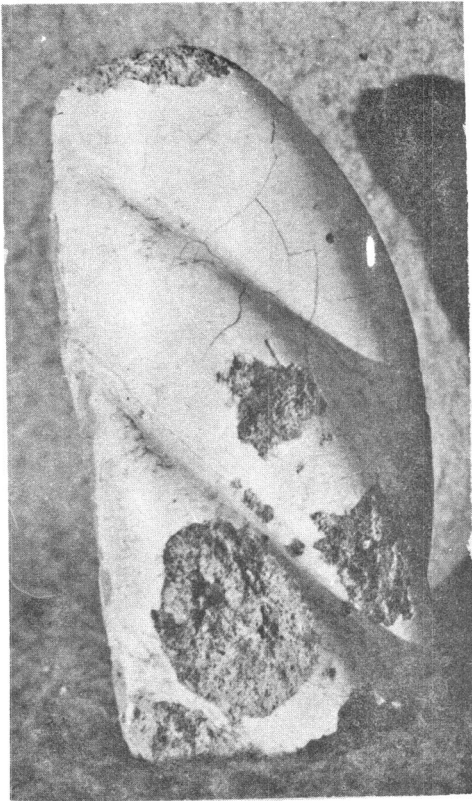
تصویر ۳۸- کاشی چند رنگ نقش برجسته



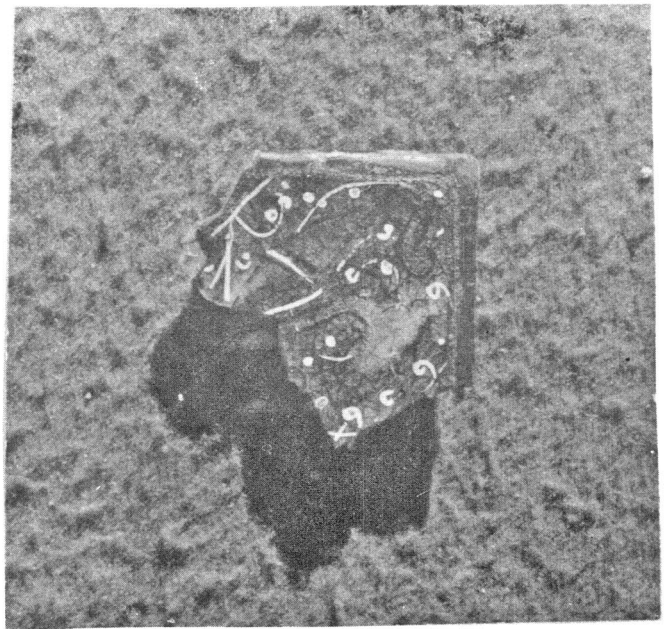
با سکرار همراهِ این توحاشی در مطالعه کتیبه‌های کاشی این صفحه



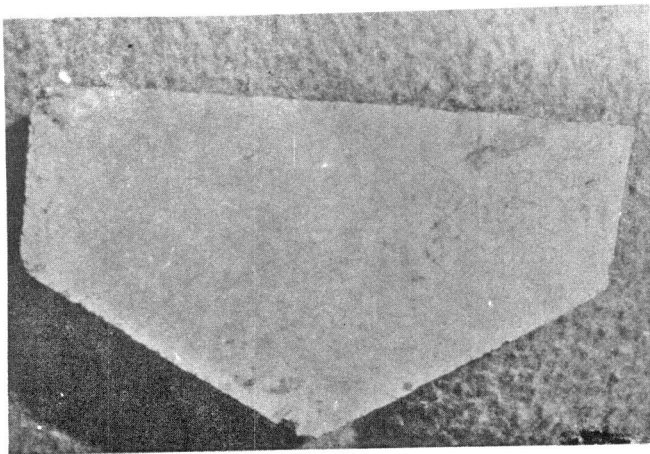
تصویر ۳۹- کاشی سفیدآبی منقوش و کتیبه نقش برجسته



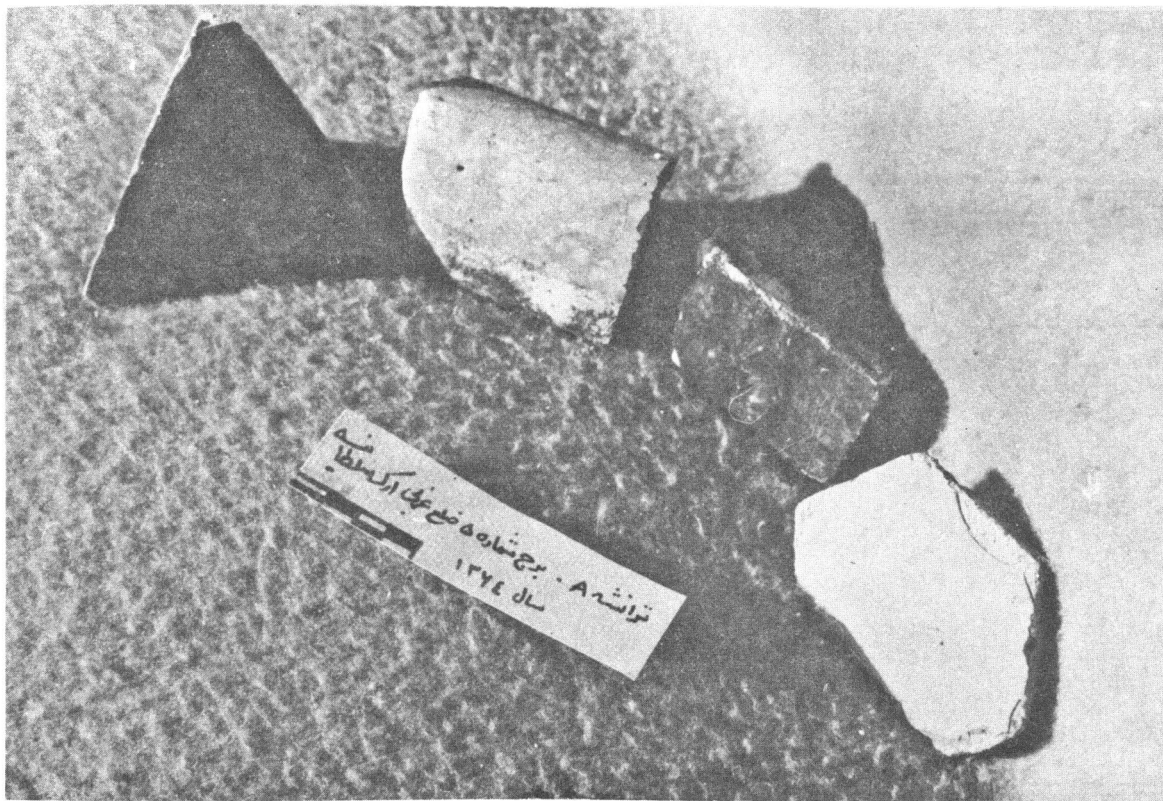
تصویر ۴۱- کاشی تزئینی پیچ



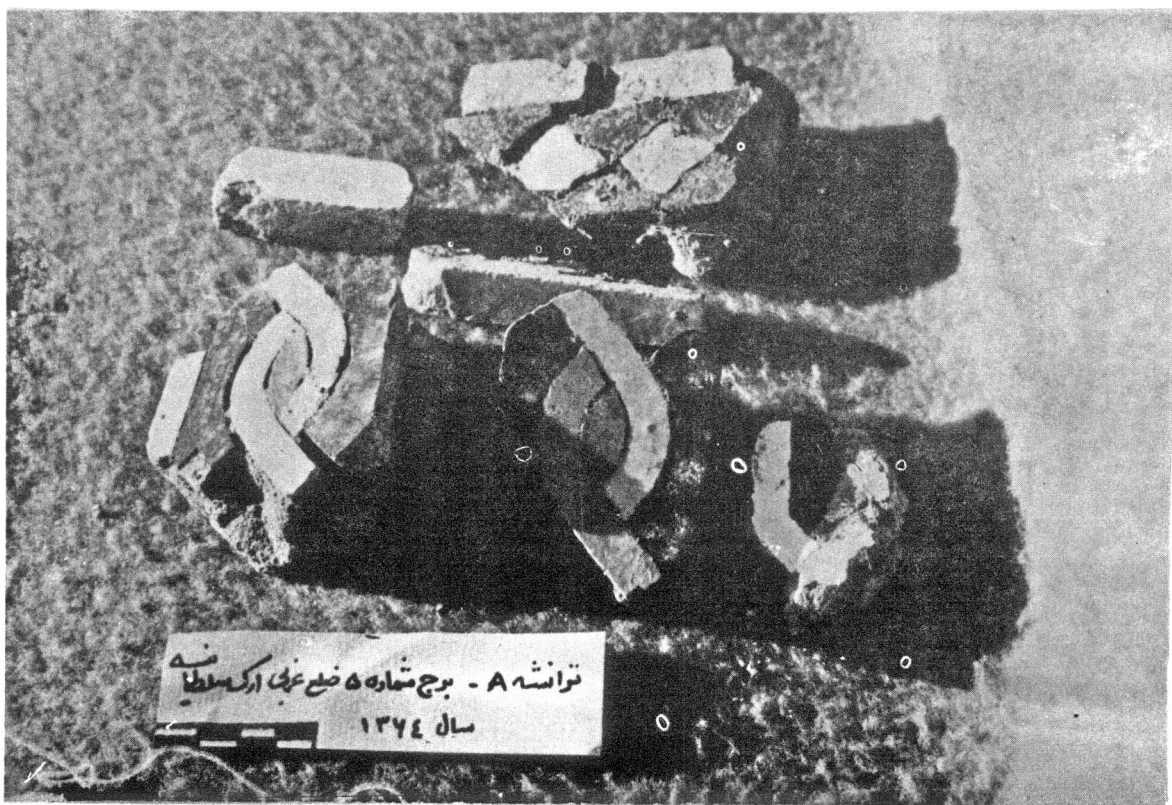
تصویر ۴۰- کاشی چندرنگ زربین فام



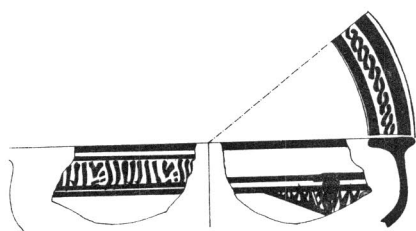
تصویر ۴۲- کاشی ساده نیمه شش گوشه فیروزه‌ای رنگ



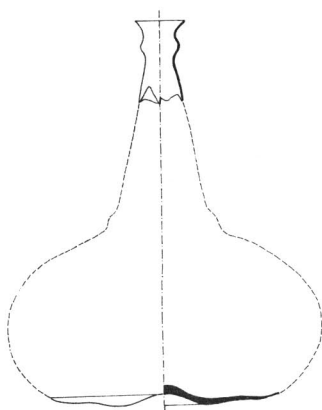
تصویر ۴۳- قطعات کاشی ساده



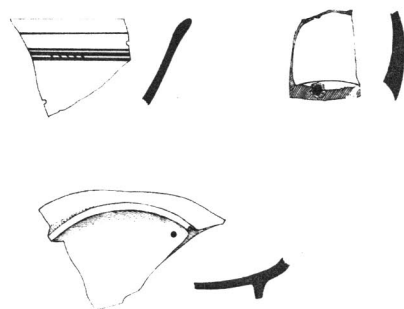
تصویر ۴۴- قطعات کاشی معرق



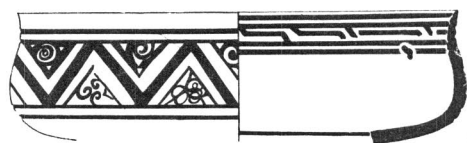
سفال لعابد ار فیروزه مایل به سبز با تزئینات
خطی قرن ۸ هجری



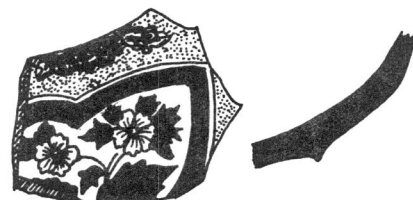
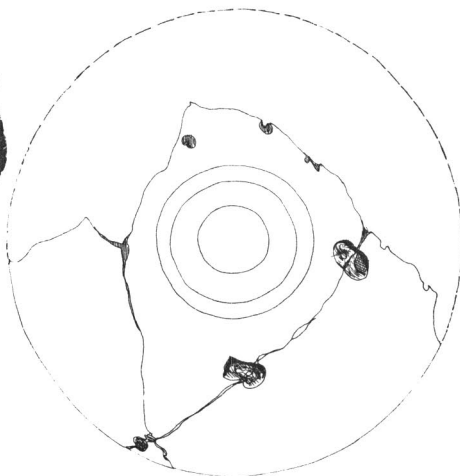
قطعاتی از تنگ شیشه‌ای برنگ نیابتی مایل بد
سبز - احتمالاً "سلجوقی"



قطعات سفال با سوراخ‌های محل بندزدگی
قرن هشتم هجری



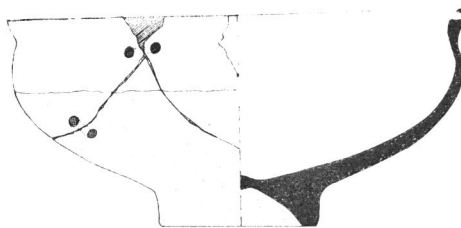
سفال لعابد ار برنگ سبز چمنی با نقش گنبد
زیر لعاب قرن ۸ هجری



قطعه از یک ظرف چینی منقوش - قرن دهم
هجری



قطعه‌ای از یک گاسه بدل چینی منقوش
قرن دهم هجری



ظرف سفالی لعابد ار - برنگ سبز - ساده قرن
هشتم هجری بندزده

سفالهای بدست آمده از ترانسه A ضلع
غربی برج پنجم و محوطه پشت برج شماره ۴ رگ
سلطانیه

قابل اطمینان از راستای باروی شمالی در جای برخورد آن با برج ۷ تعیین شده است .

باتوجه به راستای خندق شمالی و موازی بودن آن با راستای باروی جبهه جنوبی ارگ ، خطی بموازات راستای جبهه جنوبی ، از نقطه تعیین شده از باروی شمالی بر برج ۷ ترسیم گردید که هماهنگی آن با جای شواهد برج گوشه شمال شرقی ، نشانه درستی و انطباق خط مفروض بر راستای باروی شمالی میباشد .

بررسی عوارض زمین در بستر خانه‌های موجود در شمال کوچه موازی با راستای بارو نیز موید درستی نسبی ترسیم راستای باروی شمالی میباشد ، لازم به یادآوریست که دسترسی به این کوچه از طریق گذر کوتاهی که دارای شیب نسبتاً زیادی بطرف بارواست در نزدیکی برج ۷ و همچنین گذر مشابهی در نزدیکی برج گوشه شمال شرقی تامین میگردد ، و بعضی از افراد بومی جای دروازه ارگ را در پیرامون راه دسترسی شرقی کوچه فوق‌الذکر را که بر روی باروی شمالی واقع شده ، میدانند .

با ترسیم راستای خط‌نمای خارجی حصار شمالی ارگ و تکمیل ترسیم برج گوشه شمالی شرقی ، ضمن بدست آوردن نقطه‌ای از راستای باروی شرقی ، جای دو برج ابتدا و انتهای جبهه شمالی تعیین گردید ، ولی بعلت عدم دسترسی به سایر متعلقات باروی شمالی ، تعداد برجها و فاصله بین آنها با توجه به وجود برج ۱ در جبهه جنوبی ، و فاصله محور تا محور آن تا برج ۲ (برج گوشه جنوب غربی) معادل $73/5$ متر در نظر گرفته شد ، و فاصله اولین برج شرقی (برج ۸) از برج ۷ (برج گوشه شمال غربی) برابر $73/5$ متر انتخاب گردید . باتوجه به میزان دقت نقشه هوائی ۱ : ۲۵۰۰ فاصله نمای خارجی باروی شرقی از نمای خارجی باروی غربی معادل ۲۹۴ متر ، از روی نقشه زمینه کار ، اندازه‌گیری شد که خود مضربی از فاصله محوری برج ۸ از برج ۷ میباشد و در آن چهار فاصله و پنج برج جای گرفته و محل برجهای فرضی ۸ ، ۹ ، ۱۰ از این طریق انتخاب و ترسیم گردید .

طول جبهه شمالی از پشت نمای برج ۷ تا پشت نمای برج ۱۱ معادل ۳۱۷ متر قابل تخمین است که با احتساب عرض خندق در شرق و غرب ارگ (خیابانهای موجود) پهنای مجموعه فضای ارگ در جبهه شمالی به حدود ۴۰۰ متر میرسد .

۳-۴-۵- پیگردی باروی شرقی در کوچه مسجد

خانه‌های پیرامون برج ۱۲ شرقی و همچنین برج ۱۳ شرقی قرینه‌های برج ۶ و ۵ غربی ، مورد بازدید قرار گرفت لکن دسترسی به برجها مقدور نگردید ، تنها در کوچه مسجد و روبروی تعاونی جائیکه فضای وسیعتری از محل عبور مردم وجود داشت ، برای پیگردی باروی شرقی در نظر گرفته شد . آثار باروی شرقی در عمق دو متری از کف کوچه مورد مشاهده قرار گرفت ، هر چند که در اینجا میدان عمل محدود بود لکن بعلت تفاوت زیادی که در مانده‌های بارو بچشم میخورد این گمانه پیگردی از سایر نقاط شناخته شده ممتاز می‌نماید .

تاکنون وضعیت نمای برجها و باروهائی که مورد بررسی قرار گرفته و شناسائی شده‌اند از لحاظ جنس سنگ ، رنگ ، نوع تراش ترکیب و شکل سنگها ، نوع ملاطی که در داخل بارو بکار گرفته شده و الاخره شکل ازاره در نمای برج و باروی (جنوب تربت‌خانه) جبهه جنوبی ، غربی شمالی یکنواخت و یکدست بوده و در مقایسه آنها تفاوت چشمگیری دیده نشده بود .

— رنگ سنگها خاکستری است و رنگ سبز در آن کمتر دیده میشود .

— جنس سنگها مقاومتر از سنگهای سایر نقاط است و کمتر آسیب پذیر میباشد .

— سنگهای نما با دقت بیشتری تراش داده شده .

— شکل سنگهای نمای بارو در یکدیگر ترکیب شده‌اند و مستطیل‌های گوشه بریده‌ای را تشکیل میدهند که با سنگهای مجاور جفت شده‌اند . (تصویر—۴۵)

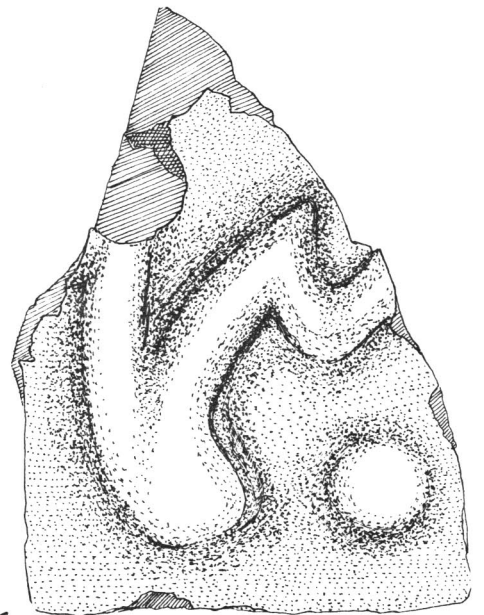
درزهای افقی در بین ردیف افقی سنگها امتداد ندارد .



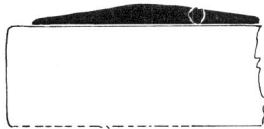
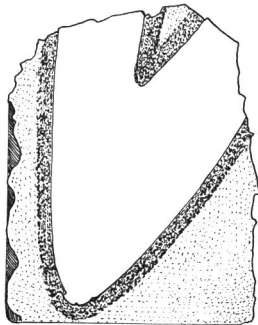
کاشی تخت - لعابدار - زرین فام دارای نقش و نوشته



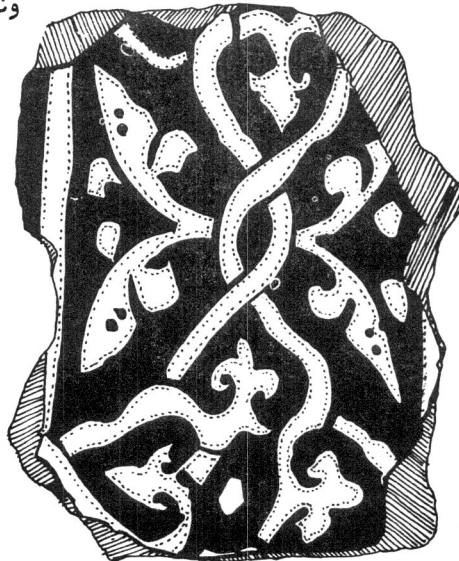
کاشی تحت - لعابدار - زرین فام - دارای نقش و نوشته



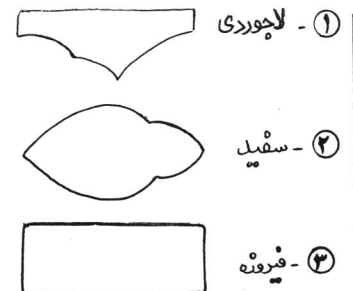
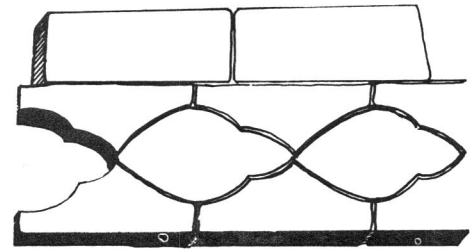
کتیبه کاشی برجسته - لعابدار - برنگ سفید روی زمینه لا جوردی (اهدائی)



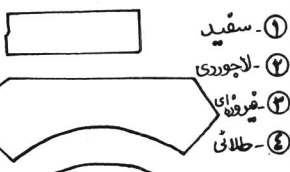
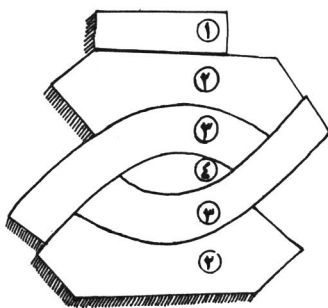
کتیبه کاشی، برجسته - لعابدار - برنگ سفید روی زمینه لا جوردی



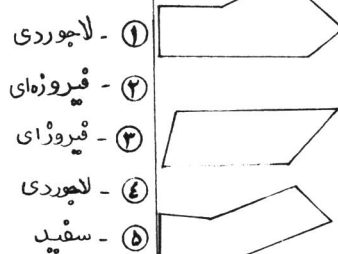
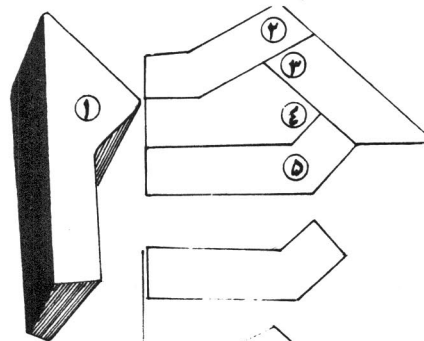
کاشی تحت - لعابدار - برجسته نقش سفید روی زمینه آبی مایل به کبود



قطعات کاشی معرق به رنگهای فیروزه - لا جوردی - سفید



کاشی معرق به رنگهای سفید - لا جوردی - فیروزه - طلایی



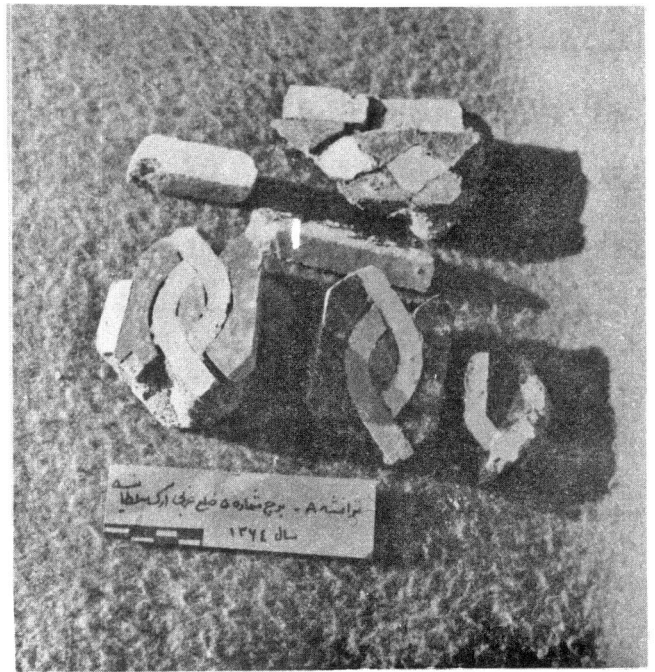
قطعات کاشی معرق - رنگهای سفید - لا جوردی - فیروزه

نمونه های کاشی معرق - و کتیبه دار مربوط به گار پیگردی کارگاه برج ۶ در جنبه غربی ارگ سلطانیه

سنگهای مجاور در سطوح وسیعتری، در جای درزهای افقی وقائم تماس بیشتری دارند .

— ملاط بکار رفته در داخل دیوار (بین قلوه سنگها) از یکنوع ساروج با دوام است که در مقایسه با ملاط بکار رفته در سایر نقاط که از خاک سرخ رنگ (خاک رس) و ذرات پراکنده آهک تشکیل شده متفاوت است . (نقشه — ۸)

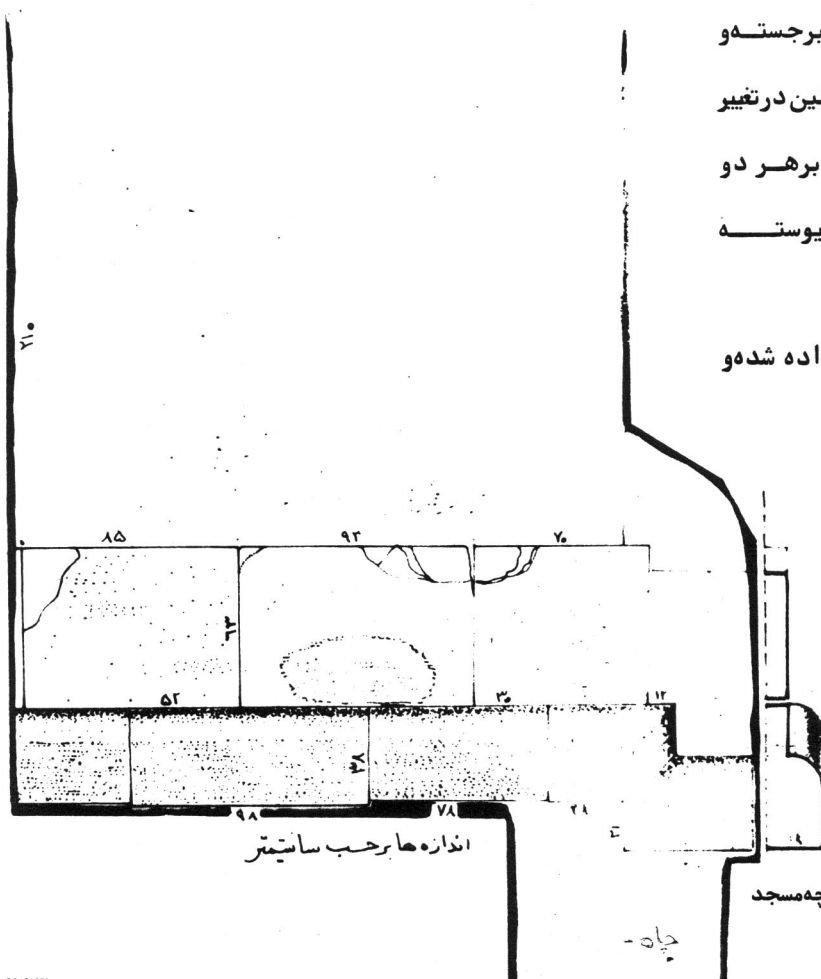
بطور کلی در این بخش از بارو وقت ، کار و دقت بیشتری در ساختمان باروی سنگی اعمال شده و در مقایسه با ساختمان سایر نقاط برج و بارو میتوان نتیجه گرفت که در ساختمان تمامی بخشهای شناخته شده ، سرعت و یا پیشرفت عجولانه‌ای در انجام



تصویر ۴۴- قطعات کاشی معرق

— ازاره سنگی پای بارو از برجستگی گرد تراشی ، تشکیل شده که در سطوح قائم و افقی (در تغییر کف شالوده بر حسب شیب زمین) امتداد مییابد و تفاوت زیادی با ازاره سنگی برجسته و گوشه دار (پله مانند) سایر نقاط برج و بارو دارد ، همچنین در تغییر امتداد سطح زمین (بعلت شیب) سنگ یکپارچه‌ای که بر هر دو سطح بالاتر و پایینتر استوار شده ، سطح ازاره بطور پیوسته امتداد پیدا میکند .

— سطوح توکار سنگهای نما با دقت بیشتری تراش داده شده و



اندازه ها بر حسب سانتیمتر

هیأت بررسی و نگهداری برج و باروی
ارگ قدیم شهر سلطانیه
رمستان - ۱۳۱۴
کارگاه نگهداری ۵۵ و تعمیر در کوی مسجد
کاشی از مانده جای بارو در شرقی

نقشه ۸- نقشه‌نمای خارجی بخشی از باروی شرقی ارگ در کوی مسجد

کار، برنامه‌ریزی شده، که در خور بررسی و مطالعه جداگانهای می‌باشد و بهترین شاهد این ادعا یکنواخت بودن ارتفاع سنگها در ردیفهای افقی، و ترکیب نشدن شکل مستطیل نمای سنگها در یکدیگر برای پرهیز از صرف وقت، درجفت وجودکردن سنگهای نما، و کم کردن تعداد سطوح تراش و ایجاد گوشه‌های داخلی و زاویه‌های خارجی در سنگها مرکب است. دلیل دیگر تقلیل سطوح تماس بین سنگهای همجوار در راستای تراز و شاغولی، و رفع اشکال در تنظیم آسان نما و ایجاد سرعت بیشتر در بنائی آنهاست، سه دیگر شیوه بنائی پشت‌کار سنگهای نما و استفاده از شفته آهکی (با آهک اندک و خاک رس) است، که به احتمال زیاد در ارتباط با چگونگی دسترسی، به معدن مصالح مورد نیاز و بسیاری نکات فنی، اجتماعی اقتصادی است، بررسی در این زمینه روشنگر بسیاری از فنون، طراحی، برنامه‌ریزی، ردیف کردن کار، مدیریت کارگاه، استخراج و حمل و نقل مصالح از معدن تا پای کار، در جهت اجرای سریع بناهای عظیم در زمان پیدایش ارگ سلطانیه می‌باشد.

۴-۶- پیگردی باروی شرقی درخانه آقای یادگاری

بدنبال جستجوی برج و باروی شرقی، با مساعی آقای کلانتری و همکاری آقای اصغر یادگاری بخشی از باروی شرقی که در انبار خانه ایشان قابل مشاهده بود، برای آگاهی از چگونگی وضعیت ازاره و چگونگی مشخصات معماری آن، مورد خاکبرداری قرار گرفت و در نتیجه ازاره گرد تراش نمای سنگ تحتانی نمایان شد که نشانگر یکدست بودن معماری بخش جنوبی جبهه شرقی است و با احتمال زیاد شاهی بر روایات تاریخی در خصوص چگونگی پیدایش شهر سلطانیه خواهد بود. (تصویر-۶)

۴-۷- پیگردی برج گوشه جنوب شرقی (برج-۱۶)

با دردست داشتن سه برج گوشه و چهار راستای اصلی، باروی ارگ موقعیت برج گوشه جنوب شرقی بر روی نقشه مشخص گردید و در پی کوششهای آقای کلانتری (معمار تعمیرات گنبد سلطانیه)

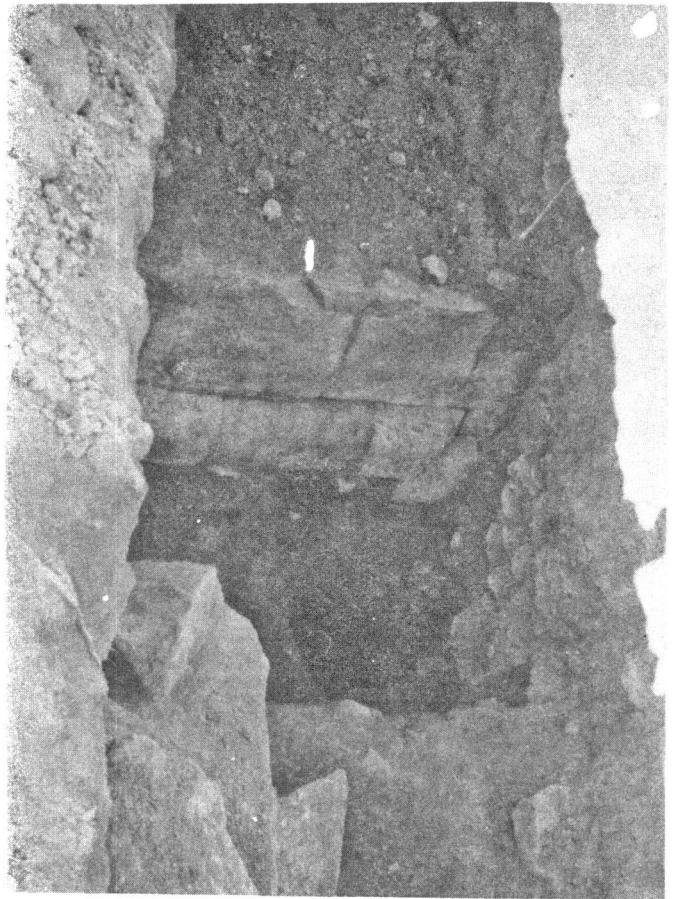
در جستجوی محل مناسبی که بتوان آثار وجودی برج‌اشناسائی نمود، ویرانه‌های خانه آقای تیمور نورمحمدی انتخاب گردید، در آغاز، در حیاط خانه فضائی به پهنای یک متر و درازای ۴ متر در راستای شمالی جنوبی در نظر گرفته شد و پس از خاکبرداری از آواری که داخل حیاط جمع شده بود در بخش جنوبی حیاط در نزدیکی اطاقهای جنوبی ویرانه، سنگی که بطور قائم قرار گرفته بود نمایان گردید. (تصویر-۴۷)

یادآوری این نکته ضروری بنظر میرسد که تا این مرحله از بررسی در مانده‌های برجها و باروهائی که شناسائی شده‌اند، اثری از تزئینات معماری در تراش سنگهای نما، دیده نشده بود ولی اولین اثر معماری جالب توجهی که در این کارگاه دیده شد، سنگی است که سطوح نمای آن با مهارت تراش داده شده و دارای چند سطح موازی با شکلهای، مستوی، منحنی، معقر، منحنی محدب است که با هماهنگی موزونی با یکدیگر ترکیب شده‌اند و یادآور بخش فوقانی نمای خارجی دیوار سنگی (فریز) بنمای باستانی کنگاور (که بنام معبد آناهیتا مشهور شد) می‌باشد، در مقایسه آنها کوچکترین اختلافی از لحاظ تناسبات و ترکیب سطوح منحنی و مستوی بنظر نمیرسد، تا جائیکه میتوان گمان برد، که طراح برج-۱۶ ارگ سلطانیه، با دردست داشتن الگوئی از سنگ فریز بنای کنگاور، و یا بنای مشابهی، توفیق اجرای آنرا در برج-۱۶ پیدا کرده است. (تصویر-۴۸)

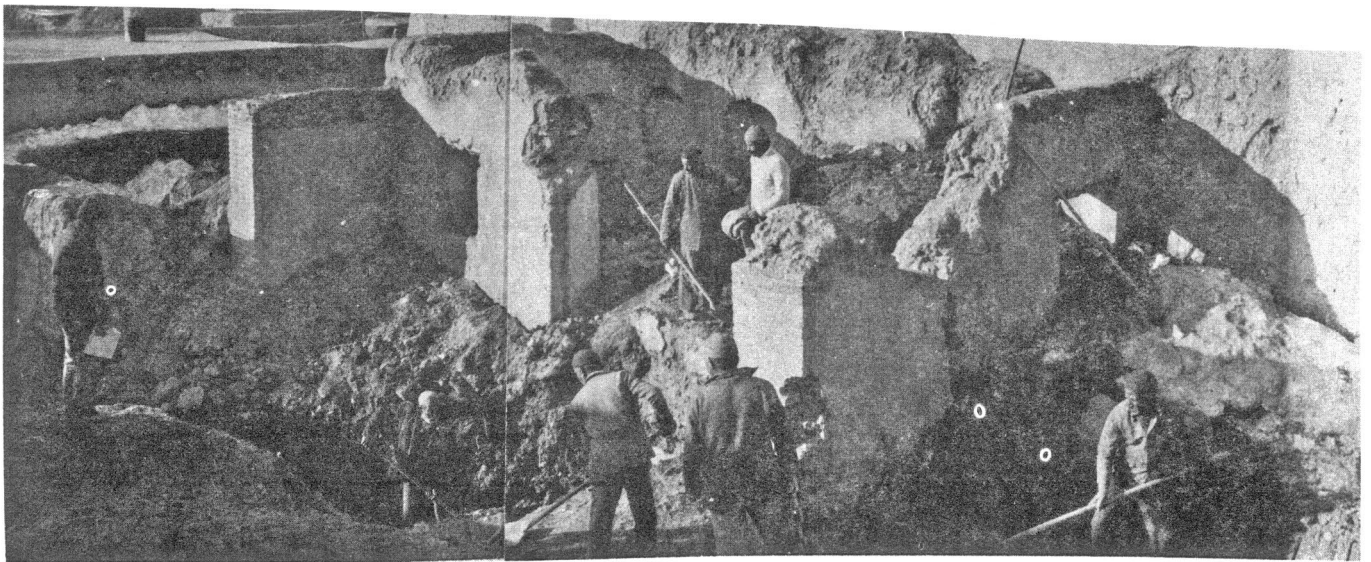
با ادامه خاکبرداری، سطح فوقانی مانده‌های برج-۱۶ پدیدار گردید و روشن شد که اولین سنگی که در این کارگاه دیده شده بود، برای استفاده مجدد از آن در بنای ویرانه، از کف حیاط استخراج شده است. کار پیگردی در بیرون برج تا کف خارجی ارگ و همچنین در طول نمای برج، به نمایان شدن بخشی از برج که در داخل فضای حیاط جای داشت منتهی گردید، بخشهای دیگر برج در خانه شرقی (ملک آقای ملکی) و بخشی غربی آن در زیر بقایای ساختمان ویرانه و خانه مجاور قرار



تصویر ۴۶- بخشی از باروی شرقی ارگ در خانه آقای اصغریادگاری

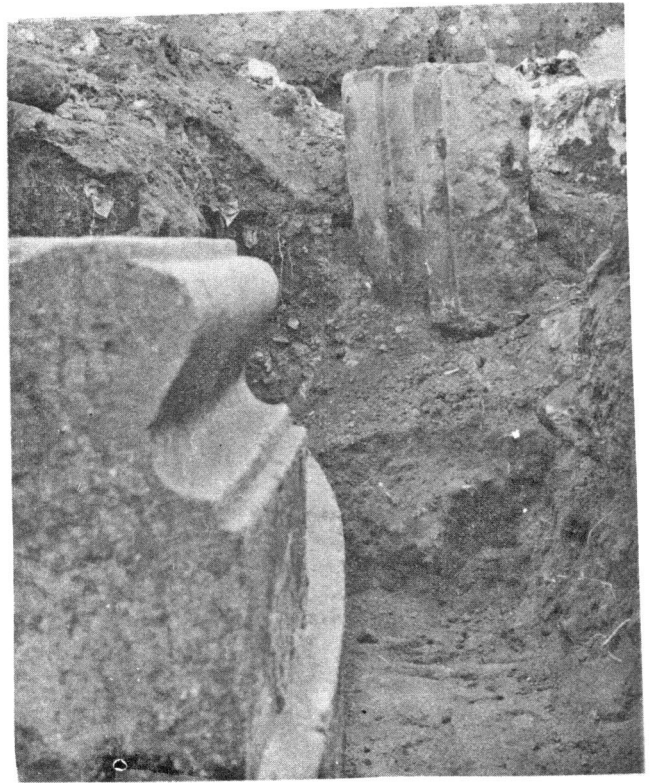


تصویر ۴۵- کارگاه پیکر دی جبهه شرقی در کوچه مسجد

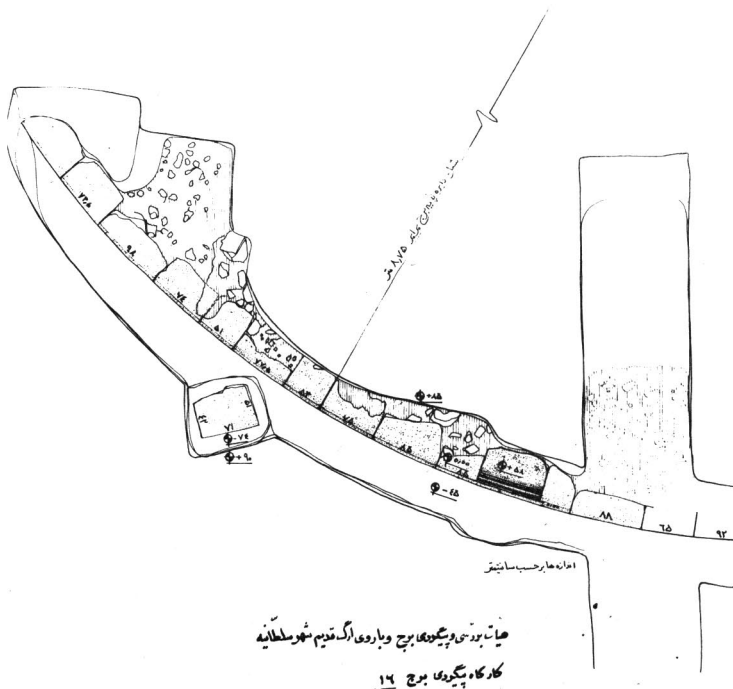


تصویر ۴۷- آغاز پی کردی در خانه تیمور نورمحمدی (برج ۱۶ گوشه جنوب شرقی ارگ)

تصویر ۴۸- نمونه تراش تزئینی سنگهای پایه برج ۱۶ گوشه جنوب



تصویر ۴۹- موقعیت سنگ پایه برج بر شالوده آن



نقشه ۹- نقشه بقایای برج ۱۶ (گوشه جنوب شرقی)

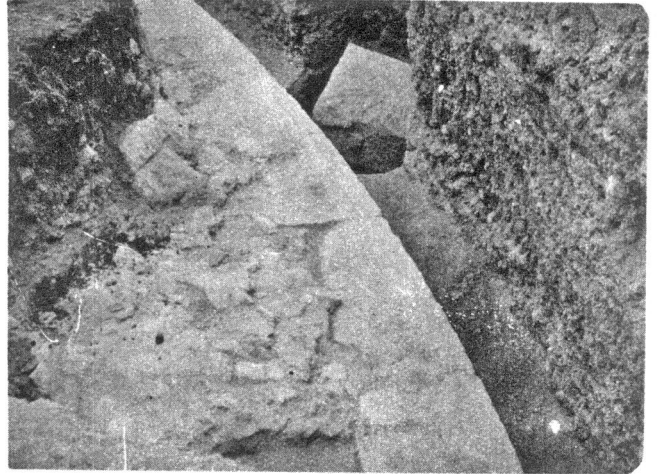
خلاف تصور قبلی که گمان میرفت جای آن ، همانند بنای کنگاور در بخش فوقانی دیوار باشد ، معمار برج - ۱۶ ارگ سلطانیه

این سنگها را در بخش تحتانی برج بکارگرفته و از سطوح مختلف آن بجای تقسیمات پایه برج استفاده کرده و با این ابتکار، طرح تازه‌ای از برج پدید آورده است . (تصویر ۴۹)

سنگهای ردیف اول این برج در هماهنگی با طرح دایره شکل آن ، دارای یک سطح منحنی و ساده است که بایس نشینی اولین سطح شاغولی ردیف دوم ، پله کوچکی همانند ازاره برجها و باروی بخش غربی ارگ ایجاد شده است، ولی بطور کلی نمای این برج از سایر برجها و باروهائیکه تا کنون در پیرامون ارگ دیده شده ، متفاوت است ، و در اجرای آن دقت بیشتری داشت (نقشه ۹)

مانده‌های برج - ۱۶ شامل دو ردیف سنگ بر روی شالوده است که بعضی از سنگهای ردیف فوقانی استخراج شده و جای آنها خالی مانده و با احتمال قریب به یقین سنگهایی که در زیر سرجزهای غربی بنای ویران نصب شده از همین جاهای خالی برج استخراج شده‌اند . شکل و تراش همه سنگهای ردیف دوم همانند سنگی هستند که اول بار در این کارگاه دیده شد و بر

از لحاظ تراش سنگهای نما ، جفت وجور کردن درزهای افقی و قائم و بنائی پشت کار سنگهای نما بکار رفته ، و از این لحاظ با معماری بخش شرقی یکدست بنظر میرسد ولی با آن تفاوت دارد (تصویر- ۵۰) .



تصویر ۵۰- مانده‌های بخشی از برج کوشه جنوب شرقی

در جستجوی جای پیوستن نمای برج به باروی غربی آن در جبهه جنوبی ، فضائی در شمال ویرانه که آوار کمتیری در آن انباشته بود ، انتخاب گردید ، و تا عمق هم تراز شالوده برج مورد خاکبرداری قرار گرفت ، هر چند که در این جا اثری از امتداد برج و یا بارو دیده نشد لکن قطعه سنگ خوش تراشی که گل‌انداز زیبایی بر آن نقش بسته در میان خاکهای آوار بناهای قدیم و جدید بدست آمد ، پهنای سنگ ۴۵ سانتیمتر و درازای آن ۵۸/۵ سانتیمتر و بیشترین ضخامت آن به ۱۰ سانتیمتر میرسد . (تصویر- ۵۱)

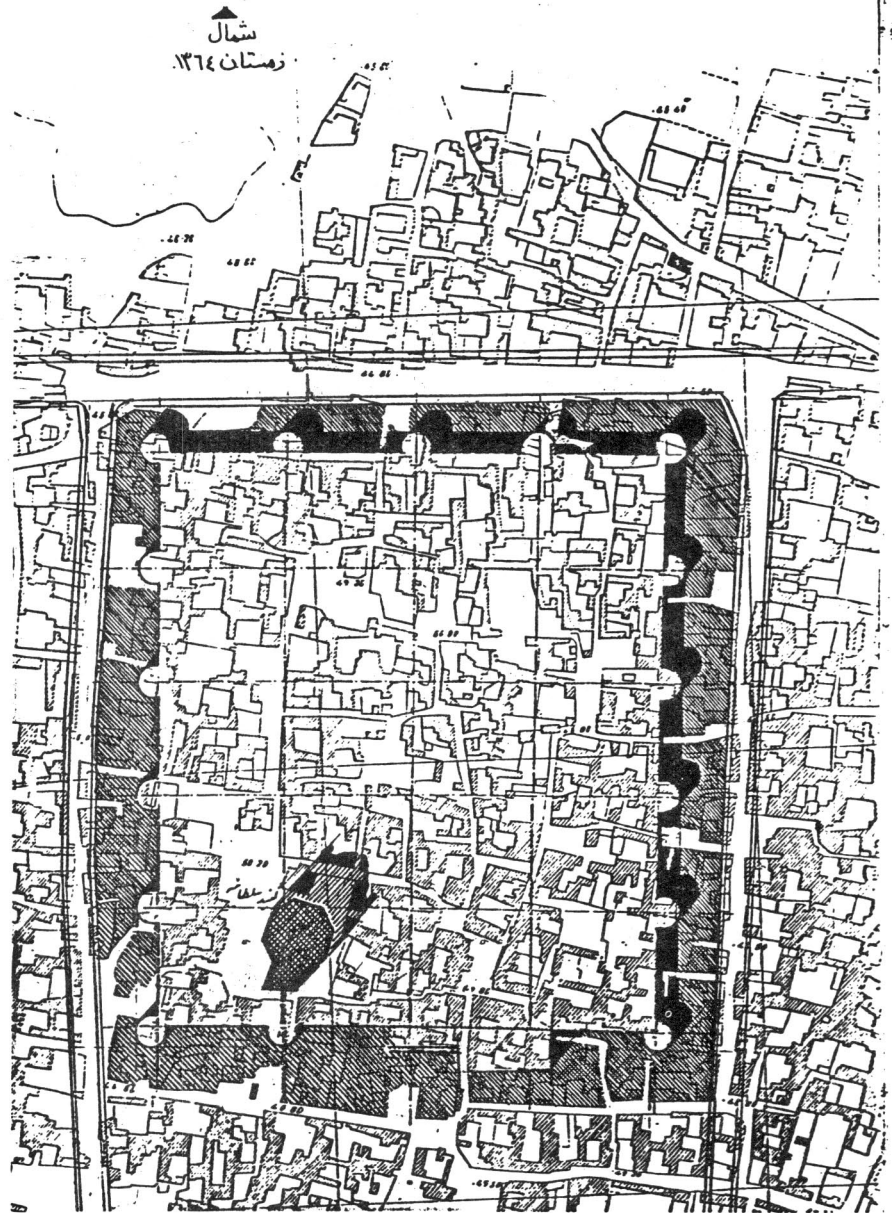


تصویر ۵۱- سنگ با تراش نقش تزئینی شده در مجاورت برج کوشه

جنوب شرقی

با توجه به ایستائی نقش آن تاج نقش در حد ابعاد سنگ بریده شده و خطوط هندسی بخش زیرین از دو طرف ادامه دارد بنظر میرسد . با این فرض نزدیک به یقین ، این سنگ یک‌بلوک از مجموعه‌ای است ، که میتوان آن را به تزئینات نمای بخشی از یک بنا ، معبر ، درگاه و . . . تشریفاتی ، که احتمالاً "داوای پوشش بوده ، نسبت داد ، که به تناسب ظرافت نقش و تزئینات سنگی ، در نزدیکی راه و چشم‌انداز ویژه‌ای قرار داشته است . با توجه به محدودیت فرصت و امکانات این فصل از بررسی (ضمن رعایت حقوق مالک ویرانه ، که کوشش شده بود ، با کمترین دخل و تصرف در سطح ویرانه ، کار پیگردی سامان پذیرد .) بدست آوردن اطلاعات بیشتر و کندوکاو وسیعتر ، به فصل مناسب و فرصت و امکانات مورد نیاز ، موکول گردید .

اندازه قطر برج - ۱۶ از طریق اندازه گیری و ترسیم بخشی از مانده‌های آن که نمایان شده بود بمیزان ۱۲/۵ متر محاسبه گردید ، و بر خلاف سایر مشخصات معماری و تزئینات منحصر بفرد و متفاوت آن از سایر برجهای دیده شده ، از لحاظ اندازه



نقشه ۱- کروکی برج و باروی ارگ
شهر قدیم سلطانیه
(برحسب اطلاعات موجود)

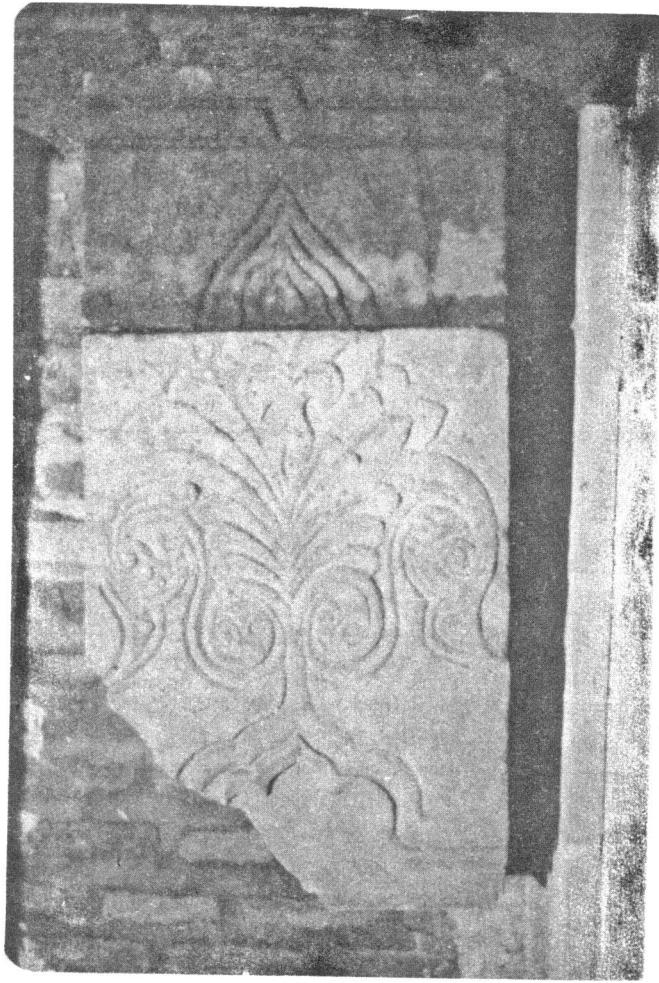
و وسعت سطح پایه برج ، همانند برجهای دیگر ارگ میباشد .
(نقشه ۹-)

هر چند که تعیین موقعیت دقیق برجها و راستای باروها
نیازمند نقشه برداری دقیق آنها پس از کسب اطلاعات بیشتر از
آنها میباشد ، لکن با در نظر داشتن روش ترسیم نشانه های
شناسائی شده ارگ ، موقعیت پیش بینی شده ، برای برج-۱۶
با در دست داشتن راستای باروی شرقی و همچنین راستای
باروی جنوبی (در تربت خانه) با جای برج انطباق پیدا کرده
و علاوه بر یکسانی وسعت این برج در چهارچوبی قرار دارد که

برجهای سه گوشه دیگر را شامل میگردد . (نقشه ۱۰)

پس از خاتمه کار و در هنگام بازگشت هیات بررسی ، قطعه
سنگی که به موزه موقت سلطانیه " فضای تربت خانه " حمل
میشد ، مورد توجه قرار گرفت ، با دقت بیشتری که در نقش و
تناسبات آن بعمل آمد ، پیشنهاد شد که نقش این سنگ با نقش
سنگ تزئینی کارگاه پیگردی - ۷ (بخش شمالی برج-۱۶) بدست
آمده بود ، منطبق گردد . (تصویر ۵۲)

هر چند بعلت تفاوت زیادی که در ضخامت سنگها وجود دارد
(و در سطح مشترک آنها آثار شکستگی دیده نمیشود) و سنگ



فوقانی با ضخامت ۲۷ سانتیمتر بر سنگ تحتانی با ضخامت ۱۰ سانتیمتر ایستا بنظر نمیرسد ، با وارنه کردن هر دو سنگ ، نتیجه آزمایش ، انطباق قطعی دو نقش و یکپارچگی طرح و هماهنگی سطوح مجاور آندو مسلم گردید . (تصویر-۵۳)

در جستجوی جای پیدا شدن این سنگ از کارگران مرمت گنبد سلطانیه استمداد بعمل آمد و (آقای.....) کارگری که در بررسیهای هیات باستان شناسی سال ۱۳۵۳ مشارکت داشت ، اعلام داشت که این سنگ در پیرامون برج گوشه جنوب شرقی یافت شده ، و به همراه سایر سنگهای جمع آوری شده در حیاط اردوگاه باستان شناسی بوده است .

۵- میزان دقت نقشه ارگ

لازم به یادآوری است که خطوط نقشه هوایی بر اثر تغییراتی که در شهر و معماری خانه‌های واقع در محدوده ارگ پدید آمده ، استفاده از نقشه را با مشکلاتی روبرو نمود ، که هر چند در ترسیم دقیق جای برجها ، و راستای باروها کوششی همراه با

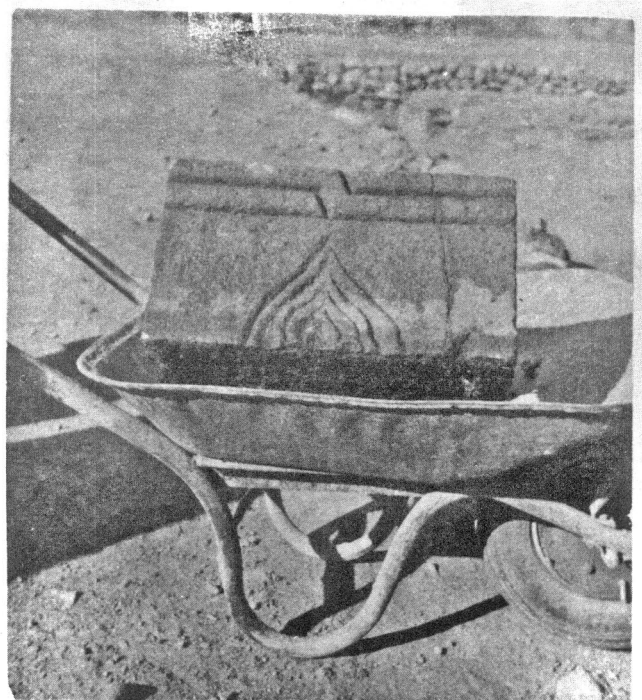
تصویر ۵۳- ترکیب دو قطعه سنگ با نقش تزئینی موضوع تصاویر (۵۲ و ۵۱)

وسواس بعمل آمده ، علاوه بر تقریبی که بر نقشه هوایی متصور است ، احتمال لغزش اندک را نمی‌توان نادیده گرفت ، ولی با توجه به میزان دقتی که در پیاده کردن مشخصات و جای آثار دیده شده ، اعمال گردیده ، و با توجه به مقیاس ۱ : ۲۵۰۰ ، نقشه میزان خطا نامحسوس و قابل چشم‌پوشی است . تناسب جای برجها بر حسب خطوط تصویر ساختمانها و تفکیک فضاهای پروخالی دارای دقت کافی میباشد ، لکن چون فاصله بین برجها و ابعاد ارگ ، با خط کش مقیاس از روی نقشه خوانده شده ، دارای دقت لازم نبوده و احتمال وجود خطا را به میزان حداکثر یک درصد ، نمی‌توان از نظر دور داشت .

۶- بررسی محدوده و حریم ارگ سلطانیه

با بهره‌گیری از آگاهیهای که در گزارشهای مورخین و

تصویر ۵۲- سنگ با تراش نقش تزئینی یافت شده در سالهای قبل



جهانگردان برجای مانده ، و سودجستن از همراهی مردم ساکن در اماکن روی راستای بارووبرجهای ارگ قدیمی شهر سلطانیه ، و همچنین دسترسی به نمونه برج و باروی ارگ در جنوب تربت خانه و گنبد سلطانیه ، و افزون بر آن آثار خندق پیرامون ارگ در سه جبهه شرقی ، شمالی و غربی ، همگی امکاناتی ارزشمند برای پیگیری و دست یابی به ، موقعیت و مشخصات محدوده ارگ و حصار محیطی آن بشمار می آیند ، و با در دست داشتن نقشه هوایی ۱:۲۵۰۰ سازمان نقشه برداری ، که زمینه اصلی گردآوری اطلاعات و جمع بندی آنها رافراهم آورده ، برجهای ۱۶ و ۱۷ در جبهه جنوبی و برجهای ۲ و ۳ و ۶ و ۷ در جبهه شرقی ، برجهای ۱۱ و ۷ در جبهه شمالی و برجهای ۱۶ و ۱۱ در جبهه شرقی هر یک در جای خود بر روی نقشه مشخص گردید ، و زمینه پیش بینی جای سایر برجها فراهم آمده و همچنین با وجود دو نقطه از دیوارهای سنگی خارج از راستای باروی جنوبی ضمن بدست آوردن اطلاعات جدیدی از معماری ارگ ، مجهولات و سئوالات جدیدی ، علاوه بر — مجهولات قبلی طرح میگردد ، که با پیوند اطلاعات هر موضوع و جمع بندی ذهنی آنها ، پیش فرضهای جدیدی نسبت به چگونگی وضعیت آنها پدید می آید ، که خود روشنگر چگونگی پاسخ دادن به سئوالات و تعیین کننده روش برخورد و انتخاب اولویتها ، در اجرای برنامهها و فعالیتهای آینده است .

در ارتباط با اطلاعات عمومی از ارگ و محدوده ای که بر آن متصور است و بر نقشه شهر منعکس گردیده بدون پیش بینی محل دروازه و راه ورودی و یا دروازهها و راههای ارگ نمی توان به انتخاب درستی از محدوده و حریم آن دست یافت و یا اولویتی را در برخورد با موضوعات مربوط به این محوطه باستانی در نظر گرفت .

۱-۶- مکان یابی دروازه ارگ

تاکنون نسبت به وجود دروازه ارگ در دو نقطه از پیرامون

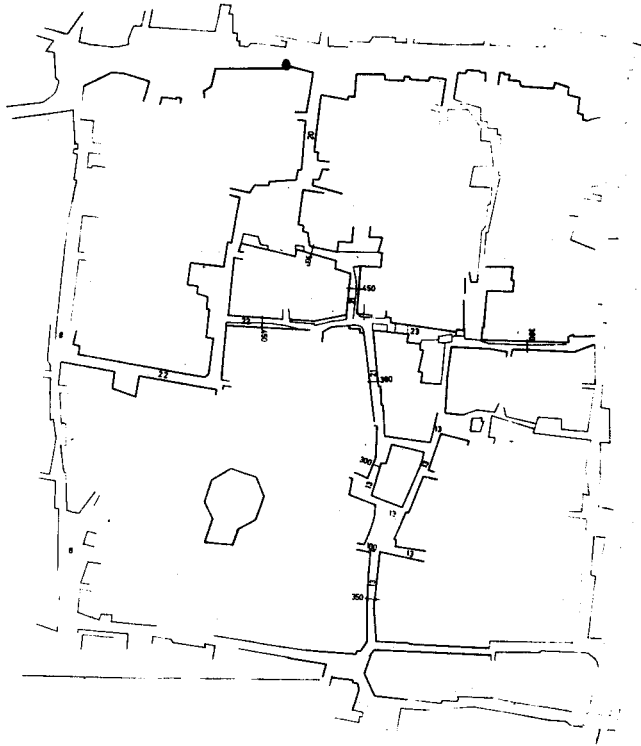
آن ، زمزمه هائی شنیده شده ، که یکی از آن دو ، در مجاورت برج ۳ (بخش جنوبی جبهه غربی) و دیگری در شرق جبهه شمالی و در نزدیکی برج ۱۱ (گوشه شمال شرقی) واقع شده اند . ولی در پیرامون آنها نشانی از وجود دروازه ، در عوارض زمین و یا معماری شهر امروزی سلطانیه به چشم نمی خورد .

در بخش غربی و پیرامون برج - ۳ وضعیت خندق مقابل آن ، روشن نیست و تنها ، کوچه بن بستی که در مقابل آن وجود دارد برفضای برج - ۳ منتهی میشود . یادآوری این نکته ضروری است که در این بررسی دو نقطه از برج - ۳ مورد کاوش و شناسائی قرار گرفته و هر چند که میزان اطلاعات ماخوذه از پیگردی آن اندک است لکن وضعیت و شکل و برج بودن عوامل معماری دیده شده غیر قابل تردید است . و با احتمال بسیار ضعیف ، در صورتیکه بتوان راهی در پیرامون آن ، برای ورود به فضای ارگ پیدا نمود ، این راه ورودی دروازه اصلی نخواهد بود .

در بخش شمالی و نزدیکی برج گوشه شمال شرقی که عمیق ترین نقطه خندق شمالی در مقابل آن دیده شده ، نیز نشانی از وجود دروازه پیدا نیست ، و وجود گذر شیب داری که در حال حاضر به فضای ارگ راه پیدا کرده و تا بازار شهر ادامه مییابد ، بعنوان تنها نشان احتمالی آن است که در بافت معماری سلطانیه امروزی انعکاس یافته ، که برای احتمال وجود دروازه در این حوزه کافی بنظر نمی رسد ، و هیچگونه نشان دیگری از وجود پل بر روی خندق مقابل آن نیز دیده نمی شود . (نقشه ۱۱)

۲-۶- بررسی دروازه ارگ در جبهه جنوبی

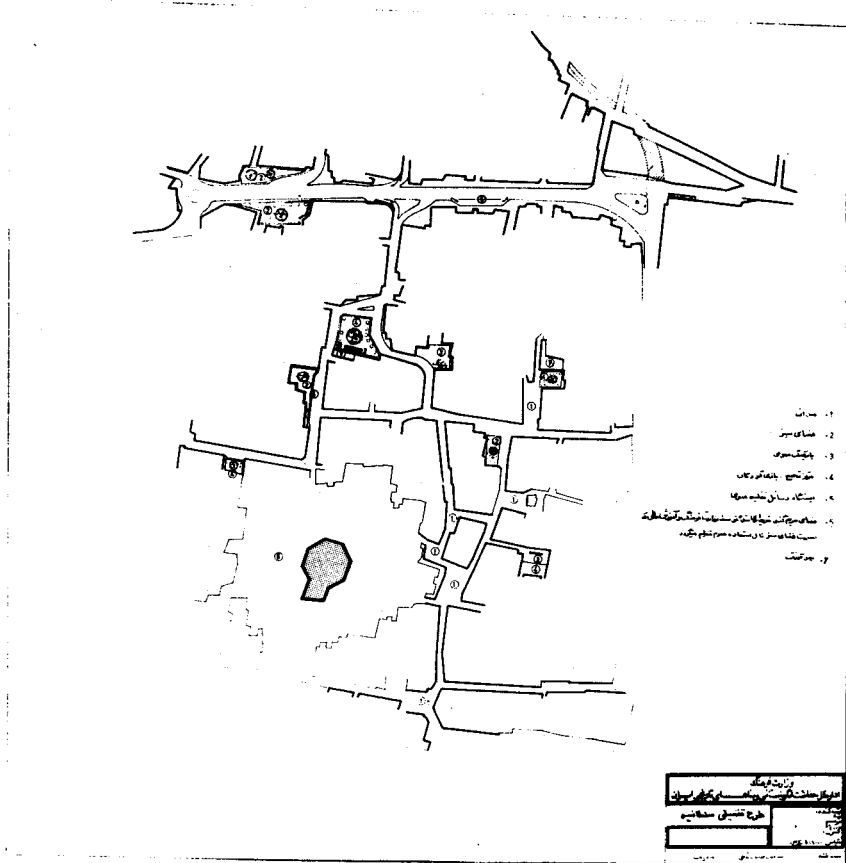
با توجه به امتداد خندق پیرامون ارگ در سه جبهه شرقی ، شمالی و غربی ارگ و همچنین بلندی سطح زمینهای جنوبی به نسبت سطح اراضی سه سمت دیگر ، نشانههای دیگری در ارتباط با احتمال وجود دروازه اصلی ارگ در خور توجه بوده و باختصار یادآوری میگردد :



سلطانیه
طرح تفصیلی
مقیاس ۱:۱۰۰۰

اداره کل سلفیاد آذربایجان

نقشه ۱۱- شبکه راههای اصلی دریافت موجود شهر (بر سطح آرک)



نقشه ۱۲- شبکه راههای بخش مرکزی شهر در ارتباط با بازار موجود

— مانده‌های دیوار سنگی ، در خانه شیخ محمدعلی به پهنای ۳ متر در فاصله ۱۴ متری از راستای باروی جنوبی که در نمای جنوبی و همچنین نمای شمالی آن ، بلوک سنگهای تراش داده شده دیده میشود ، و در موقعیتی قرار دارد که قرینه آن در جبهه شمالی ، احتمال وجود یک برج داده شده است . هر چند که راستای این دیوار به موازات راستای جبهه جنوبی است ، لکن خارج از چهارضلع فضای مربع شکل ارگ قرار گرفته ، که خود دلیلی بر متفاوت بودن وضعیت جبهه جنوبی از سایر وجوه ارگ میباشد .

— وجود دیوار دیگری به موازات باروی جنوبی و در فاصله ۲۴ متری از آن ، در انبار یونجه خانه‌ای در مجاورت راسته بازار و گذر جنوبی ارگ ، که در مقابل برج ۱۰ جبهه شمالی قرار گرفته است .

— منحصر بفرد بودن برج ۱۶ (گوشه جنوب شرقی) نسبت به سایر برجها از لحاظ تراش و تزئینات نمای سنگی آن ، که با احتمال زیاد در چشم انداز نزدیک یک معبر واقع بوده ، و یا حتی در نقطه مکتبی در مسیر حرکت آرام رهگذران قرار داشته است .

— پیدا شدن قطعات بلوک سنگهای منقوش در پیرامون برج گوشه جنوب شرقی ، که با احتمال زیاد به حوزه جنوبی ارگ تعلق داشته و حاکی از وجود یک بنای تشریفاتی در ارتباط با باروی ارگ میباشد .

— وجود بازار قدیمی شهر سلطانیه امروزی ، در نزدیکی راستای باروی جنوبی ارگ ، و انطباق راه دسترسی اصلی آن ، با معبر اصلی شبکه راههای بخش مرکزی شهر (محدوده فضای ارگ) از میان جبهه جنوبی ارگ . (نقشه - ۱۲)

لازم به یادآوری است که بازار سنتی شهر سلطانیه امروزی ، در گذشته‌های نه چندان دور ، مرکز مبادلات اقتصادی روستاهای اطراف بوده و با وجود مغازه‌های جدید در اطراف خیابانهای

جدیدالاحداث رونق خود را حفظ نموده است .

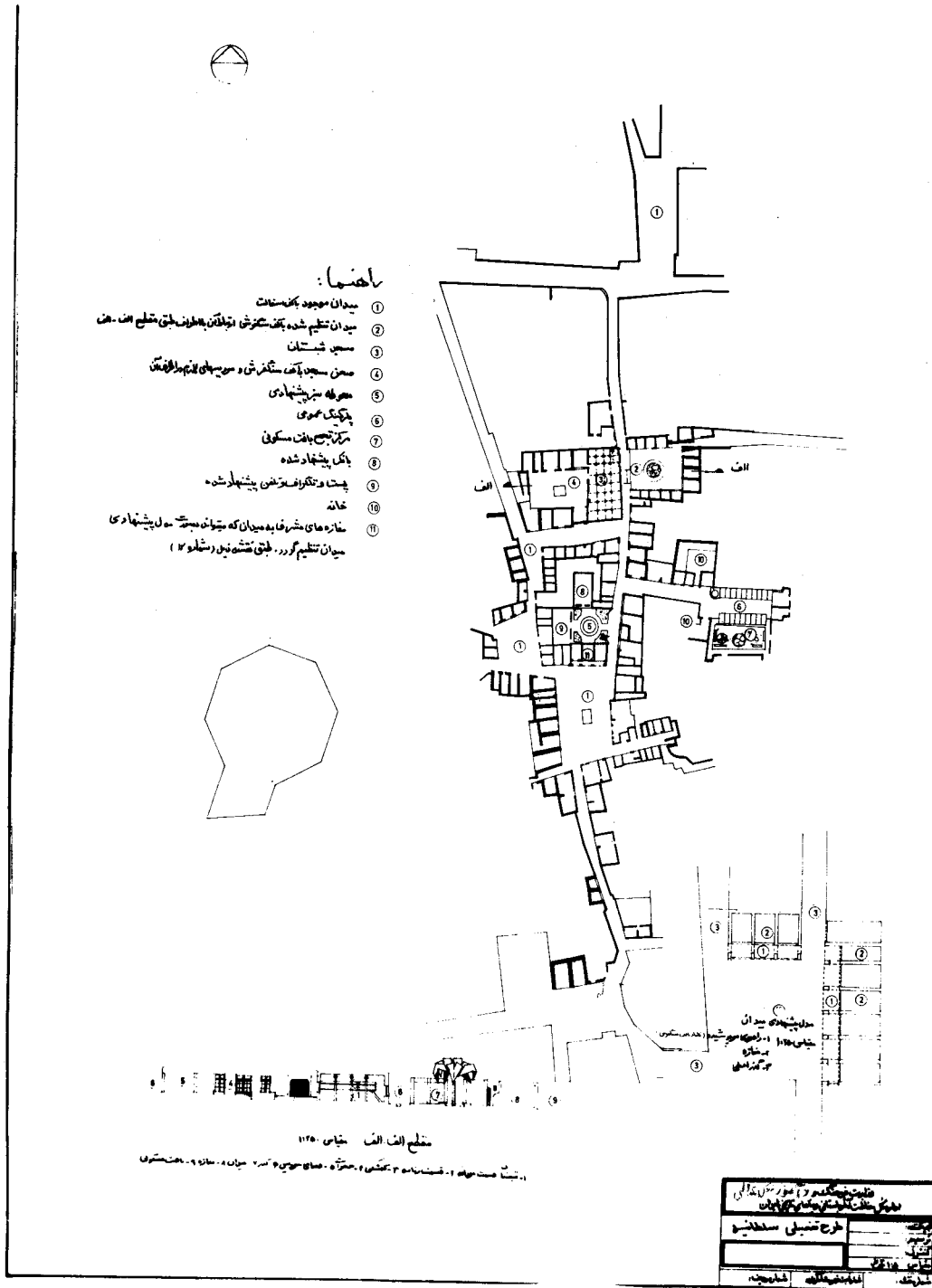
این بازار از دو میدان نسبتاً " وسیع تشکیل شده که از طریق راسته بازار کوتاهی بهم راه پیدا میکنند و دکانها و کارگاههای سنتی شهر در اطراف آنها شکل گرفته‌اند ، و شریان اصلی شبکه معابر داخل ارگ را تغذیه مینمایند . (نقشه - ۱۳)

هر چند که در اسناد و مدارک تاریخی از وجود بازار در ساختمان اصلی ارگ ذکری به میان نیامده ، و به احتمال بسیار زیاد شکل‌گیری و پیدایش زمینه‌های بازار امروزی مربوط به مدت زمانی پس از متروک شدن شهر سلطانیه میباشد ، لکن با توجه به چگونگی شکل‌گیری بازار در قلعه‌ها و شهرهای قدیمی و لزوم رابطه مستقیم دروازه شهر با بازار ، درستی پیش فرض وجود دروازه اصلی ارگ سلطانیه در جبهه جنوبی آن در خور توجه میباشد .

در خارج از فضای ارگ میدان وسیعی که احتمالاً " بخشی از آن توسط خانه‌های جدید الاحداث اشغال شده ، در راستای گذر اصلی شمالی جنوبی به چشم میخورد ، که احتمالاً " فضای تشریفاتی خارج از ارگ ، و مقدمای برای ورود به آن است . راههای موجود از شرق و جنوب و غرب سلطانیه به این میدان منتهی میشود و نشانه‌های راهی از طریق جبهه شرقی (خارج از خندق شرقی بطرف شمال و شمال غربی دریافت ساختمانهای شهر امروزی باقی مانده که در صورت وجود دروازه در این جبهه درخور پیگیری است .

۷- بررسی نقش عرصه‌های فرهنگی در شهر امروزی سلطانیه بر حسب نتایج بررسی مقدماتی

دستیابی به اندازه‌های سطوح خارجی برج و باروی ارگ قدیمی و تعیین موقعیت آن ، در شهر امروزی ، از نقطه نظریاسخگوئی به ضرورت‌های عمران شهری از یک سو و از سوی دیگر ایجاد زمینه‌های برای شناسائی آثار تاریخی و بررسی سوابق شهرسازی در این شهر هدف اولیه بررسی و پیگردیهای زمستان ۶۴ را تشکیل میدهند .



نقشه ۱۳ - نقشه بازار که دسترسی

اصلی آن از جبهه جنوبی تا مین

میشود

بخشهای نوساز شهر امروزی ، خصوصا " عوامل نوساز همجوار با ارگ قدیمی ، ضمن بررسی تاثیرات متقابل آنها ، ضروری بنظر میرسد .

با اشاره به چگونگی شکل گیری بناهای موجود برگرد بنای تاریخی گنبد سلطانیه ، در بخش نخست گزارش که امروزه مجموعه عوامل موجود (اعم از پیدا و پنهان) در این فضا را تحت عنوان شهر سلطانیه باز شناخته ایم ، تشخیص و بررسی و

با این امید که بتوان با توجه به میزان وسعت محدوده ارگ و بخشهایی از آن ، که در زیر سطح ساخته شده شهر امروزی قرار گرفته ، برنامه دراز مدتی را برای شناسائی مانده های کالبدی شهر قدیم ، به ویژه آثار معماری داخل فضای ارگ سلطانیه را برحسب امکانات موجود پایه ریزی نمود .

علاوه بر تدوین برنامه های تحقیقاتی و مطالعاتی باستانشناسی پیش بینی روابط هماهنگ و موزونی بین عرصه های شهر قدیمو

حسب سه وضعیت گذشته و حال و آینده آن به تفکیک و در سوست یکدیگر قابل پیشنهاد میباشد .

ار سیمای شهر قدیمی ، از بدو پیدایش آن بجز پاراهای روابنهای تاریخی و تپه‌های ناشناخته‌ای که از فرسایش و تخریب عوامل کالبدی معماری آن باقی‌مانده مورد کاوش و پژوهش قرار نکرده و اطلاع درستی در دست نیست ، هر چند که بنای تاریخی گنبد سلطانیه نمونه کاملی از معماری و هنرهای ظریف این مجموعه بدستار آمده و نقطه آغازی در حرکت بسوی باز شناسائی سایر عوامل تشکیل دهنده شهر بزرگ سلطانیه خواهد بود . لکن به نینهای معرف سیمای معماری و جامع تمامی خصیصه‌های شهر و شهرسازی سلطانیه بزرگ نخواهد بود .

سیمای روستائی شهر سلطانیه امروزی در مقایسه با مدارکی که از دورنمای شهر قدیم ، قابل تصویر است ، کاملاً متفاوت بوده و هیچگونه شباهت و یا رابطه مستقیمی را نمیتوان در دو چهره گذشته و حال شهر ردیابی نمود .

عرصه‌های فعال امروزی شهر عقب نگه داشته شده سلطانیه ، علاوه بر اینکه فاقد توان لازم در جوابگویی به نیازمندیها و حرکات یک شهر امروزی است ، بر بستری از مانده‌های آثار ارزشمند شهر قدیم قرار گرفته و مشکلات مضاعفی را از لحاظ اسائی و رطوبت ساختمانها برای ساکنین شهر مطرح نموده است . حولات اخیر با فعالیتهای عمرانی شهرداری در هشت سال گذشته ضمن ایجاد خیابانهای جدید ، خطوط پیدایش یک شهر امروزی را ترسیم نموده است ، که شکل و هیات عمومی آن به جکونکی طراحی و دخالت عناصر شهر قدیم بستگی مستقیم خواهد داشت ، که با وجود ارگ شهر قدیم سلطانیه در زیر سطح زیر بنای بخش مرکزی و گرایش به احداث بنا در عرصه‌های همجوار و خارج از آن ، نقش این بخش از شهر بعنوان بخش مرکزی عرصه‌های فرهنگی شهر قدیم درخور توجه خواهد بود .

علاوه بر بخش مرکزی (ارگ) سطوح وسیعی از اراضی واقع در

شمال غربی ، شمال و شمال شرقی آن پوشیده از بقایای ارزشمند شهر قدیم میباشد ، که با ضرورت حفظ و نگهداری آنها بمنظور شناسائی مشخصات عمومی معماری و شهرسازی این محوطه باستانی در درازمدت صورت گرفته است که محدودیتی در توسعه شهر امروزی بشمار می‌آید .

در پاسخگویی به نیازهای آتی شهر و با توسعه و جابجائی عرصه‌های شهری ، موقعیت عملکردی آنها مستلزم مکان‌یابی هر یک از آنها بر محور عملکرد فضای فرهنگی شهر قدیم و بویژه نوع استفاده از اراضی ارگ قدیمی میباشد .

با پیشنهاد طراحی سیمای آینده شهر بر محور سوابق فرهنگی آن ، شناسائی مشخصات فضای ارگ و نقش آن بعنوان فضای فرهنگی قابل استفاده شهر ، زمینه ساز هماهنگی لازم بین عرصه‌های شهری همجوار خواهد بود .

با اطلاعاتی که از بررسی خدماتی فضای ارگ بدست آمده میتوان نیل به این هدف را بر حسب امکانات موجود ، در انجام برنامه‌ای که مراحل آنرا ، در اختیار گرفتن تدریجی پلاکهای واقع در محدوده ارگ ، شناسائی عمومی ، کاوشهای باستانشناسی مرمت موضعی و حفاظت آثار معماری ، تشکیل موزه ، تنظیم فضای شناسائی شده و معرفی آن در جهت استفاده علاقمندان و پژوهشگران و بالاخره معرفی مقطعی و عمومی فعالیتهای علمی همراه با تشکیل آرشیو مدارک و تشکیل نمایشگاههای مختلف مربوط به سلطانیه دانست .

باتوجه به مراتب فوق تعیین حریم ارگ قدیمی و برنامه‌تنظیم فضای عمومی آن ، تدوین ضوابط ساختمانی پلاکهای همجوار و عملکرد آنها بدون آگاهی بیشتر از مشخصات بقایای ارگ بویژه شناسائی شبکه دسترسی شهر قدیم و بررسی موقعیت دروازه‌ها و ورودی اصلی ارگ از اهمیت خاصی برخوردار بوده و دست‌یابی به مشخصات آنها در اولویت اول قابل پیشنهاد میباشد .